

طرح جامع

شناخت و معرفی و پیاده سازی

صراط مستقیم و نظام مطلوب جهانی

طرح جامع صراط مستقیم

« تعریف و توجیه طرح »

و بیانیه پیشنهادی

« جمعیت صراط مستقیم »

در اجرای طرح

سید مهدی صالحی

فهرست مطالب

صفحه

عناوین

مقدمه

۱- بررسی عمومی و کلی جوامع بشری به لحاظ باورها، ارزشها و رفتارها

۱- نحوه شکل‌گیری باورها، ارزشها و رفتارهای انسانی

۲- نزاعهای بشری ناشی از اختلاف در باورها، ارزشها و رفتارها

۳- صدق و کذب و حق و باطل بودن باورها، ارزشها و رفتارهای بشری

۴- تغییر و تحول در باورها، ارزشها و رفتارهای انسانی

۵- جستجوگری حق و باطل

۶- واقعیتهای جامعه بشری در زمینه باورها، ارزشها و رفتارها

۷- موانع و مشکلات جستجوگری و معرفی جامع حق

۲- طرح مسئله و مشکل اساسی جامعه بشری و ضرورت و اهمیت حل آن

۳- طرح یک سناریوی فرضی در ارزیابی راه حل‌ها

۴- در بیان راه کار اساسی و مسائل و مشکلات آن

۱- راه کار اعجاز انبیاء

۲- راه کار اساسی حل مسئله و مشکل بزرگ جامعه بشری

۳- ابعاد و وجوه اعجاز قرآن

۴- موانع و مشکلات تحقیق در اعجاز قرآن

۵- طرح جامع شناخت و معرفی و پیاده سازی صراط مستقیم و نظام مطلوب جهانی

۱- در بیان ضرورت اقدامات جامع و همه جانبه در این رابطه

۲- در بیان موضوعات و محورهای اقدامات جامع و همه جانبه در این زمینه

۱- نقد و بررسی جامع اعجاز و عدم تحریف قرآن

۲- بحث و گفتگو با همه ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب جهان

۳- بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه اسلام، جامعه و نظام اسلامی

۴- اقدامات فرهنگی و آموزشی اسلامی و قرآنی بر اساس باورهای پایه‌ای و مشترک بین مذاهب

اسلامی

۵- ایجاد و نگهداری و توسعه جوامع نمونه اسلامی

۶- مشاوره و همکاری و کمک به کشورها و دولتهای اسلامی در مدیریت، بهبود و توسعه آنها

- ۷- مطالعات و پژوهشهای بنیادی عمومی و جهانی
- ۸- اقدامات و فعالیتهای عمومی و اجتماعی و خیریه
- ۹- مطالعات و پژوهشهای عمومی ادیان و مذاهب، فرهنگها و تمدنها و کشورها و ملت‌های جهان
- ۱۰- اقدامات و فعالیتهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خدمات اطلاع‌رسانی
- ۱۱- سایر اقدامات عام و خاص مورد نیاز جستجوگری و پیاده‌سازی حق در جهان
- ۱۲- اقدامات و فعالیتهای اقتصادی و مالی در پشتیبانی اقدامات و محورهای یاد شده
- ۳- طرح جامع صراط مستقیم
- ۱- عنوان طرح
- ۲- هدف طرح
- ۳- محورهای اصلی اقدامات و فعالیتهای طرح
- ۴- ساختار و سیستم مشاوره‌ای و اجرایی طرح جامع صراط مستقیم - جمعیت صراط مستقیم
- ۶- بیانیه پیشنهادی جمعیت صراط مستقیم
- ۱- در ضرورت صدور بیانیه جمعیت
- ۲- در انواع اعضای جمعیت و نحوه فعالیت آنان
- ۳- ماهیت و نحوه ایجاد جمعیت
- ۴- اصول و مبانی پیشنهادی «جمعیت صراط مستقیم»
- ۱- اهداف جمعیت
- ۲- رسالت و مأموریت جمعیت
- ۳- محورهای اصلی اقدامات و فعالیتهای جمعیت
- ۴- نوع و طیف کارکردهای جمعیت
- ۵- طرق اجرای طرحها و برنامه‌های جمعیت
- ۶- اصول کلی راهنما و حاکم بر اندیشه و عمل، ساختار و رفتار، سیستم و روش جمعیت
- ۷- ارکان جمعیت
- ۸- مؤسسات و شرکتهای اصلی وابسته به جمعیت
- ۵- شرح اصول کلی راهنما و حاکم بر جمعیت
- ۱- اصل وحدت اسلامی مسلمین
- ۲- اصل صلح و امنیت جهانی، اسلامی و ملی
- ۳- اصل حق‌گرایی و باطل‌گریزی همه‌جانبه و دائمی
- ۴- اصل احترام به قوانین بین‌المللی و حاکمیت دولتهای رسمی و قوانین اساسی کشورها

- ۵- اصل سنگ زیرین آسیا
- ۶- اصل برتری و سبقت در شایستگی و نیکو کاری
- ۷- اصل دایره‌های بزرگتر و کم رنگ تر خودی و اختلافات مجاز
- ۸- اصل مدیریت جامع، روشمند و سیستمی
- ۹- اصل مصالح و منافع عمومی اسلامی، جهانی و ملی
- ۷- اقدامات اولیه و ضروری در راه اندازی و فعالیت جمعیت صراط مستقیم
 - ۱- آشنایی و همفکری کسانی که می‌خواهند جمعیت راه اندازی شود
 - ۲- برنامه ریزی جامع اولیه جمعیت
 - ۳- تهیه اساسنامه جمعیت
 - ۴- تأسیس رسمی جمعیت
 - ۵- بازنگری و اصلاح طرح و بیانیه پیشنهادی فعلی
 - ۶- انتشار رسمی و عمومی طرح و بیانیه جمعیت صراط مستقیم
 - ۷- سازماندهی و سیستم دهی مورد نیاز جمعیت
 - ۸- تأمین منابع مالی مورد نیاز جمعیت
 - ۹- ایجاد مؤسسات و شرکتهای اصلی و مورد نیاز جمعیت
 - ۱۰- ایجاد یک پایگاه خدماتی (Website) در شبکه اینترنت
 - ۱۱- تهیه و انتشار نشریه جمعیت
 - ۱۲- ایجاد و راه اندازی بانکهای اطلاعاتی و مراکز خدمات اطلاع رسانی
- ۸- دعوت مقدماتی و ابتدایی به راه اندازی و فعالیت جمعیت صراط مستقیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مقدمه

مدعیان حق و صراط مستقیم در عالم بسیارند. هر کدام کم و بیش ادعا دارند که آنچه را آنها باور کرده و عمل می‌کنند درست و حق است، و آنچه را دیگران قبول کرده و پیروی می‌نمایند نادرست و باطل است. بهمین دلیل بایکدیگر اختلاف پیدا کرده و بر سر آن باورها، ارزش‌ها و رفتارها به جان و مال یکدیگر تعدی می‌نمایند. چرا آنها نمی‌توانند یکدیگر را متقاعد کرده و به حق و حقیقت آنطور که بایسته و شایسته انسان است، برسند.

چگونه است که هر کدام از آنان، خویش را مجهز به علم و تقوی و درست اندیشیدن در فهم حقیقت نموده و دیگران را متهم به جهل و غرور و کج روی در فهم حقیقت می‌گردانند. مگر آنان هر کدام در کسب معرفت و ایمان به حق و صراط مستقیم چه کرده‌اند که دیگران نکرده‌اند و آنها چه فهمیده‌اند که دیگران نفهمیده‌اند.

واقعاً کدامیک از آنها راست می‌گویند و کدامیک دروغ می‌رانند. مکر و فریب در کجاست؟ و صدق و راستی در کیست؟ چاره در چیست؟ و راه شناخت و تشخیص حق از باطل کدام است؟ در پاسخ به این پرسش و دغدغه اساسی و رفع این نگرانی و در تعریف و حصول وضع مطلوب، این یادداشت و طرح، عنوان گردیده است.

باین منظور ابتدا در فصل ۱ به شناخت و بررسی اجمالی جوامع بشری بلحاظ باورها، ارزش‌ها و رفتارهایشان و اختلافات و نزاع‌های ناشی از آنها، پرداخته و در فصل ۲ مسئله و مشکل اساسی جامعه بشری در شناخت و معرفت حق و صراط مستقیم عنوان گردیده است.

سپس با طرح یک سناریوی فرضی در فصل ۳ به بررسی مشکل و راه حل‌های ممکن آن پرداخته و در فصل ۴ راه کار اساسی حل این مشکل مطرح شده است.

بر این مبنا، طرح جامع شناخت و معرفی و پیاده سازی صراط مستقیم و نظام مطلوب جهانی، در فصل ۵ عنوان گردیده است.

در فصل ۶ بیانیه پیشنهادی جمعیت صراط مستقیم بعنوان ساز و کار لازم در مشاوره و اجرای طرح مذکور ارائه شده است.

در فصل ۷ اقدامات اولیه و ضروری در راه اندازی و فعالیت جمعیت بیان گردیده و در نهایت در فصل ۸ از کسانیکه مایل به اقدام در این زمینه هستند، دعوت به مطالعه کامل و دقیق این طرح و همکاری و یاری و مشاوره درباره آن شده است.

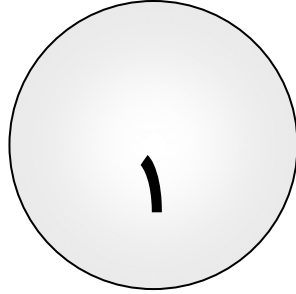
امید است که بحول و قوه الهی با بیان درست و جامع مسئله و مشکل اصلی جامعه بشری و اقدامات ضروری و همه جانبه‌ای که باید رخ دهد تا به آن پاسخ جامع داده شود، بتوان چنین طرحی را با چنان جمعیتی اجرا نمود.

باشد که بلطف و هدایت پروردگار، تشنگان و دلسوختگان حق و حقیقت، آنرا بیابند و پیروی نمایند و بدین ترتیب جامعه و نظام مطلوب بشری را شناخته و پی ریزی کنند .

ربیع الاول ۱۴۲۱ هجری قمری

ژوئن ۲۰۰۰ میلادی

سید مهدی صالحی



بررسی عمومی و کلی جوامع بشری

بلحاظ باورها، ارزشها و رفتارها

۱- نحوه شکل گیری باورها، ارزشها و رفتارهای انسانی

انسانها به دلایل گوناگون و در شرایط متفاوت از باورها و ارزشهای مختلفی برخوردار می‌شوند. منشها و رفتارهای آنها مبتنی بر همین باورها و ارزشها و عوامل درونی و محیطی شکل می‌گیرد. آنها سعی می‌کنند به خاطر منافع و مصالح فردی و گروهی، اعمال و افعال خود را بر مبنای همین باورها، ارزشها، نیازها و خواسته‌ها، تعریف و تنظیم نمایند.

انسانها بر اساس همین باورها، ارزشها، نیازها و خواسته‌ها، با یکدیگر رابطه برقرار کرده و به مرور انواع نهادها و نظامهای قدرت را در جامعه شکل می‌دهند. نظامهای قدرتی که در ابعاد امنیتی و سیاسی، فنی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پدید آمده و سعادت فردی و گروهی افراد را بر پایه اعتقادات و مقدسات مشترکشان تأمین می‌نمایند.

به تدریج حفظ و بقای این نهادها و نظامها، در گرو پایداری و تایید آن اعتقادات و مقدسات شده و ثبات و صحت آن اعتقادات و مقدسات وابسته به نگهداری و گسترش این نهادها و نظامها می‌گردد. این باعث وسیله و هدف شدن دوگانه و دوطرفه نهادها و نظامهای قدرت، با اعتقادات و مقدسات حاکم بر آنها می‌شود.

تعارض نظامهای قدرت مبتنی بر تعارض باورها و ارزشهای حاکم بر آنها، موجب پدید آمدن انواع اختلافات و نزاعهای سیاسی و نظامی، حقوقی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در جوامع بشری گردیده است. جاذبه‌ها و دفعه‌ها، دوستیها و دشمنیها بر همین اساس میان انسانها و گروههای انسانی شکل گرفته است.

انسانها تلاش می‌کنند که منافع و سعادت خود را بر پایه اعتقادات و مقدسات باور شده و در قالب نهادها و نظامهای بنا شده، بدست آورند. بنابراین ایمان افراد به درستی باورها و ارزشهایشان و حقانیت نهادها و نظامهای شکل گرفته با آنها، امری الزامی و طبیعی است. واقعیتی که صرف نظر از درستی و نادرستی اعتقادات و مقدسات و چگونگی پیدایش آنها و جدای از صحت و سقم شکل گیری و گسترش نهادها و نظامها، همواره وجود دارد. واقعیتی که گاه ممکن است به صورت تظاهری و دروغین نمود پیدا کند.

انسانها در درون این نظامها، باورها و ارزشها متولد شده و ضمن تأثیر پذیری از آنها، بر آنها نیز اثر می‌گذارند. این تأثیر و تأثرها، زمینه‌های انشعاب و تجزیه، اتحاد و ترکیب، تکامل و توسعه و حتی تولد و مرگ انواع اعتقادات و مقدسات، و نهادها و نظامهای برخاسته از آنها را در جامعه فراهم می‌آورند. با این ترتیب انواع ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب، فرهنگها و تمدنها با انواع نهادها و نظامهای قدرت در جوامع بشری شکل گرفته، توسعه یافته، باقی مانده و یا از بین رفته‌اند. نهادها و نظامهای امنیتی و سیاسی، حقوقی و جزایی، فنی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که هر کدام به نوعی حامی و مدافع باورها و

ارزشهای جامعه و ضامن منافع و سعادت آن می‌باشند. در این میان بعضی چون انبیاء و اولیاء، عالمان و معلمان، حاکمان و مدیران، پولداران و سیاستمداران، قهرمانان و هنرمندان، بیشتر بر محیط و جامعه و باورها و ارزشهای آن اثر گذاشته‌اند و بعضی چون کشاورزان و کارگران، سربازان و کارمندان، کاسبان و خانه‌داران، بیشتر، از محیط و جامعه و باورها و ارزشهای آن اثر پذیرفته‌اند. اما در مجموع می‌توان گفت انسانها هرکدام به نوعی در برهم کنشهای متقابلی از ساخته شدن و ساختن قرار دارند. آنها در فرآیندهای اثر پذیری و اثر گذاری، به صورت فردی و گروهی، آگاهانه و فعالانه، نادانسته و منفعل، درست و نادرست کم و بیش حضور دارند.

اینکه انسانها در این اثرپذیری‌ها و اثرگذاری‌ها تا چه حد فعال و مختار و مسئول هستند و تا چه مقدار منفعل و بی اختیار و غیر مسئول می‌باشند، از جمله مسائلی است که باید درباره آنها اندیشید و نظر داد. وابستگی باورها و ارزشها، اعمال و رفتار آدمیان به محیط و یا خود آنها، از مباحث اختلافی میان علمای ادیان و مکاتب است. بعضی بر این باورند که اعتقادات و مقدسات و اعمال و رفتار انسانها، متأثر از جهل و غرور، قدرت طلبی و نفاق آنهاست، و عقل و منطق، صداقت و خلوص مستقل از شرایط محیطی قابل حصول نیست. و برخی لاقیل چنین وانمود می‌کنند که باورها و ارزشها و تنشها و کنش‌هایشان، ناشی از عقل و علم و صداقت و تقوای آنهاست. هرچه هست پرسش و پاسخ در این باره بسیار و جای بحث و گفتگو نیز فراوان است. راهی و چاره‌ای باید برای آن یافت.

باورها معمولاً با برداشتها، گزاره‌ها و نظریاتی درباره خالق و مخلوق، عالم و انسان، پیدایش، ضرورت و سرانجام آنها، آغاز می‌گردد، و تا جزئیات اعتقادی در امور امنیتی و سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در حیا فردی و اجتماعی انسانها کشانده می‌شود. آدمیان سعی دارند که مقدسات و ویژگیها و رفتارهای خود را بر اساس این برداشتها و نظریات، تعریف و تنظیم کنند و اعمال و افعال خود را بر مبنای آنها تبیین و توجیه نمایند. آنها همواره تلاش می‌کنند با روشها و نگرشهای با فرض خود درست، به یک چارچوب و نظام هدفمند از باورها، ارزشها و رفتارها با برخورداری از سازگاری درونی دست یابند. نظام سازگاری که تا ممکن است با جامعیت و انسجام خود، تبیین کننده و توجیه گر تمامی تفکرات و احساسات و حرکات و سکنت آنان باشد. باین ترتیب موجودیت و هویت فردی و اجتماعی در قالب آن نظام شکل گرفته و جوامع مختلف بشری را با فرهنگها و تمدنهای گوناگون پدید می‌آورد.

فرهنگها و تمدنهای به وجود آمده، این بار خود فضا و محیطی برای انسانها و نسلهای بعدی فراهم می‌آورند که زمینه ساز تلاش و باور آنها برای رسیدن به نظامی جامع و منسجم می‌شود. انسانها در چنین فضاهایی از فرهنگها و تمدنهای محیطی مربوط به خود به دنیا می‌آیند و با عادت و باوری که به تدریج برای آنها حاصل می‌شود آن نظامها را باور کرده و به آن پای بند می‌شوند. آنها گمان می‌برند که موجودیت و هویتشان در گرو این باور و پای بندی است و لذا معمولاً در مقابل هر گونه تغییری،

مقاومت کرده و آنرا باطل می‌دانند. این گمان و مقاومت لزوماً نادرست و منفی نیست و برای حفظ و بقای فرهنگها و تمدنها امری ضروری می‌باشد. لیکن اگر آن فرهنگ و تمدن براساس مبانی نادرست نسلهای گذشته شکل گرفته باشد، زمینه‌های پویایی و جستجوگری آن جامعه را برای یافتن باورها، ارزشها و رفتارهای درست و منسجم از بین می‌برد.

اگرچه انسانها بنا به علل و عوامل دیگری از قبیل ناسازگاریها و تناقضهای درونی باورها و ارزشها، یا غرورها و هوسها، ظلمها و فسادها، نادانیا و فریبهها، در مقام ایمان و عمل دچار ضعفها و سستی‌هایی می‌گردند. لیکن در مقام احتجاج نه تنها بر حفظ و بقا و درستی آنچه دریافته‌اند کوشیده و از آن دفاع می‌کنند بلکه بر گسترش آن نیز تلاش می‌نمایند.

اما از سویی دیگر بنا به علل و دلایل مختلفی افرادی یا گروه‌هایی کلاً چارچوب و نظامی را و یا بخش‌هایی از آن را کنار گذاشته و به چارچوبها و نظامهای دیگری می‌پردازند و می‌پیوندند. عللی از قبیل نا کارآمدی فرهنگهای پدید آمده، تماس و درگیری و اختلاط تمدنهای گوناگون با یکدیگر، و یا حب و بغضها، ترسها، فریبهها، و جاذبه‌های دنیایی، ممکن است موجب پیدایش تغییر و تحول در چارچوبهای اعتقادی و ارزشی آنها گردد.

در این میان بعضی هم با تلاش و دلایل منطقی و عقلی باورها و رفتارهای محیطی و قبلی خود را نفی کرده و به اعتقادات و ارزشهای جدیدی می‌رسیدند و می‌پیوستند. این تغییرات و تحولات به تدریج باعث تغییر و تحول فرهنگی و تمدنی کل آن جوامع و یا بخش‌هایی از آنها می‌گردید، که این بار خود باید بر تثبیت و حفظ و بقای آن می‌کوشیدند.

باین ترتیب نهادها و نظامهای قبلی، توسط باورها و ارزشهای جدید از هم پاشیده و نهادها و نظامهای نوینی از نو بنا می‌گردید و در آن ضمن تأمین منافع و سعادت انسانها، بر پایداری و درستی باورها و ارزشهای جدید می‌کوشیدند.

این همه باورها و ارزشهای متفاوت در پاسخ به یک سری نیازها و خواسته‌ها و پرسشها وضع و طرح شده است. نیازهایی چون امنیت و معاش و محبت، خواسته‌هایی چون قدرت و لذت و شهرت و ثروت و پرسش‌هایی از قبیل ما که هستیم و از کجا آمده‌ایم و برای چه آمده‌ایم و به کجا خواهیم رفت، منشاء پیدایش انواع اعتقادات و ارزشها گردیده است. نقش و جایگاه و رسالت و تکلیف ما در این عالم چیست؟ هدایت و ضلالت، سعادت و شقاوت ما در چیست؟ مطلوب و نامطلوب، درست و نادرست کدام است؟ حق چیست تا به آن به پیوندیم و از آن تبعیت و دفاع کنیم و باطل کدام است تا از آن دوری کنیم و با آن مبارزه نمائیم؟ چگونه بیندیشیم و چطور عمل کنیم که به راه راست رفته باشیم و رستگاری و خوشبختی خود و دیگران را تضمین کرده باشیم؟

بشر همواره کوشیده است به این نیازها، خواسته‌ها و پرسشها، پاسخهای درست و سازگاری ارائه دهد. در راستای همین کوششها بوده است که انواع ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب، فرهنگها و تمدنها، راه و روشهای زندگی در میان انسانها پدید آمده است.

۲- نزاعهای بشری ناشی از اختلاف در باورها، ارزشها و رفتارها

اگرچه کلیات اصول باورها و ارزشهای انسانی به چند طبقه و دسته اصلی قابل جمع بندی و بسته بندی است، لیکن در جزئیات آن قدر تنوع و تعدد آنها گسترده می‌شود که به نظر می‌رسد هر انسانی در هر عصر و مصری دارای باورها و رفتارهای مختص به خود می‌باشد. حتی می‌توان گفت هر انسانی در طول حیات دنیایش و در مراحل مختلف زندگیش، از باورها و رفتارهای متفاوتی پیروی می‌کند. بالاخره آنچه که واقعیت دارد وجود باورها، ارزشها و رفتارهای مختلف در میان انسانها و گروههای انسانی است که موجب پدید آمدن انواع نهادها و نظامهای قدرت با انواع نزاعها و درگیریها در جوامع بشری گردیده است. این واقعیت صرف نظر از علل و عوامل پیدایش این نظامها و باورها و درستی و نادرستی آنها معنی و مفهوم دارد.

اختلاف در باورها و ارزشها، و اعمال و رفتار مبتنی بر آنها، موجب تعدی و دخالت انسانها نسبت به یکدیگر در امور حیات فردی و اجتماعی گردیده است. آنها پیوسته بر سر آنچه که هر کدام آن را حق خود یا حق مطلق می‌نامند اختلاف و نزاع دارند. این باعث رنج فراوان در طول تاریخ برای بشریت شده است. رنج‌هایی که امروز هم در ابعاد وسیع امنیتی و سیاسی، حقوقی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بشریت را به خود مشغول داشته است.

البته همه اختلافها و نزاعها و رنجهای بشری ناشی از اختلافات در باورها و رفتارهای دینی و مذهبی و حزبی و مکتبی نیست، بلکه عللی چون قدرت‌طلبی‌ها و لذت‌جوییها، نادانیها و غرورها، نیازها و منافع حیات دنیایی و کمبود منابع و امکانات، باعث بروز نزاعهای خانمانسوز و رنجهای فراوان در جوامع بشری گردیده است. لیکن در بیشتر موارد این قبیل نزاعها هم، یا ریشه در همان باورها و ارزشها دارند و یا با پوشش و محمل دینی و مذهبی، حزبی و مکتبی توجیه و نمود پیدا می‌کنند. چه بسا که دین و مذهب و حزب و مکتب را هم برای همین هوسها و نیازها ساخته و پرداخته باشند و یا آنها را وسیله‌ای برای حصول منافع و خواسته‌های خود قرار داده باشند. به هر جهت بخش اعظم اختلافات و نزاعها و رنجهای بشری همچنان یا از نوع اختلافات و نزاعهای دینی و مذهبی، حزبی و مکتبی است و یا ریشه در آنها داشته و یا به وسیله آنها توجیه گردیده و پوشش می‌یابد. اینکه اساساً پیدایش و وجود انواع اختلافات و نزاعها در جوامع بشری، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است یا نه؟ و یا آنها سناریوهای از پیش تعریف شده‌ای هستند که انسانها مجبور به اجرای آنها می‌باشند یا نه؟ و اینکه اصولاً اعتقادات و اعمال مختلف،

علی رغم تضادها و نزاعها، در مجموع مفید به حال بشریت است یا نه؟ و آیا باید در رفع و دفع آنها کوشید یا نه؟ و اینکه اساساً اختلاف در اندیشه و عمل در چه مواردی و تا چه حدودی مجاز و در چه اموری و تا کجا غیر مجاز است؟ و اینکه آیا این اختلافات و نزاعها همه ریشه در هوای نفس و زیاده طلبی و غرور و استکبارانسانها دارد یا نه؟ و اگر چنین است آیا قابل رفع هست یا نه؟ در این صورت چگونه می‌توان آن را رفع و دفع نمود؟ همه از جمله پرسشها و مسائلی هستند که بسیار مورد اختلاف هستند و لازم است درباره آنها اندیشیده و داوری شود. لیکن آنچه در اینجا واقعیت و اهمیت دارد این است که صاحبان و پیروان هر دین و مذهبی، و واضعان و هواداران هر حزب و مکتبی، و متفکران و عاملان هر اندیشه و عملی، معمولاً هر کدام باورها و ارزشها و رفتارهای خود را درست و حق پنداشته و اعتقادات و مقدسات و اعمال دیگران را نادرست و باطل می‌انگارند. هر کدام گمان می‌کنند همه حق نزد خودشان و همه باطل نزد دیگران است. باین ترتیب هر کس موجودیت و هویت، منافع و مصالح خود را نسبت به دیگرانی که با او مخالفند و یا او با آنها مخالف است در خطر می‌بیند و در نتیجه با آنها برسر دفاع و نزاع برمی‌آید.

این دفاع و مبارزه بسته به میزان ایمان و اعتقاد، منابع و تواناییها، موضوع و محدوده مورد اختلاف، و شرایط و زمینه‌های موجود می‌تواند با شدت و ضعفهای متفاوت و در ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی رخ دهد. دامنه و گستره این نزاعها و درگیریها بستگی به تعریف مرز اختلاف مجاز در امور و موضوعات گوناگون دارد. هرچه دایره اختلاف مجاز کوچک‌تر و تنگ‌تر باشد، دامنه و گستره این نزاعها و درگیریها بیشتر، و برعکس هرچه دایره آن بزرگتر و گشادتر باشد، دامنه و گستره نزاعها و درگیریها کمتر می‌گردد.

گاه دایره اختلاف مجاز آنقدر کوچک و تنگ می‌شود که تنها خود فرد در آن باقی می‌ماند و الباقی مردم برای او دشمنانی بیش نیستند. در این شرایط دامنه اختلاف و نزاع تا جزئیات اعتقادی و ارزشی و عملی کشانده می‌شود.

گاه دایره اختلاف مجاز آنقدر بزرگ و گشاد می‌شود که فرد حاضر به سلوک مسالمت‌آمیز با هر کسی و با هر باور و ارزش و رفتاری می‌شود. اما صرف نظر از درستی و نادرستی و بزرگی و کوچکی دایره اختلاف مجاز و علل و عوامل پیدایش و توسعه باورها و رفتارهای مختلف بشری، بالاخره ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب در جاهایی ناگزیر به تداخل و تزاخم با یکدیگر می‌شوند و آنجاست که دیگر گریزی از بروز اختلاف و نزاع در میان آنها نیست. گاه این اختلاف و نزاع یک طرفه است و طرف دیگر فقط از خود دفاع می‌کند و گاه دو طرفه است. در هر صورت همواره کسانی هستند که اختلاف و نزاع را به حق یا باطل به وجود می‌آورند و تا اینها هستند همواره صلح و امنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز در خطر است. آیا صلح و امنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز با توجه به طبع و خوی انسان اساساً قابل حصول

هست یا نه؟ آیا صلح و امنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز اصل است و حق است و هر چیزی را باید فدای آن بکنیم یا نه اصل و حق را باید جست و از آن دفاع کرد و آن را پیاده نمود هر چند به قیمت بر هم زدن صلح و امنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز باشد؟ آیا ممکن است انسانها در صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز به حقایق دست یابند و به آن تسلیم شوند یا نه هر اعتقاد و باوری را که به هر شکلی ممکن است صلح و امنیت را بر هم زند نفی بکنیم. در این صورت آیا خود این نفی، نزاعی با آن اعتقاد و باور و پیروان آن نیست؟ آیا با اصل قرار دادن صلح و امنیت حتی برای ظلم و کفر، عملاً حساسیت انسان را نسبت به حق و باطل از بین نبرده‌ایم و آنچه را که به دست می‌آوریم خود، همه باطل نخواهد بود؟ اینها همه پرسشها و مسائلی است که نیاز به کاوش و جستجوگری دارد و هر نتیجه‌ای از آن می‌تواند خود مجدداً موجب بروز اختلاف و نزاع در میان آدمیان گردد.

۳- صدق و کذب، و حق و باطل بودن باورها، ارزشها و رفتارهای بشری

چرا انسانها نمی‌توانند صادقانه و عاقلانه بنشینند و با یکدیگر مباحثه و گفتگو کنند و مشترکاً حق را دریابند و از آن پیروی کنند؟ آیا غرورها و جهالتها، حب نفسها و استکبارها و عواملی از این دست اجازه نمی‌دهد؟ در این صورت واقعاً چاره چیست؟ آموزش و پرورش یا زور و جنگ؟ و یا هر دو؟ چه باید کرد؟ آیا فضا و شرایط مناسب برای این امر قابل حصول هست؟ و یا اینکه قرار است همواره حق و باطل و نزاع بین آنها در دنیا وجود داشته باشد؟ در این صورت کار جستجوگری حق و تکلیف انسان در این مبارزه بر علیه باطل و دفاع از حق و رشد و توسعه آن چیست؟

واقعاً و حقیقتاً چه کسی راست می‌گوید و برحق است تا به او پیوست و از او حمایت کرد و چه کسی دروغ می‌گوید و بر باطل است تا او را به راه راست هدایت کرد و در صورت لزوم و نزاع و درگیری او، از حق و راه راست دفاع نمود. صاحبان و پیروان اعتقادات و مقدسات مختلف بر این باورند که خود بر حق و راه راستند و دیگران در باطل و ضلالت قرار دارند. هر گروهی حقانیت و هدایت خود را مستند به عقل و علم و منطق صحیح می‌داند و بطالت و گمراهی دیگران را مستند به جهل و غرور و فریب و تعصب بیجای آنها و یا نهایتاً مستند به عقل و علم ناقص و منطق غلط آنها می‌داند. نمی‌توان همه اختلافات در اعتقادات و مقدسات بشری را مستند به علم و منطق کامل و یا مستند به جهل و غرور مطلق دانست زیرا تشخیص اینکه خود یا دیگران چقدر به علم و عقل نزدیک و تاچه حد از جهل و غرور دور هستیم، کار بسیار مشکلی است که به این سادگی‌ها حاصل نمی‌شود. لذا با اتهام یکدیگر به جهل و غرور و تعصب بیجا و تبرئه خویش از آنها، عملاً مشکل جستجوگری و شناخت حق حل نمی‌شود و اختلاف و نزاع همچنان باقی می‌ماند.

بالاخره در دنیا هستند کسانی که صادقانه و عاقلانه واقعاً در جستجوی حق می‌کوشند و با یکدیگر نیز اختلاف هم پیدا می‌کنند. اینها چه بکنند و چگونه مشکل خود را حل نمایند؟ باید بتوان زمینه و شرایط مناسب را اقل برای چنین جستجویی فراهم آورد و به دور از جهل و غرور و کفر به حق و براساس علم و عقل و تواضع و تسلیم به حق، به شناخت و معرفت حق پرداخت و از آن پیروی و دفاع نمود.

۴- تغییر و تحول در باورها، ارزشها و رفتارهای انسانی

انسانها در سیر و سلوک با باورها و ارزشها و رفتارهایی که از کودکی با آن خو می‌گیرند و با آن بزرگ می‌شوند آنقدر آنها را درست و حق می‌پندارند که واقعاً فکر می‌کنند دیگران یا در اشتباهند و یا دچار اغراض و امراض دیگری هستند. به ویژه جو و فضای حمایتی همکیشان و همفکران و مخالفت شدید آنها با خروج از آن دین و مکتب و یا حزب و مذهب، خود بخود و نادانسته راه اندیشیدن به چیز دیگری را بر آنها می‌بندد. خو گرفتن با یک فضای اعتقادی و ارزشی در طول سالیان دراز حتی موجب شکل گیری ذهن و منطق انسانها نیز می‌شود. بطوریکه باور عمل به چیزی که برای دیگران بسیار عجیب و سخت می‌آید برای او بسیار آسان و بدیهی می‌نماید.

انسانها به شدت تحت تأثیر جوسازی‌ها و فضا و محیط پر از بیان باورها و ارزش‌هایی هستند که بعضی می‌خواهند بر جامعه حاکم باشد. همچنین انسانها به شدت وابسته به گذشته خود و آنچه را که از پدران و محیط خود دریافت کرده‌اند می‌باشند. فرایندهایی و استقلال از گذشته و سوابق و محیط و نیز جوسازی‌ها و تبلیغات متنوع، کاری بسیار سخت و پیچیده است. این کار حتی بر بزرگان و مدعیان علم و عقل و منطق هم سخت و مشکل آمده است تا چه رسد به مردم عادی که بیشتر تحت تأثیر این عوامل هستند.

برای انسان بسیار سخت است که به اعتقادات و مقدساتی که سالها خو گرفته و ایمان پیدا کرده است و با آنها زندگی نموده است روزی شک کند و آنها را مورد نقد و بررسی قرار دهد و احیاناً بخواهد بخشی یا همه آنها را کنار بزند. این یعنی مرگ یک شخصیت با همه باورها و ارزشها و ویژگیهایش. مگر اینکه جاذبه و حقانیت باورها و ارزشهای جدید و نظام قدرتی و محیط حمایتی تازه، آنقدر قوی و بزرگ باشد که او بتواند چنین مرگی را در قبال تولدی دیگر با حیاتی امیدوارتر و شاداب‌تر بپذیرد.

ریزش یک چارچوب اعتقادی و ارزشی و رفتاری بهر دلیل، به ویژه در همان شرایط محیطی قبلی، برای انسان بسیار سخت و خردکننده است. لیکن ممکن است بنا به عوامل و علل غیر معقول از قبیل ظلم و زور، فریب و مکر، زرق و برق ظاهری سایر باورها و رفتارها و جو سازی و تبلیغات وسیع آنها، و یا بنا به دلایل و عللی عاطفی و معقول ولی ناکافی، و یا بنا بر شواهد و براهین قوی علمی و عقلی و عرفان

قلبی انسانها از بخشی یا از همه آنچه که تاکنون باور داشته و عمل کرده‌اند دست بردارند و به باورها و رفتارهای دیگری به پیوندند.

سادگی و پیچیدگی، آسانی و سختی این جدایی و پیوند بستگی به شدت و ضعف ایمان و عمل به باورها و معتقدات قبلی و شدت و ضعف جاذبه و پذیرش باورها و معتقدات جدید و جو و محیط پیدا می‌کند.

۵- جستجوگری حق و باطل

معمولاً انسانها به گونه‌ای باورها و معتقدات خود را در ذهن و قلب خویش جای می‌دهند که به صورت یک‌کل به هم پیوسته و چارچوب مند درآید. بطوری که حاضر نمی‌شوند حتی در صورت پذیرفتن اشتباهات و تناقضاتی، در آن تغییری بدهند. آنها گمان می‌کنند که اگر حتی یک بست جزئی از این پیکر بندی ذهنی و روانی باورها و ارزشها باز شود همه آن فرو خواهد ریخت و لذا تصور می‌کنند یا باید همه آن را بپذیرند و یا هیچ چیز آن را باور و قبول نکنند.

آفت دیگری که در این میان مانع جستجوگری و معرفت حق برای مردم می‌شود آفت شک و تردید نامیدکننده و اینکه اینها همه حرف است و به درد نمی‌خورد و آفت بی تفاوتی و بی توجهی به همه باورها و اعتقادات بشری است. آفتی که از حساسیت انسانها در برابر حق و باطل می‌کاهد و آنها را تبدیل به موجوداتی بی‌خاصیت می‌کند. پرواضح است که در این شرایط و فضا چه کسانی برنده دنیا می‌شوند و جهان را با ظلم و فریب‌خود در اختیار می‌گیرند.

اگر انسانها نسبت به حیا فردی و اجتماعی خود و نسبت به جامعه بشری و نظام درست و مطلوب حاکم بر آن حساسیت نداشته باشند و به اعتقادات و ارزش‌های خود و دیگران بی تفاوت گردند، در آن صورت زمینه برای رشد و تسلط مستکبران و مفسدان بر زمین و مردم فراهم آمده و حرث و نسل را به ظلم و فساد یا در اختیار می‌گیرند و یا نابود می‌کنند. چه بسیار بی تفاوتیها و شک و تردیدها نسبت به اعتقادات و ارزشهای موجود و چه بسیار جوسازیها و فریبها برای به وجود آوردن اعتقادات و ارزشهای دروغین که بوسیله همین مستکبران و مفسدان حاکم بر مردم، ایجاد می‌شود، تا بتوانند به مطامع و هوسهای خود در این حیا دنیایی دست یابند. واقعاً در چنین اوضاع و احوالی و در چنین محیط فاسد و یا آماده فساد چه باید کرد؟ چگونه می‌توان با آزادگی از این ظلمها و مفسده‌ها به واقعیتها و حقایق دست یافت.

مهم آن است که انسان بتواند در هر شرایطی همواره به صورت منطقی و جامع جستجوگر حق باشد و از آن پیروی نماید و پیوسته این آمادگی را در خود ایجاد نماید که حق هرچه بود بپذیرد، چه با

باورها و ارزشهای قبلی وی سازگاری داشته باشد چه نداشته باشد. ولی آیا می‌شود و یا می‌توان واقعاً این چنین عمل نمود؟ آیا واقعاً شرایط و فرصت برای چنین جستجوگری صادقانه و علاقلانه‌ای فراهم است؟ بهر حال این را باید بپذیریم که مهم و اصل شناخت و معرفت به حق و عمل و پیروی از آن است نه اینکه آنچه را که من می‌اندیشم و ایمان دارم و عمل می‌کنم درست و حق است و هیچ امکان و احتمال خطایی نه در کلیت و نه در جزئیات آن نمی‌رود و آنچه را که دیگران می‌اندیشند و ایمان دارند عمل می‌کنند نادرست و باطل است.

از سوی دیگر معنی این معرفت و جستجوگری دائمی و همه جانبه حق این نیست که باورها، ارزشها و رفتارهای فعلی سست و بی پایه‌اند و باید رها شوند. بلکه برعکس باید آنها را محکم و استوار پذیرفت و عمل نمود و ضمن آن همواره آمادگی برای شنیدن و پذیرفتن حق داشت حتی اگر خلاف آنها در آمد. چه بسا تحقیقات و جستجوگری‌ها که همواره اعتقادات و باورهای موجود را تقویت می‌کند و آنها را رشد و توسعه می‌دهد. بی‌اعتقادی و بی باوری خود آفت بزرگی است که مانع جستجوگری و معرفت اصیل حق می‌شود. و لذا همواره باید با آن مبارزه کرد و از آن دوری جست .

گاه ترس جدایی و رهایی از نهادها و نظامهای قدرتی که بر شخص در یک جامعه حاکم است موجب فرار اواز حق و تحقیقات در باره آن می‌شود، هر چند آن را فهمیده باشد. فقط منافع و مصالح فردی و دنیایی شخص در یک نظام قدرت اجتماعی، باعث گریز او از رویارویی با حق و پذیرش راه راست می‌گردد. لذا همواره باید این را پذیرفت که ضرر پرهیز و دوری از حق از هر ضرری بیشتر و قیمت و نفع نزدیکی و عمل به حق از هر چیزی گران‌تر و بیشتر است اگر چه ممکن است شرایط برای حصول آن بسیار سخت باشد.

سؤال اصلی این است که انسان چگونه پی به حقیقت ببرد و در صورت برخورداری از صداقت مخلصانه و اندیشه‌ای منطقی، چگونه حق را بشناسد و از آن تبعیت کند که خطایی نکرده باشد؟ و از آن مهم‌تر این معرفت را چگونه به دیگران منتقل کند که مرتکب اشتباهی نشده باشد؟ و چگونه آن را در عمل و در حیا دنیایی خود پیاده کند؟ یا اینکه انسانها چگونه به آنچه که باور دارند، ایمان و یقین پیدا می‌کنند و چگونه مطمئن می‌شوند آنچه را که باور دارند درست و حق است و آنچه را که دیگران می‌گویند و در تضاد و اختلاف با اوست، نادرست و باطل است. واقعاً این باور و ایمان و یقین چگونه برای آنها حاصل شده است؟ و چگونه حاصل می‌شود؟ آیا همه در پیروی از هوای نفس و مصالح و منافع شخصی و گروهی به چنین حقایق و باورهایی می‌رسند و در واقع حقیقت‌خارجی وجود ندارد و اینها همه توجیه مصالح و منافع شخصی و گروهی است؟

چگونه است که صاحبان و پیروان عقاید و مقدسات مختلف به یک اندازه به باورها و ارزشهای خود ایمان و یقین دارند. این چه حقی است که این همه تنوع و ناسازگاری دارد و هرکسی به گونه‌ای آن

را نزد خود تفسیر و باور می‌کند. آیا حق امری یگانه و مطلق و جدای از منافع و نیازهای انسان هاست؟ یا نه امری وابسته به منافع و نیازهای انسان هاست. در آن صورت خودبخود امری متکثر و مفید می‌شود که با یکدیگر در اختلاف و نزاع قرار خواهند گرفت. زیرا به تعداد آدمیان منافع و نیازها و زیاده‌طلبی‌های غیر قابل جمع در این حیاه دنیایی وجود دارد.

این سخن که اینها همه جلوه یک چیز است چه مشکلی را از نزاع میان انسانها بر سر این باورها و ارزشها حل می‌کند. دوستیها و دشمنیهای انسانها با یکدیگر براساس همین وحدتها و اختلافها تعریف می‌شود. میزان پذیرش انسانها در رفاقت و دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر بستگی به میزان اشتراک آنها در باورها، ارزشها و رفتارهایشان دارد.

هر چه اشتراک در باورها و رفتارهای مورد قبول از کلیات به جزئیات بیشتری کشانده شود میزان همزیستی مسالمت‌آمیز و رفق و مدارای آنها در کلیه امور انسانی بیشتر می‌شود. و هر چه دایره اشتراک در اصول و فروع محدودتر و کمتر می‌شود میزان همزیستی مسالمت‌آمیز و رفق و مدارا کمتر می‌گردد. بعضی انسانها آنقدر این دایره را بر خود تنگ می‌کنند که در آخر فقط خودشان در دایره وحدت تعریف شده خودشان قرار می‌گیرند. و برعکس بعضی آن قدر آنها فراخ می‌گیرند تا همه آدمیان حتی قاتل خودش را در آن جای می‌دهد.

این افراط و تفریطها مرز معلومی ندارد و هر کس بنا بر شرایط و داشته‌هایش به گونه‌ای آنها برای خود تعریف می‌کند و می‌بندد. با این تعریفها هر انسانی طیف دشمنان حربی و دوستان قلبی خود را از شدیدترین تارقیق‌ترین آن را معلوم می‌گرداند. البته قلت و کثرت افراد در یک دایره وحدت از ایمان و عمل، بخودی خود به معنی حق بودن یا باطل بودن آن نیست لیکن قلت ناشی از خودخواهی و استکبار و کثرت ناشی از ظلم و فریب انسانها، می‌تواند دلیل بر بطالت باورها و رفتارهای آنها قرار بگیرد.

صاحبان و پیروان ادیان و مذاهب، و واضعان و رهروان احزاب و مکاتب مختلف سعی می‌کنند برای حفظ بقای خود و باورها و ارزشهایشان، آنها را در جامعه نهادینه کنند. لذا افراد و دستگاه‌هایی را به صورت رسمی و حرفه‌ای در جهت آموزش و تبلیغ، توجیه و دفاع، و اعمال در زندگی فردی و اجتماعی، به وجود می‌آورند. تابدینوسیله بقا و توسعه خود و باورهایشان را تضمین کرده باشند. در چنین شرایطی به ویژه در جامعه‌ای که آن دین و مذهب یا حزب و مکتب غلبه اکثریت دارد، بسیار سخت می‌نماید که بتوان با انتقادهای رسمی و یا حتی آزاد و غیر رسمی با آنها از در مباحثه و جستجوگری حق برآمد و احیاناً در صورت روشن شدن کج روی، در خود تغییراتی بوجود آورند.

از سوی دیگر اگر چنین نهادینگی برای باورها و رفتارها از ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب در جامعه ایجادنشود، آن دین و مذهب و آن حزب و مکتب بسیار آسیب‌پذیر شده و ممکن است با

جوسازی‌ها و فریبه‌ها و تبلیغات‌دروغین، آن باورها و رفتارها بسیار تضعیف شده و در نهایت از بین بروند.

این تضاد بین دو جنبه نهادینگی و عدم نهادینگی ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب در درون جوامع بشری است. راه کار آزادی و دموکراسی در حیا اجتماعی انسانها برای زندگی مسالمت‌آمیز آنها خود یک اعتقاد و باور است که نیاز به قضاوت در درستی و نادرستی دارد. اگرچه به ظاهر خیلی عاقلانه و منطقی می‌آید، لیکن اولین ضررش این است که همه اعتقادات بشری را از خوب و بد و حق و باطل، عقیم می‌کند و خود اعتقاداتی را جایگزین می‌کند که نتیجه نهائیش به ویژه در نسلهای بعدی ترک اعتقادات و باورها و ارزشهای موجود بشری است و نهایتاً منجر به کاهش حساسیت مردم نسبت به پرسشهای اساسی درباره عالم و انسان می‌شود. از سوی دیگر بسیار روشن است که در این میدان دروغین از آزادی و دموکراسی برنده نهایی در حکومت و قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی چه کسانی هستند. همان هایی که با سوء استفاده از فضای آزادی و دموکراسی که خود ساخته و پرداخته‌اند، با دروغ و فریب و زور و پول و جو سازی بر مصادر قدرت و هدایت جامعه نشسته و آرزوها و هوسها و خودکامگی‌های خود را ارضا می‌کنند.

اینکه گفته شود اساساً حق و باطل و درست و نادرست واقعیت خارجی ندارد بلکه اینها اموری اعتباری هستند که بواسطه انسان و در حیا فردی و اجتماعی و در شرایط و محیط درونی و بیرونی او موضوعیت و هویت پیدا می‌کند، نیز خود یک اعتقاد و باوریست که نیاز به تحقیق و قضاوت در درستی و نادرستی دارد لذا این هم اعتقادی است در کنار سایر اعتقادات که ممکن است درست باشد و ممکن است نادرست باشد.

پس نمی‌توان از پیش هیچ گزاره و حکم اعتقادی را به صورت بدیهی و عینی، درست یا نادرست انگاشت مگر آنکه آن را مورد بررسی و تحقیق و قضاوت قرار داد. لذا هرکسی بر باورها و ارزشها و رفتارهایی ایستاده است و به آنها ایمان دارد و عمل می‌کند. حتی او مانیسیم، اپیکوریسم، لیبرالیسم، دموکراسی و انواع ایسم‌های دیگری که در فلسفه به ویژه فلسفه غرب تولد و توسعه یافته است، همه، باورها و ارزشها و رفتارهایی را برای بشریت تعریف و توجیه می‌نمایند. بر همین اساس است که فرد معتقد به آزادی و دموکراسی با کسی که معتقد به آزادی و دموکراسی نیست در تضاد قرار می‌گیرد و این دو منافع یکدیگر را تهدید می‌کنند و با هم به نزاع بر می‌خیزند و یکدیگر را محدود می‌کنند.

با همین باورهاست که یا فرد معتقد به مطلق بودن حق و باطل با کسی که معتقد به نسبی بودن آنهاست و این هر دو با کسی که اصلاً نفی حق و باطل می‌کند در اختلاف با یکدیگر قرار می‌گیرند و این اختلافشان موجب تزاخم و دخالت و تعدی به حریم جان و مال و آزادی و امنیت یکدیگر می‌شود. مدارا و پذیرش افراد در باورها و ارزشهای مختلف تا زمانی عملی است که خود آن باورها و ارزشها در تضاد

و اختلاف نزاع برانگیز نسبت به یکدیگر قرار نگیرند و گرنه توصیه‌های آزادی و دموکراسی و زندگی مسالمت‌آمیز معنایش عقیم شدن این نوع اختلافات در باورها و ارزشها خواهد بود.

صرف نظر از اختلافات نزاع برانگیز بالاخره این سؤال مطرح است که چه کسی راست و برحق و می‌گوید و چه کسی دروغ و بر باطل می‌راند.

صاحبان و واضعان و توجیه‌گران و پیروان عقاید و ارزشها و رفتارهای مختلف در هر دین و مذهب و در هر حزب و مکتبی از کجا و چگونه مطمئن شده‌اند که آنچه را دارند و بدست آورده‌اند حق است و آنچه را که نزد دیگران است باطل می‌باشد. مگر آنها با دیگران چه فرقی دارند و چه کار خاصی کرده‌اند که توانسته‌اند حق را بشناسند و به آن ایمان آورند ولی دیگران نتوانسته‌اند آنرا بیابند و پیروی کنند. واقعاً چگونه به این ایمان و عمل می‌رسند و چگونه به آن مطمئن می‌شوند. این درست نیست که هر گروهی دیگران را متهم به نادانی، غرور، تعصب و فریب کند و خود را مبرا از این تهمتها بداند. آنها چه عقل و منطقی را بکار برده‌اند که دیگران بکار نبرده‌اند. برای آنها چه شهودی حاصل شده است که برای دیگران حاصل نشده است.

واقعاً چگونه باورها و ارزشها اول برای واضعان و توجیه‌گران و سپس برای مردم حاصل می‌شود، که بعد به راحتی دیگران را متهم به جهل و غرور، تعصب و خودخواهی و غرض و مرض می‌کنند. البته هستند کسانی در میان واضعان و علمای هر دین و مکتبی و نیز مردمان پیرو آنها که نسبت به باورها و رفتارهای موجود خود مشکوک هستند و لذا کمتر درباره دیگران قضاوت می‌نمایند. لیکن اکثر رهبران و مردمان پیرو آنها علی‌رغم ضعفها و سستیهای که در ایمان و عمل دارند بر باورها و رفتارهای خود مصر هستند و بر اثر همین اصرار و پافشاری است که انواع نزاعها و درگیریها هم بین آنها پیش می‌آید.

آیا هر کسی نباید از خود بپرسد که این باورها، ارزشها و رفتارها را از کجا آورده است و چگونه به آنها مطمئن شده است؟ یا اینکه می‌گوید نه، دیگران باید این کار را بکنند و من نیازی به تحقیقات ندارم. همانقدر که او مؤمن است و در شهود و اشراق بسر می‌برد، دیگرانی هم هستند در مذاهب و مکاتب دیگر که همچون او نسبت به مذهب، مکتب خودشان مؤمن بوده و در شهود و اشراق بسر می‌برند.

آیا مگر اکثر مردم جز با اعتماد بر رهبران و دانشمندانشان و تقلید از آنها به چیز دیگری از علم و شهود رسیده‌اند که این چنین اعتقاداتشان را باور دارند؟ آیا مگر پیروان عادی هر دین و مذهب، و هواداران معمولی هر مکتب و حزبی جز از این طریق، به باورهایشان رسیده‌اند؟ پس آنها در شیوه رسیدن به حقایق چه فرقی با هم دارند که هر کدام خود را برتر می‌دانند؟

آیا رهبران و مردمان پیرو آنها در هر دین و مذهب و حزب و مکتبی نباید از خود بپرسند مبادا ما بر خطا باشیم و دیگران بر حق، مبادا آخر و عاقبت خود را و سعادت و رستگاری جاودانی خود را با این باورها و رفتارها از دست بدهیم. چقدر ممکن است هر کسی دچار چنین خطاهایی باشد؟

آیا به صرف اینکه شک و شبهه‌ها ممکن است در ایمان و عمل ما و مردم تزلزل ایجاد کند، نباید طرف آنها برویم، درست است؟ اگر ما و مردم بواسطه ایمان و عمل موجودمان به خسران ابدی رفتیم درست است؟ آیا مهمو ملاک، سعادت و رستگاری ابدی ما و مردم است یا ثبات و امنیت چند روزه دنیا است؟ البته هر تغییری در باورها و ارزشهای مردم موجب تنش هایی در جامعه نیز می‌شود و این خسارتی است که باید به خاطر جهل و نادانی و غرور خود پردازیم. ولی در عوض اطمینان به راه راست و سعادت دنیا و آخرت ما را تأمین کرده است. قیمت سعادت ابدی بسیار بیشتر از بهای ثبات و امنیت و خوشی چند روزه دنیا است، لذا اگر لازم شد باید این ضرر ناچیز را پردازیم.

بله صرف وجود چنین پرسش هایی به معنی از دست دادن آنچه که داریم نیست و راه دائمی و پایان ناپذیر جستجوگری حق و صراط مستقیم به معنی نفی هر باور و ارزش و رفتاری تا رسیدن کامل به آن نمی باشد. بلکه هرکسی ضمن آنکه در باور و رفتاری که دارد باقی است و عمل می‌کند، همواره خود را در جستجوگری و معرفت حق و باطل قرار می‌دهد، تا اگر خطایی کرده باشد اصلاح کند و صوابی رفته باشد تقویت نماید. بدون چنین آمادگی و منشی باب تحقیق و معرفت بر روی شخص بسته می‌شود و او همواره با اعتقادات و اعمالی روبروست که نه خوددرباره آنها پرسشی می‌کند و نه اجازه می‌دهد دیگران از او پرسش و جستجو نمایند. انسان هایی که شجاعت تحقیق و تفحص ندارند و راه جستجوگری و معرفت را بر خود می‌بندند نه از درون برایشان سئوالی مطرح می‌شود و نه اجازه طرح سئوال بیرونی را از خود می‌دهند. لذا همواره در یک فضای بسته ذهنی سیر می‌کنند که هیچگاه مورد نقد و بررسی قرار نمی‌گیرد و راه رشد و تکامل را نمی‌پیماید. برعکس انسان هایی که شجاعت تحقیق و تفحص دارند و راه جستجوگری و معرفت را بر خود نمی‌بندند، همواره در نقد و بررسی آنچه که باور دارند، هم خود سئوال طرح می‌کنند و تحقیق می‌کنند و هم به پرسشها و اشکالاتی که از محیط بر آنها وارد می‌شود، به دقت گوش فرا می‌دهند و به جستجوگری پاسخ آن می‌پردازند. در صورتی که به علل درونی و یا بیرونی به حقی رسید که مغایر با داشته‌های قبلی او بود، آنها را به ترتیبی عاقلانه رها کرده و به حق می‌پیوندند. این نحو سیر و سلوک و جستجوگری حق تا زمانی که برقرار باشد حتی اگر به نتایج غلط هم برسد نزد هیچ عاقلی محکوم نیست تا چه رسد نزد پروردگار. چرا که او همواره در جستجوی اماره و دلیل است و هر اماره و دلیل قوی‌تر و منطقی‌تر، همان پذیرفتنی تر خواهد بود.

ممکن است این نحو عملکرد در جامعه موجب سرگردانی مردم و اختلال در نظم و ثبات و امنیت آن گردد. لیکن این هم راه دارد. لازم نیست که این پرسشها و بحثها و جستجوگری‌ها در سطح عمومی جامعه مطرح شود می‌توان آن را فقط در سطح رهبران و بزرگان علم و تقوی و در محافل و مجامع مخصوص این کار مطرح نمود سپس نتایج یقینی حاصل را با مردم به ترتیب و نحو صحیحی به مرور زمان در میان گذاشت و آنها را به راه راست هدایت نمود.

به هر جهت با اصالت جستجوگری و معرفت حق و راه راست، باید برای مسائل و مشکلات ناشی از آن در میان مردم و جامعه راه حل هایی یافت و ترتیباتی را مقرر داشت نه اینکه اصل آن را به خاطر مصالح و منافع گذرا زیر سؤال برد و کنار گذاشت. البته باید تا ممکن است با روش مسالمت آمیز و صلح جویانه و با کمترین تنشهای امنیتی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، همواره در جستجو و شناخت حق بود و به آن عمل نمود.

عبور از یک نظام ارزشی و اعتقادی به یک نظام ارزشی و اعتقادی دیگر، حتی برای یک فرد هم سخت است تا چه رسد به یک جامعه. قطعاً چنین عبوری برای جامعه بسیار تنش زا و نومید کننده خواهد بود. لیکن این بر رهبران باورها و ارزشهای حق است که با اتخاذ تدابیر اصولی تا می توانند از شدت این تنشها و نومیدیها بکاهند و بر عکس انسجام و وحدت و شادابی و امید را برای مردم، به ارمغان آورند.

۶- واقعیت‌های جامعه بشری در زمینه باورها، ارزشها و رفتارها

با بیانی که گذشت می توان واقعیت‌های جامعه بشری را در زمینه باورها، ارزشها و رفتارهای انسانی و نزاعهای حاصل از آنها به شرح زیر برشمرد:

۱- وجود باورها، ارزشها و رفتارهای متفاوت در کلیات و جزئیات، اصول و فروع و به تبع فرهنگها و تمدنهای گوناگون در میان انسانها و گروههای انسانی با تنوع و تعدد بسیار، صرف نظر از نحوه پیدایش و توسعه و درستی و نادرستی آنها.

۲- وجود اختلاف و ناسازگاری و در مواردی تضاد بین باورها، ارزشها و رفتارهای موجود بشری.

۳- ایمان و یقین هر کس به حق بودن معتقدات و داشته‌های خود و هم کیشانش و باطل بودن باورها، ارزشها و رفتارهای دیگران، اگرچه به آنها احترام هم بگذارد. ضعف و سستی در ایمان و عمل به باورها و داشته‌های اعتقادی و ارزشی به هر علتی نزد هر ملتی، موجب دوری آنان از این باور که آنها حق هستند و دیگران باطل، نمی شود. هر کسی و هر گروهی برای آنچه که باور دارد دلایل و براهینی و شواهدی نیز اقامه می کند و باین شکل خود را نزد خویش و دیگران مستدل و موجه می پندارد.

با این ترتیب از دید یک ناظر خارجی بی طرف فرضی، حق و باطل، بسیار مبهم و نامشخص می گردد. فرضی که از نظر عملی شاید تا حدود زیادی محال باشد، لیکن به لحاظ ذهنی قابل تصور است. با چنین فرضی واقعاً آن ناظر و جستجوگری که خارج از این باورها و ارزشها و رفتارها قرار دارد چگونه می تواند از میان آنها حق و باطل را تشخیص دهد و به راه راست هدایت شود. آیا باید به یکی از آنها که در محیط اوست و زمینه ساز و پرورش دهنده ذهن و فکر اوست، ناخواسته و نادانسته تسلیم شود و باور کند، همچون اکثر مردم جهان در دین و مذهب و مکتب و حزب خود و یا اینکه به جستجوگری و پژوهش حق بپردازد؟

آیا آن تسلیم و باور ناخواسته و نادانسته درست است و یا این جستجوگری و تحقیق؟ بر فرض درستی جستجوگری و تحقیق، آیا امکان چنین جستجوگری و تحقیقی برای آن ناظر خارجی بیطرف فرضی، اساساً وجود دارد؟ آیا این همه تنوع و تکثر در آراء و نظرات، اسناد و مدارک، امارات و شواهد، در این عمر کوتاه دنیایی با این همه مشغله حیات دنیایی، قابل شناخت و بررسی خواهد بود؟ پس او چه کند که از این سرگردانی به درآید و یا هرکسی چگونه جستجو و تفحص نماید تا بر باورها و ارزشها و رفتارهای درست رفته باشد.

۴- وجود نهادها و نظامهای قدرت امنیتی و سیاسی، فنی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر گروهها و جوامع بشری مبتنی بر باورها و ارزشهای مختلف و براساس منافع و مصالح و سعادت‌های متفاوت تعریف شده و پذیرفته شده در میان آنها.

۵- وجود اختلافات و نزاعها و درگیریهایی گوناگون نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین مردمان و تعدی و تجاوز به حریم امنیتی و آزادی و حقوقی یکدیگر، ناشی از وجود اختلافات اعتقادی و ارزشی در میان آنها.

اگر این اختلافات و نزاعها بر سر باورها و اعتقادات نبود شاید طرح این مسائل در اینجا کم رنگ تر می‌شد لیکن هم وجود این اختلافات و نزاعها، واقعیت دارد و هم دلایلی اقامه می‌شود که بعضی از این درگیریها و نزاعها با بعضی مردمان و عقاید آنها نیز حق و درست و لازم است. لذا این خود، طرح این مسائل و مشکلات را در جامعه ضروری می‌نماید.

۶- وجود نزاعها و درگیریهایی گوناگون نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین مردمان و تعدی و تجاوز به حریم امنیتی و آزادی و حقوقی یکدیگر ناشی از هواها و هوسها، قدرت‌طلبی‌ها و لذت‌جویی‌ها، نادانیها و غرورها و تضاد منافع حیا دنیایی که بعضاً با محملها و سرپوشهای دینی و مذهبی، حزبی و مکتبی رخ می‌دهد.

شاید علت اصلی اکثر نزاعهای بشری به همین عوامل برگردد، لیکن بالاخره نزاع‌هایی وجود دارند که صاحبان آنها واقعاً اعتقادی و عقلی و لو به اشتباه در نزاع با یکدیگر قرار می‌گیرند. و نیز نزاع‌هایی وجود دارند که حداقل یک طرف آنها اعتقادی و عقلی در نزاع وارد شده است. این نوع نزاعها با شناخت و معرفت حق یا از بین می‌رود و یا با یقین بر بطلان طرف دیگر، دفاع در برابر تعدی و تجاوز او، امری مشروع و مجاز می‌گردد.

۷- عدم اطلاع مردم دنیا از بسیاری واقعیت‌های مربوط به پیدایش ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب و روند توسعه و گسترش و تثبیت آنها، به ویژه واقعیت‌های پشت پرده‌ای که اساساً آثار و نشانه‌ای از آنها باقی نمانده است و نه صاحبان و پیروان فعلی و نه کسان دیگری اصلاً از آنها اطلاعی ندارند.

این امر باعث می‌شود که مردم با بی‌خبری عمومی که از این واقعیتها دارند، آنچه را که در باره آن اعتقادات از محیط در می‌یابند به سادگی باور کنند و به مرور زمان نسبت به آنها عشق ورزیده و تعصب شدید نشان دهند.

این نحو عملکرد مردم به ویژه زمانی خطرناک‌تر می‌شود که عده‌ای با اغراض خودخواهی و قدرت‌طلبی، عامدانه و سازمان یافته، و با جوسازی‌ها و تبلیغات دروغین مردم را به چنین باورهایی بکشانند و از آنها برای منافع و اغراض خود بهره‌برند.

کشف واقعیت‌های پیدایش و توسعه ادیان، مذاهب، احزاب و مکاتب می‌تواند ما را در شناخت و معرفت‌حق بسیار یاری کند و این با توجه به گذشت زمان و کمبود اطلاعات، کاری بس مشکل می‌نماید. ۸- وجود هوا و هوس، جهل و نادانی، غرور و استکبار، لذت‌جویی و قدرت‌طلبی در میان آدمیان که این خود از بین نمی‌رود مگر با اصلاح و تربیت باورها، ارزشها، شخصیتها و رفتارهای آنان.

تا زمانی که این موارد در میان انسانها وجود دارد نزاعهای ناشی از آنها هم در جوامع بشری وجود دارد. پس باید چاره‌ای جدی و اصولی در اصلاح و تربیت اعتقادی و نفسانی و رفتاری انسانها کرد و این ممکن نیست مگر اینکه بتوان ابتدا خود باورها و ارزشهای حق را بر مبانی و روشهای درستی شناخت.

۹- وجود نظامهای قدرت، دولتها و حاکمان و قدرتمندان در جوامع بشری و مانعیت و محدودیت آنها از به‌وجود آمدن امکان جستجوگری شناخت و معرفی صادقانه، عاقلانه و جامع حق و صراط مستقیم.

حاکمان و قدرت‌مداران مختلف سیاسی و نظامی، اقتصادی و فرهنگی، دینی و مکتبی، حزبی و مذهبی هرکدام به گونه‌ای مانع پدید آمدن فضا و شرایط مناسب برای جستجوگری، شناخت و معرفی و تبلیغ حق می‌شوند. آنها مستقیم و غیر مستقیم در این امور دخالت کرده و آن را به گونه‌ای به سمت باورها و منافع خود میل می‌دهند. این امر، امکان رفع ابهام از حق و باطل و تشخیص درست از نادرست را تا حدود زیادی در سراسر جهان از بین می‌برد و این نکته بسیار مهمی است.

به نظر می‌رسد ابتدا باید فضا و شرایط مناسب و مطلوب چنین جستجوگری را فراهم آورد تا به دور از منافع و مصالح دولتها و حاکمان فعلی آنها، بتوان به آن پرداخت. این فضا و شرایط چگونه می‌باشد و چگونه می‌توان آنرا پدید آورد؟ خود از جمله مسائلی است که باید درباره آن کار شود. و شاید لازم باشد که قبل از جستجوگری درباره حق ابتدا فضا و شرایط مناسب آنرا پدید آورد.

۱۰- عدم امکان عملی یا حداقل سختی بسیار جستجوگری، شناخت و معرفی صادقانه، عاقلانه و جامع حق و صراط مستقیم به دلیل عوامل و موانع بسیار زیادی که بر سر راه بشر در این زمینه وجود دارد. این موانع در بخش بعدی مورد بررسی کلی قرار خواهد گرفت.

۷- موانع و مشکلات جستجوگری و معرفی جامع حق

سختیها و پیچیدگیها، مسائل و مشکلات، عوامل و موانع جستجوگری، شناخت و معرفی صادقانه، عاقلانه و جامع حق و صراط مستقیم، به موضوعاتی به شرح زیر بر می‌گردد.

۱- متدلوژی‌ها و روشها و فرایندهای جستجوگری، شناخت و معرفی حق

بخش عمده‌ای از اشتباهات و کجروی‌های بشری در زمینه اعتقادات و باورها ناشی از ضعف و یا نادرستی متدلوژی‌ها و روشهای تحقیق و جستجوگری او است. لذا باید درباره آنها بسیار اندیشیده و دقت شود. متدلوژی‌های تحقیق درست و مناسب در موضوعات مختلف می‌تواند راهگشای خوبی در جستجوگری حق و باطل باشد. نقد و بررسی و ارزیابی متدلوژی‌های مختلف می‌تواند ما را در یافتن بهترین و مناسب‌ترین آنها بسیار یاری کند.

۲- ملاکها و معیارهای تشخیص حق و باطل

ضعف و نادرستی ملاکها و معیارهای قضاوت و حاکمیت ذهنی ملاکها و معیارهای غلط، پراکنده، ناخوانده و نادانسته، موجب ارزیابی و قضاوت غلط و ناقص نیز خواهد شد. لذا می‌بایستی در درستی و قوت و جامعیت و سازگاری ملاکها و معیارها بسیار کوشید. چرا که آنها مبنای قضاوت و ارزیابی ما از همه هست‌ها و نیست‌ها، باید‌ها و نبایدها می‌شوند.

۳- شرایط و فضا و محیط مناسب و سالم

شرایط و فضا و محیط مناسب و سالم، بدور از نزاعها و درگیریهای سیاسی و نظامی، اقتصادی و فرهنگی، دینی و مکتبی، مذهبی و حزبی برای تحقیق و جستجوگری و معرفی و تبلیغ همه جانبه حق، امری ضروری می‌باشد.

ایجاد چنین شرایطی بسیار سخت است و بر فرض پدید آوردن، حفظ و بقای آن بسیار سخت‌تر و مشکل‌تر می‌باشد.

نهادهای و نظامهای حاکم بر جوامع بشری، شرایط و فضا را بر چنین جستجوگری و تحقیقی تحمیل می‌کنند و مانع از انجام درست و جامع آن می‌شوند.

۴- منابع، اسناد و مدارک، آثار و شواهد مورد استناد و قابل بهره برداری در جستجوگری و

تحقیق.

دسترسی، اطمینان و فهم کامل و جامع منابع، اسناد و مدارک و آثار و شواهد، امری بسیار پیچیده و مشکل است که حصول آن نیاز به کار و تلاش فراوان دارد.

۵- سازمان و سیستم جستجوگری، شناخت و معرفی حق

طراحی و پیاده سازی سازمان و سیستم مطلوب جستجوگری، شناخت و معرفی حق خود نیز امر بسیارمشکلی است که باید در باره آن بسیار اندیشیده شود.

۶- جستجوگران، کارشناسان و محققان

یافتن و تربیت افرادی که بخواهند و بتوانند چنین جستجوگری و تبلیغی را به درستی و صادقانه به دور از باورها و داشته‌های فعلی خود انجام دهند نیز بسیار سخت می‌باشد. کارشناسان و محققان می‌بایستی علاوه بردانش و آگاهی و تخصص لازم در موضوع تحقیق خود مجهز به نگرشها و بینشهای صحیح و قوی باشند تا بتوانند تحقیقات خود را به درستی انجام دهند. هم چنین تزکیه نفس و وارستگی نفسانی آنها امر بسیار مهمی در تحقیقات و مطالعات حق طلبانه است که به سختی قابل تحقق و کنترل می‌باشد.

۷- تکنولوژی‌ها و ابزارهای جستجوگری و تبلیغ حق

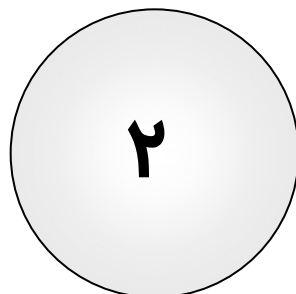
یافتن و کاربرد تکنولوژی‌ها و ابزارهایی که بتوانند بر سرعت و دقت و صحت این جستجوگری‌های حق طلبانه بیفزایند، خود نیز امر مشکل و هزینه برداری است که باسانی حاصل نمی‌شود.

۸- بودجه و منابع مالی مورد نیاز برای انجام چنین امری

تأمین بودجه و منابع مالی مورد نیاز برای انجام چنین تحقیقاتی، که وابستگی ایجاد نکند، نیز کار بسیارسختی است. مردم در حالت عادی و عمومی حاضر به پرداخت چنین هزینه هایی نیستند و دولت‌ها هم بدون انتظارات و خواسته هایی، چنین بودجه هایی را در اختیار چنین اقداماتی نمی گذارند. خود این اقدامات هم بگونه‌ای است که نمی تواند هزینه‌های مورد نیاز را مستقلا بدست آورد. لذا معمولا کار تأمین بودجه و منابع مالی مورد نیاز برای چنین اقداماتی بسیار سخت و پیچیده می‌باشد.

این بود بررسی اجمالی و کلی از وضع موجود جامعه بشری به لحاظ اختلافات و نزاعهای میان آنان ورنجهایی که بشریت بابت این اختلافات و نزاع ها در طول تاریخ برده است و اکنون هم می‌برد. امید است که به حول و قوه الهی مسائل و مشکلات اصلی در این زمینه شناخته و چاره اساسی برای حل آنها یافته شود. تا بدین ترتیب انسان و جوامع انسانی بتوانند از منجلاب جهل و غرور و استکبار بدر آمده و همه دریک فضای مناسب و عادلانه و عاقلانه بتوانند حق را شناخته و بان عمل نمایند و به صراط مستقیم هدایت شوند و آنرا بیمایند.

آمین یا رب العالمین



طرح مسئله و مشکل اساسی جامعه بشری

و ضرورت و اهمیت حل آن

در بیان واقعیت‌های موجود جامعه بشری و نزاعها و درگیریهای میان آنان، ناشی از باورها و ارزشها و رفتارهای دینی و مذهبی، حزبی و مکتبی، در می‌یابیم که مهمترین مسئله و مشکل بشر عدم درک و شناخت درست و جامع او از حق و باطل است. اگر حقایق مربوط به عالم و انسان، آغاز، صیوروت و سرانجام آنها و نیز وضع و تکلیف نقش و جایگاه انسان در این میان روشن بود و همه آنها را صادقانه و متواضعانه می‌پذیرفتند در آن صورت دامنه و حجم اختلافات و نزاعها بسیار کم می‌شد و انسان می‌توانست در یک فضای مطلوب به آنچه که باید عمل کند، عمل می‌کرد.

این مشکل اساسی جامعه بشری را می‌توان به پرسش‌هایی به شرح زیر تجزیه نمود:

۱- علل و عوامل پیدایش و توسعه این همه تنوع و اختلاف در باورها، ارزشها و رفتارهای بشری در موضوعات مختلف چیست؟ ریشه اختلافات و نزاعها در نفس انسان و خواسته‌ها و امیال اوست یا در نیازها و شرایط و محیط اوست و یا اینکه در جهل و نادانی و غرور اوست و یا واقعاً ریشه در همان عقل و علم و حکمت انسان دارد. واقعاً ریشه این همه اختلافات و نزاعهای بشری در چیست؟ چرا آنها نمی‌توانند اولاً اختلاف نداشته باشند ثانیاً در صورت داشتن اختلاف، اختلافات خود را به روشهای مسالمت‌آمیز و منطقی و عادلانه حل کنند. مشکل از چیست و در کجاست؟ آیا اساساً حق و باطل ساخته و پرداخته خود انسان در رابطه با منافع و مصالح فردی و گروهی اوست یا اینکه واقعاً حق و باطل مصادیق عینی و خارجی دارد و ما باید آنها را بشناسیم و درک کنیم. غرور و تکبر و خود خواهی و قدرت‌طلبی انسانها تا چه حد در این معرفت نقش دارد و چگونه می‌توان این نقش را کنترل نمود.

۲- حق و باطل چیست؟ چه کسی درست می‌گوید و چه کسی نادرست می‌راند؟ باورها، ارزشها و رفتارهای درست و نادرست در موضوعات مختلف کدامست؟

آیا اصولاً حق و باطلی در کار هست؟ یا آنکه آنچه هست ساخته و پرداخته ذهن بشر و شرایط درونی و محیطی اوست؟ آیا اساساً چیزی به نام سعادت و شقاوت، خوشبختی و بدبختی انسان و حفظ و بقا و توسعه جامعه انسانی با امنیت و عدالت در آن، موضوعیت دارد؟ و اگر موضوعیت دارد آیا لازم است که برای آن بکوشیم؟ و اگر لازم است آیا اساساً مبنایی برای این تلاش وجود دارد؟ یا می‌توان مبنایی را بدست آورد؟

آیا اصولاً حق و باطل، درست و نادرست واقعیت خارجی جدا از انسان دارند؟ یا اینکه اینها اموری اعتباری هستند که در رابطه با انسان مفهوم پیدا می‌کنند؟ آیا حق و باطل اموری مطلق یا نسبی هستند؟ اساساً حق و باطل در چه موضوعاتی و در کدام مسائل و تا چه حدی موضوعیت دارند؟ باورها، ارزشها و رفتارهای فردی و اجتماعی درست کدامند؟ جامعه بشری مطلوب و نظام و حکومت حق براساس باورها، ارزشها و رفتارهای درست چیست؟

در همه این احوال آیا لازم است به جستجوگری و پرسش و شناخت حق و باطل پرداخت؟ اگر این کار رانکنیم چه می‌شود؟ اگر هر کسی به آنچه که دارد بسنده کند و در طول حیات دنیائیش، هرکجا هم احساس کرد و لازم دید و یا مجبور شد و یا فریب خورد تغییراتی در باورها، ارزشها و رفتارهایش بدهد، چه می‌شود؟ آیا ترس بزرگی از گمراهی و ضلالت، بدبختی و شقاوت احتمالی در کار است؟ اگر هست چرا؟ و اگر نیست چرا؟ و در هر صورت چه باید کرد؟

این پرسش بزرگ که حق چیست و صراط مستقیم کدام است؟ و این ترس بزرگ که آیا من بر حق هستم و بدان عمل می‌کنم یا نه؟ بزرگترین پرسش و دلهره و نگرانی بشر را تشکیل می‌دهد. و ضرورت و اهمیت پاسخ به آن از هر چیزی مهم‌تر است .

خوشیها و ناراحتیهای چند روزه حیات دنیایی به هر صورت پایان می‌پذیرد. اگر چیزی بعد از آن نبود که نگران آن باشیم، که هیچ! و میان این باوری که نگران آخر و عاقبت خود بعد از مرگ بود با آن باور که چنین نگرانی‌نداشت فرق چندانی نخواهد بود. اما وای به حالمان اگر بعد از چند روزه حیات دنیایی و پس از مرگ چیزی باشد و ما برای آن خود را آماده نکرده باشیم! آنجاست که شقاوت ابدی را برای خود به ارمغان آورده‌ایم. پس چه باید کرد؟ تا از عهده پاسخ به این پرسش بزرگ و از حول و نگرانی این ترس عظیم خارج شویم و بدون هیچ حزن و خوفی به حیات دنیایی خود به درستی ادامه دهیم .

آیا لازم است آنچه را که از حق و باطل شناختیم به دیگران معرفی کنیم، اگر نکنیم چه می‌شود؟ چگونه می‌توان حق و باطل را به دیگران معرفی نمود و فهماند؟ آیا مردم باید نسبت به حق و باطل آگاه شوند و حق را باور کرده و از آن پیروی نمایند و باطل را انکار کرده و از آن دوری نمایند؟ و صدها سؤال از این دست که برای هر کدام جوابها می‌توان اقامه کرد. جواب هایی که خود باید مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرند و درستی و نادرستی آنها به اثبات برسد .

۳- در صورت ضرورت جستجوگری، شناخت و معرفی حق و باطل آیا اساساً امکان عملی این شناخت و معرفی وجود دارد؟ و اگر وجود دارد، سختی و مشکلات آن چیست و چگونه قابل رفع است؟ روشهای درست و جامع، ملاکها و معیارهای بحق در تشخیص درستی و نادرستی و حق و باطل بودن گزاره‌ها، برداشتها و احکام در باورها، ارزشها و رفتارهای فردی و اجتماعی چیست؟

آیا فضا و شرایط سیاسی و امنیتی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جوامع بشری و وجود دولتها، حکام، رهبران و قدرتمندان سیاسی و نظامی، اقتصادی و فرهنگی، دینی و مذهبی، حزبی و مکتبی، اساساً اجازه چنین جستجوگری صادقانه و عاقلانه و جامعی را می‌دهد. چگونه می‌توان مستقل از اثرات و نفوذ آنها و بدون وابستگی به آنها، حق و باطل را به درستی و به جامعیت شناخت و از آن سخت‌تر به مردم جهان معرفی کرد؟ چگونه می‌توان آدمیان را با باورها، ارزشها و رفتارهای فعلی متفاوت، گرد هم آورد تا

با کمک و یاری یکدیگر براساس روشها، سیستمها و منابع درست، صادقانه و عاقلانه حق را بشناسند و به آن تن در دهند؟ آیا می‌توان به کلیه منابع، اسناد ومدارک، آثار و شواهد مورد نیاز دسترسی پیدا کرد و از آن سخت‌تر چگونه می‌توان به آنها اطمینان کرد؟ آیا می‌توان منابع و بودجه مالی لازم برای چنین کار عظیمی را بدون وابستگی به کسی و قدرتی و دولتی فراهم نمود؟

آیا می‌توان از نقش حساس و مؤثر دولتها و قدرتمندان در این کار عظیم چشم پوشی کرده و آنرا نادیده گرفت؟ آیا محققان موجود در دنیا جوابگوی چنین پرسش و چنین جستجوگری خواهند بود؟ آیا آنها قادر به حل این مسئله عظیم خواهند بود؟ یا اینکه در نهایت خود بر حجم و دامنه این اختلافات می‌افزایند؟ آیا فرصت و زمان و تکنولوژی و ابزار در این مورد کافی و مناسب خواهد بود؟ آیا اساساً این تحقیقات و پاسخها، پایان‌پذیر است؟ یا نه؟ در صورت پایان ناپذیری آیا ما همیشه در یک شناخت و معرفت نسبی و ناقص از حق بسر می‌بریم؟ و بسیاری از این پرسشها که باید ابتدا برای آنها پاسخهای مناسب و درستی را بدست آورد، سپس به حل مسئله پرداخت؟

۴- با فرض امکان جستجوگری حق و شناخت و معرفت نسبت به آن به صورت یقینی، آیا امکان معرفی و باور مردم به این یافته‌ها به عنوان باورها، ارزشها و رفتارهای درست وجود دارد؟ چگونه می‌شود اختلافات و ناسازگاریهای میان مردمان را که ناشی از اختلاف در باورها، ارزشها و رفتارهای آنان است کاهش داد و از میان برد؟ آیا باید و لازم است این اختلافات را از بین برد و تا کجا باید از بین برد؟ مرز اختلاف مجاز کدام است؟ آیا می‌توان و باید اختلاف را تا سطح جزئیات از بین برد؟ یا اینکه فقط در اصول و کلیات، رفع اختلاف کفایت می‌کند؟

آیا اساساً مرزی برای اختلاف مجاز وجود ندارد و همه اختلافات، اختلاف مجاز هستند؟ در آن صورت نزاعهای به وجود آمده میان جوامع بشری را چگونه توجیه و حل کنیم؟ یا اینکه برعکس اساساً هر اختلافی غیر مجاز است و باید رفع شود. در آن صورت امکان رفع آنها وجود دارد؟ در آن صورت دامنه نزاعها و درگیرها بیشتر نمی‌شود؟

آیا وحدت براساس اصول و کلیات حق کفایت می‌کند و اختلاف در فروع و جزئیات اختلاف مجاز است؟ با چه باورها و ارزشها و رفتارهایی ما در جبهه و مرز حق خواهیم بود؟ و لو در جزئیات اختلاف داشته باشیم و یا در اندیشه و عمل ضعفها و خطاهایی داشته باشیم. با چه باورها، ارزشها و رفتارهایی در جبهه و مرز باطل خواهیم بود؟ و لو نیکی‌ها و شایستگی‌هایی هم در اندیشه و عمل داشته باشیم. مرز اختلاف مجاز و سازنده با اختلاف غیر مجاز و ویرانگر کجاست؟ و ملاک و معیار آن چیست؟ اساساً در بیان حقایق تا کجا اصول و کلیات است و از کجا فروع و جزئیات می‌باشد، تا بتوان بر اصول، وحدت یافت و در فروع، اختلاف مجاز داشت.

چه باید کرد تا بشر از این همه سرگردانی، نزاع و خونریزی نجات یابد؟ آیا نمی‌شود باب مباحثه و گفتگورا به صورت سالم، صلح‌آمیز و منطقی همواره میان آدمیان برقرار کرد؟ و اگر می‌شود در چه موضوعاتی تا کجا و باچه کسانی می‌توان و باید این کار را کرد؟ مبانی همزیستی مسالمت‌آمیز با وجود اختلافات و پذیرفتن اختلافات در چیست؟ و چگونه می‌توان آنها را در میان جوامع بشری اعمال کرد؟

۵- چگونه می‌توان حق را پس از شناخت باور کرد و از آن پیروی نمود؟ آیا اساساً لازم است همواره از حق پیروی نمود و از آن دفاع کرد و برعکس از باطل دوری نموده و با آن مبارزه کرد؟ در این صورت چگونه می‌شود به باورها، ارزشها و رفتارهای حق و درست، مؤمن صالح و پای بند عامل بود؟

چرا برخی از انسانها حتی با علم به حق از آن تبعیت و دفاع نمی‌کنند و با آگاهی از باطل از آن نمی‌پرهیزند و با آن مبارزه نمی‌کنند؟ و بلکه از باطل پیروی کرده و به آن عمل می‌نمایند . آیا کار ما در این دنیا همواره جستجوگری حق، معرفت و ایمان به حق، عمل به حق، دفاع از حق، تبلیغ و توسعه پیوسته آن در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است؟ آیا ما وظیفه نداریم پیوسته باطل را بشناسیم و از آن دوری کنیم و با آن در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی مبارزه کنیم؟ اگر نه چنین است پس چه باید کرد و چگونه باید عمل نمود؟

۶- چگونه می‌توان پس از باور و عمل خود نسبت به حق، دیگران را به باور و عمل به حق راهنمایی و هدایت کرد؟

آیا اساساً ما در این زمینه وظیفه و تکلیفی داریم؟ این تکلیف از کجا و چگونه حاصل می‌شود؟ چگونه می‌توان حق را در جامعه و در میان مردم پیاده و اجرا نمود و باطل را از میان آنان دور کرد؟ آیا اساساً این امر شدنی است؟ در چه موضوعاتی و تا چه حدی؟

راه و روش رسیدن و پیاده کردن جامعه مطلوب و نظام و حکومت حق در میان مردم چیست؟ آیا اساساً جامعه مطلوب و نظام و حکومت حقی وجود دارد؟ آیا باید در سطح جهانی نسبت به تعریف و ایجاد و توسعه جامعه مطلوب و نظام و حکومت حق اقدام نمود؟ یا اینکه هر ملت و قومی باید برای خود چنین امری را متناسب با شرایط موجودش دنبال کند و پیاده نماید؟ در آن صورت جامعه مطلوب جهانی چه جامعه‌ای خواهد بود؟ جامعه‌ای با مراکز قدرت مستقل که جداگانه برای خود تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. در این صورت نزاع میان آنان بخاطر منافع و مصالح ملی تشدید نخواهد شد؟

۷- و بالاخره بر فرض امکان تعریف و ایجاد جامعه، نظام و حکومت جهانی یا ملی و محلی مطلوب و حق چگونه می‌توان نسبت به حفظ و بقای آن مطمئن بود و اقدام نمود؟ چگونه می‌توان پیوسته بر رشد و توسعه آن اندیشید و کوشید؟ و چگونه می‌توان از فسادها و ضررهای آن جلوگیری نمود و چگونه می‌توان مانع انحراف و گمراهی آن شد .

آیا می‌توان و باید پیوسته به صورت فردی و گروهی، همه جانبه و یکپارچه در ابعاد گوناگون امنیتی و سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای حفظ و نگهداری، بهبود و توسعه جامعه مطلوب بشری و نظام حق حاکم بر آن و از آنجا برای سعادت و نیکی جادوانه انسان کوشید؟ یا اینکه انسان در این زمینه‌ها اساساً تکلیفی ندارد؟ و در صورت عدم تکلیف اگر مستکبرین و مغرورین، جاهلین و مفسدین و زورگویان فریبکار عالم بر جان و مال و ناموس مردم مسلط شدند چه باید کرد؟ تکلیف چیست؟ آنها بدون اجازه و خواسته ما، هم چنان می‌کوشند که بر جهان و منابع آن مسلط شوند چه ما تلاش بکنیم چه تلاش نکنیم. فقط جهاد و مبارزه دائمی ما خواهد توانست مانع این زورگوییها و زیاده طلبی‌ها و فریبها گردد. تلاش و مبارزه نکنیم چه می‌شود؟ در آن صورت آیا خود ما هم در این میدان مفسده و گمراهی و بیچارگی گرفتار نخواهیم شد؟ آیا در آن حالت راه گریزی به هیچ خیر و صلاحی خواهیم داشت؟ بنابراین ضرورت و اهمیت چنین مبارزه‌ای صرف نظر از دلایل دینی و مکتبی و عقلی، دلایل عینی و عملی دارد. اگر با فسق و فجور مبارزه نکنیم، فسق و فجور ما را محاصره و در خود هضم خواهد کرد. این چنین نیست که اگر نتیجه گرفتیم ما تکلیفی نداریم دیگران هم نتیجه می‌گیرند که تکلیفی ندارند. چون در میان دیگران هستند کسانی که خواسته و ناخواسته، در پیروی از هوی و هوس و غرور و استکبار خود در اندیشه دائمی قدرت طلبی و مفسده جویی هستند، چه ما بخواهیم چه نخواهیم. پس لازم است ما هم لااقل برای حفظ و بقای سلامت و امنیت خود هم که شده، پیوسته با چنین کسانی مبارزه کنیم و از خود دفاع نمائیم.

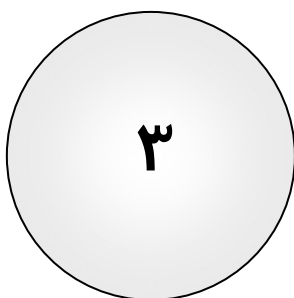
در نهایت و در یک کلام پرسش اساسی و مهم این است که چگونه باید اندیشید و چگونه باید عمل کرد تا بر راه راست رفته باشیم و به سعادت و رستگاری ابدی رسیده باشیم؟ اینها پرسشها و مسائل اساسی جامعه بشری است که خیلی‌ها ممکن است به سادگی به آنها پاسخ‌هایی بدهند و راه حل‌هایی را هم ارائه نمایند. لیکن این برخوردهای ساده و سرسری نه تنها مسئله را حل ننموده است بلکه موجب بروز انواع اختلافات و نزاعها در میان جوامع بشری، در طول تاریخ و در زمان حاضر گردیده است.

اکثر مردم آنچه را که در پاسخ به این پرسشها طرح می‌کنند از روی باورها و ارزشهایی است که اولاً از خانواده و مدرسه و محیط زندگیشان شنیده و کسب نموده‌اند. ثانیاً پاسخها از جامعیت، انسجام و سازگاری درونی کافی برخوردار نیستند. ضمن اینکه بر همین پاسخها هم در عمل وفادار نیستند و بگونه‌های دیگری عمل می‌کنند.

واضعان و صاحبان، رهبران و دانشمندان ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب مختلف هر کدام بر این باورند که خود از این ضعف و خطا به دورند و دیگران را متهم به چنین ضعفها و خطاهایی می‌نمایند. با چنین تبری و اتهاماتی، مشکل جامعه بشری در جستجوگری حق و پیروی از آن حل نمی‌شود.

این است درد و بیماری، مسئله و مشکل اساسی جامعه بشری. سؤال اساسی این است واقعاً چاره در چیست؟ و چه باید کرد؟ و گیر و گره کار در کجاست؟

آیا واقعاً می‌توان اختلافات بشری را در ابعاد و زمینه‌های مختلف از بین برد و یا به گونه‌ای آنها را علاقمند نمود که اختلافات خود را به روشهای عاقلانه و عادلانه حل کنند. و یا اینکه با پذیرش این اختلافات در یک فضای مسالمت‌آمیز با یکدیگر همزیستی داشته باشند و یکدیگر را تحمل نمایند؟ آیا این تصورات ممکن است عملی شود؟ یا اینکه مسئله و چاره درد در موضوع و راه دیگری است؟



طرح یک سناریوی فرضی

در ارزیابی راه حل‌ها

به منظور شرح و درک بیشتر از مسئله و مشکل عنوان شده و نقد و بررسی راه‌های پیشنهادی مختلف و ممکن، نمایشنامه‌ای تخیلی با سناریویی فرضی طراحی و اجرا می‌گردد. در این سناریو سعی بر این است که پرسشها و پاسخها، مسائل و راه‌ها تا حد ممکن مطرح و مورد ارزیابی قرار گیرند و محاسن و معایب، ضعفها و قوت‌های آنها مورد بررسی واقع شوند. حسن این سناریو در آن است که هر خواننده‌ای می‌تواند تا حدود زیادی خود را خارج از آن ببیند و به قضاوت مستقلی دست یابد. این سناریو به صورت فرضی و تخیلی بشرح زیر می‌باشد.

در اینجا هر دین و مذهب، حزب و مکتب، رأی و نظریه‌ای که به نحوی هست‌ها و نیست‌هایی و نظریاتی درباره خالق مخلوق، عالم و آدم، آغاز، صیوروت و سرانجام آنها بیان می‌نماید و نبایدها و نبایدها و احکام و قوانینی درباره نقش و جایگاه، رسالت و غایت انسان و تکلیف و وظیفه او در این عالم عنوان کرده باشد، یک باور و اعتقادی منظور شده است. باور و اعتقادی که به دنبال آن نتایج ارزشی و رفتاری و تکلیفی برای انسان و جوامع بشری گرفته می‌شود و شخصیت و منش و عمل انسانها را شکل می‌دهد. بنابراین ادیان و مذاهبی از قبیل اسلام با چند مذهب اصلی، مسیحیت با چند مذهب اصلی، دین یهود، و ادیان شرقی همچون هندو و بودایی و زردشتی و نیز مکاتب فلسفی و اخلاقی از قبیل ایده‌آلیسم، ماتریالیسم، اپیکوریسم و احزاب و نظریه‌های سیاسی و اجتماعی همچون سوسیالیسم، لیبرالیسم و دموکراسی همه در این سناریوی فرضی جای می‌گیرند. زیرا هر کدام از آنها به نحوی درباره مبانی اصلی عالم و انسان نظریه‌پردازی نموده‌اند و مبتنی بر آن یک مجموعه ارزشی و رفتاری از نبایدها و نبایدها و احکام و تکالیف برای انسان مقرر داشته‌اند.

البته بعضی از باورها و اعتقادات بیشتر به بیان اصول و دکترین‌ها پرداخته‌اند و در جزئیات رفتاری، خیلی وارد نشده‌اند ولی پیروان آنها بر مبنای آن اصول و دکترین‌های عمومی عمل می‌کنند و بعضی علاوه بر بیان اصول و دکترین‌های خود، به جزئیات رفتاری و عملی هم پرداخته و در آن زمینه‌ها احکامی مقرر داشته‌اند.

در مجموع می‌توان با شناخت خالص و درست باورها و اعتقادات مردم جهان و نتایج ارزشی و رفتاری از آنها، تعدد و تنوع گسترده آنها را به تعداد محدودی در یک طبقه بندی سلسله مراتبی، بسته بندی نمود.

اولین بسته بندی را که می‌توان در مورد همه باورها و اعتقادات اعمال کرد آن است که در اساس عالم و انسان یک امر غیبی و قدسی در خلاقیت و تمشیت امور عالم و انسان وجود و دخالت دارد یا نه؟ پس از آن دسته‌ای که معتقد به آن امر غیبی و قدسی می‌باشند، مجدداً هر کدام در حیا پس از مرگ و نبوت و رسالت‌صاحب آن دین نظریاتی دارند که این در مراحل ارزشی و عملی باز ممکن است همینطور تجزیه شود و تعدد و تنوع آن بسیار زیاد شود. دسته‌ای هم که اساساً معتقد به هیچ امر غیبی در

عالم نیست در میان خود بحث هایی بر سر آغاز و انجام عالم و سپس وضع انسان و تکلیف او در این میان دارند که خود نیز به مکاتب فراوانی تجزیه می شود. امروزه ترکیبی از ادیان و مذاهب با احزاب و مکاتب هم در نظریه و هم در عمل در جوامع بشری دیده می شود. یعنی کسانی هستند که مثلاً مسیحیت را با نظریه های سیاسی اجتماعی دموکراسی و لیبرالیسم ترکیب کرده و به باورها و اعتقادات جدیدی رسیده اند. اگرچه از نظر خود آنها این شاید ترکیب چند نظریه نباشد. در این سناریو، فرض بر آن است که با تعدادی محدود و مهم از این ادیان و مذاهب الهی و بشری و احزاب و مکاتب بشری، سر و کار داریم. آن تعدادی که اختلافاتشان علاوه بر جزئیات، در اصول و کلیات نیز وجود دارد.

همچنین این را نیز می دانیم که در هر کدام از این ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب، رهبران و سردمدارانی در رأس علما و پیروان آنها وجود دارد که آگاه ترین، مؤمن ترین و صالح ترین فرد آن دین و مذهب و حزب و مکتب بحساب می آیند و واقعاً از آن دفاع می کنند. فرض بر آن است که اینها با دلیل و برهان بر باورها و داشته های خود هستند و لاقلاً در مقام احتجاج قادر به اقامه دلیل و برهان بر صحت ادعاهای خود می باشند. اگر چه هستند ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتبی که با زور و تهدید و جوسازی های تند و فضا سازی های بسته، و با مکر و فریب و تبلیغات دروغین، پیروانی و تابعانی برای خود به وجود می آورند. لیکن در این نمایش فرض بر این است که آنها ناچارند اقامه دلیل و برهان کنند و ابزار و وسایل زور و زر و فریب را از آنها گرفته باشند.

حال فرض می کنیم که بتوان چنین سران و رهبرانی را از ادیان و مذاهب و مکاتب مختلف در محلی گرد آورد و آنها را برای یک مناظره و مباحثه جمعی آماده نمود. مناظره و مباحثه ای در حل مسائل و مشکلات اساسی بشر از قبیل اینکه حق چیست و صراط مستقیم کدام است؟

این مناظره و مباحثه نه بین خود آنها بلکه بین آنها با یک فرد بیطرف فرضی که مسئله و مشکل اصلی او شناخت حق و هدایت براه راست است، برقرار می گردد. آن فرد ناظر و بیطرف، فردی است که فرض می شود خارج از این ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب قرار دارد و می خواهد بفهمد باور و اعتقادات حق چیست و صراط مستقیم کدام است؟ و بحث اصلی او در این مناظره و مباحثه بیشتر، راه و روش شناخت و رسیدن به حق و صراط مستقیم است.

اگر چه فرض بیطرفی و اساساً فرض ناظر و جستجوگر خارج از اینها امری نشدنی و غیر عملی است. لیکن می توان لاقلاً در ذهن چنین تصویری را داشت و بر اساس آن تا حدودی استقلال ذهنی و ارزشی آن ناظر و بی طرفی او را پذیرفت.

باین منظور آن ناظر و پژوهشگر، در مقام جستجوگری و شناخت حق و در مقام طلب راه راست با فرض بیطرفی و خارج از آنها بودن به مباحثه و مناظره با آنها می پردازد. این مناظره و مباحثه هم

تماشاچپانی از پیروان آن‌ادیان و مذاهب و مکاتب مختلف دارد که ناظر و شاهد بر این مباحثه و گفتگو هستند .

حسن این نمایشنامه و سناریوی فرضی در این است که هر خواننده‌ای می‌تواند در آن واحد خود را در سه‌نقش اساسی ببیند و در مورد مسائل قضاوت کند. یکی در نقش سران و رهبران، یکی در نقش پیروان و تابعان، و یکی در نقش جستجوگر و طالب حق و صراط مستقیم، می‌تواند به مباحثه و گفتگوی طرح شده بنگرد و داوری نماید.

آن ناظر و فرد بیطرف فرضی و جستجوگر حق و راه راست، می‌خواهد با طرح پرسش‌هایی به حل مسئله و مشکل اصلی خود که همان شناخت و معرفت حق و صراط مستقیم است برسد. سران و رهبران ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب هم با پاسخهای مختلف به او در واقع هر کدام به نوعی راه کارها و راه حلها و پاسخ‌هایی را طرح می‌نمایند که از طرف آن ناظر بیطرف فرضی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و از این طریق ضعفها و قوتها، موانع و مشکلات هر پاسخ و راه کاری برای شناخت و ارزیابی حق و صراط مستقیم مورد ارزیابی واقع می‌شود. در نهایت راه کار و راه حل جامع از سوی آن ناظر خارجی بیطرف برای جستجوگری، معرفی و عمل به حق و صراط مستقیم، در فصل بعدی عنوان خواهد شد.

فرض بر آن است که تمامی سران و رهبران دعوت شده از ادیان و مذاهب و مکاتب مختلف در سرشاخه‌های اصلی اختلافات نزاع برانگیز، این دعوت را اجابت فرموده و در این مجلس فرضی و نمایشی شرکت نموده‌اند و همه در کنار یکدیگر نشسته و پاسخگوی پرسشها و چاره ساز مشکلات آن جستجوگر و ناظر خارجی بیطرف هستند .

ناظر خارجی بیطرف و جستجوگر حق و حقیقت با یک ترتیبی از تک تک این بزرگان و رهبران، پرسش‌هایی را به شرح زیر برای شناخت و معرفت به حق و راه راست مطرح می‌نماید و آنها هر کدام پاسخ‌هایی می‌دهند که در اینجا از طریق همان ناظر خارجی مورد نقد و بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. این پرسش و پاسخها به صورت مرحله بندی شده در این سناریو به شرح زیر ارائه می‌شوند .

۱- ما در نقش و مقام چنین ناظر خارجی بیطرفی از یکی از سران و رهبران دین، مذهب و یا مکتبی که در آنجا حاضر است می‌پرسیم: نظر شما درباره عالم و انسان و نقش و تکلیف او در این میان چیست؟ او باورها و اعتقادات خود را که از دین و مذهب و مکتب خود دریافته است، در اینجا بیان می‌دارد و پاسخ می‌دهد و می‌گوید به نظر ما عالم این است و آدم آن است و نقش و تکلیف او در این عالم چنین است و چنان است .

۲- بعد به او می‌گوییم دلیل شما برای درستی و حقانیت این تعریف و قضاوتها چیست؟ او در پاسخ به صورت کلی ابتدا یک سری دلایل عقلی، و در مورد ادیان و مذاهب علاوه بر آن، احتمالاً دلایل تاریخی و نقلی هم بیان می‌دارد. ضمن اینکه ممکن است مبنای پاسخ را به متدلوزی‌ها و منطق شناخت و

بررسی و استدلال و تحقیق نیز بکشاند و از آنجا وارد مباحث شناخت شناسی و نقد آن نیز بشود. فعلا بدون نتیجه گیری، بحث با او را مسکوت می گذاریم. ولی ناظر خارجی بیطرف و خالی الذهن فرضی با شنیدن اولین استدلال و براهین، مجذوب آنها شده و آنها را علی الاجمال می پذیرد.

۳- سپس به نفر بعدی مراجعه کرده و همین پرسش را از او می نمایم او نیز در جواب هست و نیست ها و بایدها و نبایدها را عنوان می نماید که در مجموع ممکن است با آنچه که نفر قبلی گفته است متفاوت و یا حتی در تضاد با او باشد.

۴- از او می پرسیم دلیل و اماره شمار بر صحت نظریات شما چیست؟ او هم در پاسخ دلایل عقلی و نقلی عنوان می نماید که با دلایل نفر قبلی متفاوت و یا حتی در بعضی موارد مشابه است و لیکن نتایج مختلف بدست می آید .

۵- به همین ترتیب این پرسش و پاسخ کلی و کلان از تک تک آن سران و رهبران به عمل می آید هر کدام از آنها قضایا و احکامی را درباره عالم و انسان عنوان می فرمایند و هر کدام دلایل و براهینی عقلی و نقلی در صحت گفته های خود مطرح می کنند.

۶- ناظر خارجی با این گفتگوی اجمالی و کلی ، بعد از شنیدن هر قضیه و حکمی و استدلالی از سوی هر صاحب دین و مکتبی، تقریباً آنرا باور و قبول می کند. ولی در ادامه به قضایا و احکام و استدلالهای صاحب دین و مذهب و مکتب بعدی که می رسد و می شنود، قضایا و احکام و استدلالات قبلی را همانند آنان تقریباً نفی و انکار می کند. به تدریج که جلو می رود، ابهام و سردرگمی او بیشتر می شود. بطوری که در پایان نمی تواند بفهمد کدامیک حق و کدامیک باطل است. کثرت و تنوع دلایل و براهین او را دچار سردرگمی بیشتر می نماید. به عبارتی هر چه او بیشتر علم و اطلاع و استدلال بدست می آورد، بیشتر گیج و مبهوت می شود.

۷- به ناچار باز می گردد و از همان نفر اول چنین می پرسد : آنچه که دیگران درباره عالم و آدم و نقش و تکلیف او در این میان می گویند با آنچه که شما می گوئید در اختلاف است . دلایل و براهین اقامه شده هم با هم متفاوت است و من به دلیل تعدد و تنوع آنها نتوانستم بفهمم راه راست کدام است. آنها چه می گویند و شما چه می گوئید؟ کدام یک از شما راست و درست می گوئید؟

او در پاسخ می گوید آنها همه اشتباه می کنند و آنچه را که من می گویم درست و حق است آنچه را که دیگران می گویند بخشی یا همه آن باطل است. آنها یا دچار نادانی و جهل هستند یا دچار اغراض و امراض نفسانی و شخصی می باشند .

۸- از نفر بعد می پرسیم شما در این اختلاف دیگران با خودتان چه می گوئید؟ او هم پاسخی مشابه پاسخ نفر اول می دهد و همه را متهم به اشتباه و نادانی می کند و همه را متهم به غرور و جهل و یا

تعصب بی جا می‌نماید و خود را نه تنها مبرای از این اتهامات می‌داند بلکه برعکس ملبس به لباس علم و تقوی و استدلال و عقل می‌نماید.

۹- همینطور از نفر بعدی و نفر بعدی همین پرسش را می‌پرسیم و مجدداً مشابه همان پاسخها و اتهامات و تبراها را می‌شنویم .

۱۰- این بار این ناظر و گفتگوگر و جستجوگر بیطرف خارجی، بیشتر سرگردان شده و نمی‌تواند بفهمد که کدامیک بالاخره درست یا حتی درست‌تر می‌گویند و صراط مستقیم حقیقی کدام است؟ و حتی نمی‌تواند بفهمد که شاید هیچ کدام از اینها راه راست حق نباشند. بلکه هر کدام به نوعی دچار انحراف و گمراهی هستند، منتهی یکی کمتر یکی بیشتر. بعضی به گونه‌ای مطلق اعتقادات خود را بیان می‌دارند و تمام حق را مطلقاً در گفته‌های خود می‌دانند و تمام باطل را مطلقاً در گفته‌های دیگران می‌بینند.

۱۱- لذا مجدداً باز می‌گردیم از نفر اول به عنوان همان ناظر خارجی جستجوگر حق و صراط مستقیم می‌پرسیم این چگونه است که همه این سران و رهبران و عالمان دینی و مذهبی و مکتبی در دروغ و اشتباهند و شما یکی در درستی و راستی؟ چه شده است که شما درست رفته‌اید و درست تشخیص داده‌اید و آنها نه؟ مگر شما چه کرده‌اید که دیگران نکرده‌اند؟ چه شده است که این تفاوت و اختلاف در میان شما و آنها حاصل شده است. شماهایی که همه ادعای عقل و منطق و صداقت و خلوص در مدعاهای خود دارید، چگونه است که این همه با هم اختلاف دارید؟

او در پاسخ می‌گوید آنها یا در جهل و نادانی هستند یا دارای هوای نفس و غرور و استکبار می‌باشند. یا اینکه منافع و مصالح شخصی و گروهی آنها اجازه نمی‌دهد که حق را درست بشناسند. و یا اینکه درست تحقیق نکرده‌اند و آنچه را که می‌گویند از محیط و پدرانشان گرفته‌اند. یا آنکه در نهایت دلایل ضعیف است و خود او متوجه نیست که این چنین شده است. و از این قبیل عوامل که مانع فهمیدن درست حق از طرف آنها شده است.

۱۲- از نفر بعدی و نفرات بعدی همین پرسشها را تکرار می‌کنیم آنها هم جواب‌هایی مشابه درباره سایرادیان و مذاهب و مکاتب و سران و رهبران آنها می‌دهند. این جواب‌ها در مجموع آن ناظر خارجی بیطرف را قانع نمی‌کند.

۱۳- این بار مجدداً آن ناظر خارجی و بیطرف بر می‌گردد و خطاب به همه آنها می‌گوید، ای بزرگان و رهبران فکر و اندیشه و اعتقادات بشری، تکلیف مرا روشن کنید کدامتان بر حقیق و کدامتان بر باطل. شما همه ادعای برحق بودن خویش و بر باطل بودن دیگران دارید. من چگونه بفهمم که کدامتان حق و کدامتان باطل هستید. ملاک و معیار و راه و روش رسیدن و شناخت حق چیست؟

آنها احتمالا همه در پاسخ خواهند گفت که ملاک و معیار، عقل و اندیشه درست انسان است و لذا تنها راه شما این است که بنگری کدامیک از ما بهتر و جامع تر و منسجم تر و درست تر حق را بر اساس امارات و براهین عقلی و منطقی بیان می داریم، همان را قبول کرده و باور کن و عمل نما.

۱۴- در پاسخ به آنها میگوییم این چه عقل و منطقی است که این همه نتایج مختلف از آن حاصل شده است و این چه حقی است که این همه متفاوت و گاه متضاد بیان می شود .

با این گفتگوی اولیه، این نتیجه که شناخت حق و راه راست باشد، نه تنها بدست نیامد بلکه گمراه تر و سرگردان تر شدیم. آنها در پاسخ خواهند گفت که شما باید تحقیق و تفحص کنید تا بدانید که حق و راه راست چیست و کدامیک از ما نسبت به آن راستگوتریم. این تقریباً توصیه عمومی همه آن سران و راهبران به این ناظر جستجو گر حق در نهایت خواهد بود .

اینجاست که بحث اصلی آغاز می شود و راه کارها طرح و ارزیابی می شوند. و آن ناظر و جستجوگر مستقل فرضی می پرسد .

۱۵- اگر تحقیق و تفحص چاره ساز مشکل ما بود که شما بطریق اولی اول خود باید از آن بهره می بردید. چگونه است ، شما که حداقل به ادعای خودتان و باور پیروانتان عاقل ترین، منطقی ترین و پاک ترین و صادق ترین انسانهای روی زمین هستید و مدعی تحقیق جامع در باورها و اعتقادات خود می باشید، به این همه نتایج مختلف رسیده اید، آنوقت من که از شما جاهل تر و نادان ترم با تحقیق و تفحص به شناخت و معرفت حق دست می یابم؟! مگر مردم دنیا که پیروان شما هستند در کار دین و مذهب و اندیشه و مکتب خود تحقیق و تفحص کرده اند؟ آنها جز اینکه هر کدام به یکی از شماها اعتماد کرده و آنچه را که شما به آنها باورانده اید همانها را باور کرده و قبول کرده اند؟ آنها جز با اعتماد و پیروی و تقلید از شما کار دیگری کرده اند؟ آنها جز اینکه از محیطی متأثر گشته اند که توسط شماها و گذشتگان شماها آماده و پرداخته شده است؟! پس چرا این توصیه تحقیق را به آنها نمی کنید آیا فقط تحقیق تک تک شما برای شناخت حقیقت کافی است و بقیه مردم باید از شما پیروی و تبعیت کنند؟

از آن گذشته آیا برای مردم و برای من جستجو گر بی طرف واقعاً امکان تحقیق و جستجوگری حق و حقیقت وجود دارد؟ مگر عمر من و امثال من و مشغله حیاة دنیایی و فرصتها و امکانات من به من اجازه می دهد که چنین تحقیق و تفحصی را انجام دهم. حجم منابع و مدارک و فاصله تاریخی با منشاء پیدایش باورها و اعتقادات شما، بعضاً آنقدر زیاد است که با این عمرها و روشها و ابزارها حتی به بخش کوچکی از این تحقیق هم نخواهیم رسید.

بر فرض که امکان چنین تحقیقی هم بود چه تضمینی هست که با تحقیق به نتیجه مطلوب برسیم؟ و با فرض امکان تحقیق و به نتیجه مطلوب رسیدن، در آن صورت اگر نتیجه آن با رأی و نظر شما موافق بود آنرا می پذیرید؟ و اگر مخالف بود آنرا رد می کنید و مخالفت می ورزید؟ همین شماها که به من

توصیه تحقیق می‌کنید اگر من با تحقیق به نتیجه‌ای خلاف نتیجه و باور شمار برسم مرا محکوم به اشتباه و جهل و غرور و تعصب و غیره می‌نمائید و خودرا تبرئه می‌کنید.

از آن گذشته تحقیق در صحت و سقم باورها و اعتقادات شما نیاز به آگاهی من بر معارف و علوم فراوانی از قبیل تاریخ، منطق، فلسفه، علوم دینی، زبانهای متعدد و اطلاعات بسیار دیگری دارد که نه عمر من و نه توان من جواب آن را نمی‌دهد. در این صورت واقعاً من باید چه کنم؟

۱۶- بعضی از آنها ممکن است در جواب بگویند اولاً همینکه شما در راه تحقیق باشید، بر راه درست هستید هر چقدر این راه طول بکشد و هر چند هم تا آخر عمر به نتیجه‌ای نرسید. ثانیاً به هر نتیجه‌ای که با صداقت و خلوص خود و عقل و منطق صحیح خود به آن رسیدید همان نتیجه برای شما معتبر است و به آن عمل کنید که برای هدایت به راه راست شما و رستگاری و سعادت شما کفایت می‌کند. ثالثاً چرا تحقیق را فردی انجام می‌دهید برای اینکه کار و بار تحقیق سریع‌تر و بهتر انجام شود تحقیق را گروهی و سازمان یافته انجام دهید تا به نتایج سریع‌تر، دقیق‌تر و بهتر برسید.

در جواب به آنها می‌گوئیم در تحقیق جامع باید همه ادعاهای مطروحه را مورد بحث و بررسی قرار داد. به نتیجه رسیدن از روی یک تحقیق روی یک رأی و نظر کفایت نمی‌کند چه بسا که اعتقادات دیگر، از آن عقیده اول به نتیجه رسیده، جامع‌تر و کامل‌تر باشند و چه بسا که اصلاً آنرا نقض و رد کنند. لذا لازم است که همه ادیان و مذاهب و مکاتب را مورد تحقیق و تفحص قرار داد و با این تدبیر تقریباً همه انسانها در طول حیات دنیایی خود با بضاعت کم علمی و وقتی و مالی همواره در حال و در مرحله تحقیق باقی خواهد ماند و به نتیجه‌ای نخواهند رسید، و این مشکلی از مسئله و مشکل اساسی که همان حق چیست و صراط مستقیم کدام است حل نمی‌کند و مردم دنیا را در سرگردانی و آوارگی بیشتری قرار می‌دهد.

دیگر اینکه فرضاً اگر کسی هم به جواب قانع کننده‌ای برای خود رسید چه ملاک و معیاری هست که او به سعادت و راه راست رسیده باشد و چه تضمینی هست که دیگران او را بپذیرند. باور و عمل خود او به نتیجه‌هایی که او در تحقیق به آنها رسیده است مشکلی از اختلافات و نزاعها و درگیریهای جامعه بشری را نه تنها حل نمی‌کند بلکه ممکن است بر آنها بیفزاید. ضمن اینکه همین آدمیانی که با تحقیق به حق و راه راست رسیده‌اند، چون ممکن است به نتایج مختلف برسند که به احتمال زیاد چنین است باز با یکدیگر نزاع پیدا کرده و به جان و مال یکدیگر تجاوز می‌کنند.

دیگر اینکه فرمودید برای اینکه تحقیق منسجم‌تر، سریع‌تر و بهتر انجام شود کار را به صورت گروهی و سازمانی انجام دهیم. در پاسخ می‌گوییم که خود شماها برای این کار تحقیق جمعی سازمان یافته بسیار سزاوارترید زیرا هم بهتر می‌دانید و هم بهتر می‌توانید و اصلاً کار شما همین است. چرا شما خود تن به یک چنین تحقیقی با کمک و یاری یکدیگر نمی‌زنید و نمی‌نشینید و با یکدیگر گفتگو نمی‌

کنید تا به نتیجه واحدی برسید و تکلیف مردم جهان را هم روشن کنید و دست از این همه تفرقه و نزاع و دشمنی و اتهام بردارید. و این همه مردم دنیا را هم علاف و سرگردان خود ننمائید. لابد در جواب خواهند گفت که ما دیگر کارمان از این حرفها گذشته است و ما هرکدام در راه و باور خود راسخ شده ایم و قابل بازگشت نیستیم و یا خواهند گفت ما دیگر نمی توانیم یکدیگر را قانع کنیم. و یا هر یک خواهند گفت ما آماده ایم ولی در عمل هیچکدام یا اکثر آنها پای کار تحقیق و تفحص گروهی و سازمان یافته توسط خودشان نیابند. به هر جهت به نظر می رسد که کار تحقیق گروهی توسط آنان عملاً غیر ممکن است زیرا آنها بعضی شان با هم دشمن هستند و بعضی، بعضی دیگر را اصلاً قبول به مذاکره و مباحثه ندارد و بعضی هم اساساً از ترس یا هر دلیل و ضعف دیگری اصلاً وارد گود مناظره و مباحثه نمی شوند.

از آن گذشته بر فرض که شما رهبران و دانشمندان ادیان و مذاهب و مکاتب این کار تحقیق گروهی را انجام ندهید و ما مردم عادی بخواهیم خودمان آن را انجام دهیم آیا به نظر شما باز امکان چنین امری وجود دارد؟

اولاً افراد این گروه سازمان یافته برای تحقیق و تفحص راه راست و حق چه کسانی باشند که به یکی از شماها وابسته نباشند، و یا وابسته باشند ولی تعصب نشان ندهند و سعی کنند با صداقت تمام در این جستجوگری شرکت کنند و خود آنان در میان راه دچار مشکل نگردند. ممکن است شما توصیه کنید که بهتر است از هر دین و مذهب و مکتبی افرادی به نمایندگی در این کار گروهی شرکت کنند، که این تقریباً بهترین حالت است. پس همه باید بپذیرند که در این کار تحقیق گروهی حداقل با حضور یک نماینده فعال، شرکت کنند و این خود معلوم نیست تحقق یابد.

ثانیاً بر فرض که چنین افرادی پیدا شد و قبول کردند که کار تحقیق گروهی و سیستماتیک و سازمان یافته انجام دهند. باز مشکل چنین طرح خواهد شد که این افراد مختلف از ملیتها، ادیان، مذاهب و مکاتب مختلف در کجای دنیا گرد هم آیند و چنین کار مهمی را به انجام رسانند که بار سیاسی نداشته باشد. و هزینه بودجه این کار را از کجا بیاورند که وابستگی نیاورد و بر فرض تحقق همه اینها باز آیا فرصت و امکان تحقیق و تفحص همه جانبه و جامع و مطلوب برای آنها وجود خواهد داشت؟

ثالثاً بر فرض که چنین شد چه تضمینی خواهد بود که آنها به نتیجه واحدی برسند و چه تضمینی خواهد بود که نتیجه بدست آمده آنها مورد قبول و پذیرش همان سران و رهبران ادیان و مذاهب و مکاتب و از آن بدتر مورد قبول و پذیرش سران و رهبران دولت ها و مردم جهان واقع شود. بله اگر همه بپذیرند شاید بتوان و بشود باروشهایی این تضمینها را ایجاد نمود و همه سران و رهبران و مردم جهان را از قبل وادار به تسلیم و قبول و پذیرش هر نتیجه ای که این گروه بدست آوردند، نمود. لیکن هیچ تضمینی برای عمل به این قبول و پذیرش و تعهد قبلی نیست و آنها به سادگی می توانند به کل کار و یا

بخش هایی از آن خدشه وارد کنند و آن را رد نمایند. لذا هم ایجاد و اداره چنین کاری امری بسیار مشکل و سخت می‌نماید و هم در عمل اثر داشتن و پذیرفتن نتایج آن در میان مردم جهان کاری بس پیچیده و سخت خواهد بود. و این به غیر ممکن بسیار نزدیک‌تر است. پس چه باید کرد و چاره کاردر چیست؟

۱۷- ممکن است از میان آن سران و رهبران کسانی بگویند که خوب شما باید حق آزادی در اندیشه و عمل را برای دیگران قایل باشید و به باورها و عقاید دیگران احترام بگذارید در آن صورت همواره تحقیق هم بکنید و به هر نتیجه‌ای که رسیدید عمل کنید. در پاسخ می‌گوییم اولاً خود این سخن یک نظریه و رأی است که همه به آن معتقد نیستند و باید حق بودن و درست بودن آن را ثابت کرد و لذا مخالف این عقیده با موافق آن در جامعه در اختلاف و نزاع خواهند بود.

ثانیاً نتیجه عملی این حرف عقیم شدن عملی همه باورها و اعتقادات خواهد بود زیرا باورها و اعتقادات فقط به یک سری اعمال و سنتهای شخصی ختم نمی‌شوند، بلکه دارای بار و دستور سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی هستند که نهایتاً با سایر باورها و اعتقادات در تعارض و تقابل عملی قرار خواهند گرفت. چراکه نمی‌توان در جامعه آراء و نظرات گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را که بعضاً در تضاد با یکدیگر است با هم و به صورت جامع و کامل برای همه پیاده و اجراء نمود و بدون این اجراء جامع و کامل هم، همه آنها عقیم خواهند ماند. صرف داشتن باور و اعتقاد هم بدون عمل و پیاده‌سازی خاصیتی ندارد. لذا این مشکلی را در نهایت حل نمی‌کند. ضمن اینکه باز فرصت طلبان و قدرت طلبان از این فضای بی سر و ته باوری و ارزشی سوء استفاده کرده و طومار همه را چه معتقد به آزادی باشند و چه معتقد به آزادی نباشند در هم می‌پیچند و خود را در عمل با زور و مکر و فریب بر جامعه حاکم و راهبر می‌گردانند.

۱۸- ممکن است گفته شود که برای اداره جامعه و پیاده سازی عملی آراء و نظرات، کار را به رأی مردم واگذار می‌کنیم. در هر منطقه‌ای و سرزمینی هر ملتی و قومی هر چه را خواستند همان عمل شود. در جواب می‌گوئیم اولاً این کار رأی مردم خیلی اعتبار ندارد چرا که خودتان هم خوب می‌دانید که رأی مردم را می‌توان با انواع تبلیغات دروغین و با انواع وعده‌های دنیایی و با انواع فریبها و جوسازی‌ها، جابجا کرد.

مردم هم نه توان و نه فرصت آنرا دارند که بروند و تحقیق کنند به ببینند چه نماینده و چه کسی و چه فکر و باوری برای آنها مطلوب است تا به آن رأی بدهند. آنها تحت تأثیر همین تبلیغات و جوسازی‌ها رأی و نظر خود را می‌دهند.

جالب است اگر مردم مطابق باور و نظر حزب و مکتبی خاص رأی دادند، آن مردم برای آن حزب و گروه می‌شوند مردم بسیار دانا و آن رأی و نظر هم می‌شود رأی درست و آن انتخابات هم می‌شود انتخابات سالم. ولی‌وای به حال مردم اگر مخالف آنها رأی و نظر بدهند در آن صورت همان مردم که تا

دیروز خوب بودند امروز می‌شوند مردم نادان و فریب خورده و آن رأی و نظرها، غلط و ضعیف به حساب آمده و آن انتخابات هم می‌شود انتخابات ناسالم. بنابراین درست است که خطای عمومی تا حدودی کمتر است ولی دلیل بر عدم خطا نمی‌شود و چه بسا که خطای حاصل از این روش در نهایت بسیار گران‌تر و سنگین‌تر از آب در آید.

می‌گویی خوب مردم خود مقصر هستند به ما چه که آنها فریب می‌خورند. می‌گوییم اولاً بما مربوط است زیرا که ما در قبال مردم مسئولیت داریم ثانیاً فریب مردم نهایتاً دامن ما را هم می‌گیرد و ما از راه حق خود بازمی‌مانیم و در نهایت ما بیچاره را هم در مظلومیت آن ظالمان قدرت طلب قرار می‌دهند. ثالثاً در هر جامعه و ملتی همه مردم یک رأی ندارند و چه بسا که آراء و عقاید باطل با رأی بعضی مردمی که پیروی از باطل کردند و یا فریب باطل را خوردند بر سایر مردم حاکم شود. در آن صورت الباقی مردم چه گناهی کرده‌اند که باید تحمل نظام و حکومت باطل را نمایند و از عمل به باورها و اعتقادات خود در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بازمانند. رابعاً حتی اگر همه مردم در یک سرزمینی رأی به اجرا و پیاده سازی باور و اعتقادی در امورات حیاة دنیایی خود دادند. چه تضمینی هست که کار درستی کرده باشند. ممکن است کل آنها بر باطل رفته باشند و این در نهایت مشکل آنها را حل نکرده است. بر فرض قبول، مشکل در رابطه با سایر ملت‌ها، هم چنان باقی می‌ماند. زیرا بازتضاد و اختلاف و نزاع در سطح بین المللی میان ملت‌ها آنهم به وجهی شدیدتر و جدی‌تر وجود خواهد داشت. این کار نهایتاً در وجه خوب آن ممکن است اختلافات درونی یک ملت را از بین ببرد. ولی اختلافات و نزاعهای جهانی را نمی‌کاهد.

از آن گذشته با حاکمیت اکثریت آراء، کار جامعه را نمی‌توان پیش برد زیرا هر دوره ممکن است اکثریتی بر روی کار آیند که دارای باورها و اعتقادات و نظرات گوناگونی در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی باشند. در آن صورت کار جامعه در عمل رو به تشتت و اختلاف می‌نهد و امورات مردم معطل می‌ماند. کاری و باری تمام نشده و به مقصد نرسیده، کار و بار دیگری مطرح می‌شود و از راه می‌رسد. و اینکه ملاحظه می‌کنیم در بعضی کشورهای غربی بر این نمط عمل می‌کنند و تقریباً مشکلی به زعم خود ندارند باین دلیل است که همه مردم آن کشورها و سران و رهبرانسان نسبت به باورها و اعتقادات مختلف به یک تعادل نسبی دست یافته‌اند. و اساساً به باورها و اعتقادات یکسانی در امور عالم و آدم و حیاة دنیایی خود رسیده‌اند و بر آن عمل می‌کنند و اختلافات جزئی آنها در باورها و اعتقاداتشان کارساز و مؤثر در امور کشورشان نیست. آنها اساساً باورهای دینی را از حکومت نفی کرده‌اند و این خود اعتقادی است که دیگران از سایر نقاط جهان آنرا نمی‌پذیرند. بنابراین دموکراسی آنها مبتنی بر بی دینی حکومتی نظریه پردازی شده و این لاقول برای خود آنها که به آن معتقدند مشکلی ایجاد نمی‌کند.

از سوی دیگر با منابع ثروتی که آنها خود دارند و یا با ظلم و جور از سایر کشورها و ملت‌های مظلوم جهان بدست آورده‌اند، تقریباً دلیلی برای اختلاف و نزاع بین خودشان نمی‌بینند و لذا همه با هم در یک توافق کلی بسربرده و از خوان نعمت داشته و بدست آورده بهره می‌برند. آنها در اختلاف و نزاع شدید با سایر ملت‌های جهان می‌باشند و در رابطه با آنان همواره از زور و فریب و تبلیغات دروغین استفاده می‌کنند و سعی دارند که سایر ملت‌های جهان را، هم بفریبند و هم وابسته به خود نمایند و قطب‌های جهانی به وجود آورند. آنها با این کارهایشان دامنه‌اختلاف و نزاع را در سطح بین‌المللی و جهانی همچنان به نفع و قوت خود نگه می‌دارند. به این ترتیب واقعاً چه باید کرد؟!

۱۹- ممکن است کسی از آن جمع بگوید اصلاً حق و باطلی در کار نیست و هر چه هست بافته و پرداخته خود انسان‌هاست لذا خیلی حساسیت به مسائل نشان ندهید و به همه احترام بگذارید و سعی کنید در یک فضای آرام با همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی کنید. در جواب می‌گوئیم اولاً خود این سخن باز حکمی است که نیاز به قضاوت در صحت و سقم درستی و نادرستی دارد. در نتیجه باید در باره آنها تحقیق شود. ثانیاً بر فرض که چنین باشد در آن صورت آیا هر نظر و فعلی مجاز نخواهد بود و در آن صورت آیا جز قوانین اعتباری و توافقی که انسان‌ها برای امنیت و رفاه خود وضع می‌نمایند که آنها بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است چیزی باقی خواهد ماند؟

۲۰- ممکن است کسی از آن جمع بگوید حق و باطل امری نسبی است و هرکسی درصدی از حق و درصدی از باطل را در باورها و ارزش‌ها و رفتارهای خود دارد نه همه حق نزد کسی است و نه همه باطل نزد کسی دیگر می‌باشد. بلکه همه به یک نسبتی از حق و باطل در ایمان و عمل برخوردارند، بعضی کمتر بعضی بیشتر. لذا شما هم که تحقیق می‌کنید به نتایجی مشابه آنها می‌رسید و این خیلی فرق نخواهد کرد پس سعی کنیم همه با هم در یک فضای مسالمت‌آمیز و با احترام به یکدیگر با هم زندگی کنیم. در جواب می‌گوئیم همان اشکالی که در نظریه قبلی مطرح شد اینجا هم مطرح است. بالاخره با این تعبیر اولاً تکلیف حق و باطل در میان مردم روشن نمی‌شود ثانیاً □ این نسبت در حق و باطل نزد افراد یا با علم اجمالی است و یا با علم تفصیلی. اگر با علم اجمالی است که قابل قضاوت نیست زیرا نمی‌دانیم چه مقدار و چه درصدی از باورها و ارزش‌ها و رفتارها غلط است و چه مقدار و چه درصدی از آنها درست است. ضمن اینکه همین نسبت اجمالی هم نزد افراد مختلف، تفاوت می‌کند و به یک نسبت قضاوت نمی‌شود. و اگر با علم تفصیلی است و می‌دانیم که هر کسی با چه نسبت و درصدی از سخنان حق و با چه نسبت و درصدی از سخنان باطل برخوردار است در آن صورت پس ما که قضاوت می‌کنیم حتمی حق و باطل را به صورت مطلق می‌دانیم و می‌شناسیم. زیرا با آن دیگران را می‌سنجیم. و هر کسی در قضاوت تفصیلی نسبت به درصد ترکیب حق و باطل نزد دیگران، به آن حق و باطل مطلق که نزد

خود او معیار است باز می‌گردد و قضاوت می‌کند. و این نقض غرض قول خود او است که از ابتدا گفت همه باورها و اعتقادات مخلوطی از حق و باطل است.

پس هر باوری و هر اعتقادی یا مطلق □ حق است و یا مطلق □ باطل می‌باشد. آن باور یکه درصدی از حق دارد و درصدی از باطل، کلاً باطل است. حق به صورت خالص معنی و مفهوم دارد. بله می‌توان گفت حق خالص مرز دارد، اصول دارد، حد و حدودی دارد. اصول حق در باوری باشد آن باور حق است. مهم تشخیص مرز اختلاف مجاز و مرز حق و باطل است. مخلوط حق و باطل معنی ندارد. کل و مجموعه یک باور و اعتقاد مورد قضاوت حق و باطل قرار می‌گیرد نه جزء جزء آن به تنهایی. و کل یک باور برای حق بودنش دارای مشخصات و حدودی است، آنها را داشت آن باور حق است، نداشت باطل است. مهم تعریف این حد و مرز حق و باطل و مرز اختلاف مجاز در هر باوری است.

ممکن است این مرز آنقدر تنگ و کوچک باشد که کوچک‌ترین اختلاف حتی در جزئیات را هم در خود جای‌ندهد و در نتیجه حق بسیار محدود و سخت و تنگ شود و ممکن است برعکس این مرز آنقدر گشاد و بزرگ شود که خیلی اختلافات را در خود جای دهد و در نتیجه حق بسیار گسترده و آسان گردد. این به معنی اختلاط حق و باطل نیست این به معنی تعریف اختلاف مجاز در یک حوزه باور و اعتقاد حق است. تعریف این حد و مرز و درستی و نادرستی آن، خود نیاز به تحقیق و تفحص و اثبات و قبول دارد. که باید بر روی آن کار شود.

بله می‌توان گفت در حوزه و مرز اختلاف مجاز افراد می‌توانند در یک زندگی مسالمت‌آمیز با یکدیگر باشند و با هم بسازند و با هم پیوسته در اختلافات مجاز مباحثه و گفتگو کنند. تحقیقات در آن حد و مرز بین آنها می‌تواند همچنان مفهوم و ادامه داشته باشد.

۲۱- ممکن است کسی از میان آن مجلس بگوید اصلاً اشتباه شما این است که به دنبال یک صراط مستقیم برای همه مردم جهان هستید. راه راست واحدی در کار نیست. بلکه راههای درست بسیاری وجود دارد. «صراطهای مستقیم» درست است، نه «صراط مستقیم». می‌گوییم اولاً اینکه می‌گوئید «صراطهای مستقیم» درست است، خود بیان و حکمی است از حق و صراط مستقیم که باید مورد بررسی و داوری قرار گیرد.

پس همان در جستجوی راه راست بودن، صحیح است زیرا که بر فرض که حکم شما درست باشد در آن صورت نظریه <صراطهای مستقیم> همان راه راست و درست مورد نظر می‌شود. ضمن اینکه این نظریه هم در نهایت به نسبت حق و باطل و بالاخره بی تفاوتی به حق و باطل منجر خواهد شد که در فرض‌های قبلی درباره آن بحث شد.

۲۲- ممکن است کسی بگوید، این همه انبیا و اولیاء و علما و دانشمندان در جهان آمدند و رفتند نتوانستند این مشکل شمار را حل کنند و امروز می‌بینید که بشر در چه تب و تاب و ضلالت و گمراهی و

نزاع بر سر اختلافات می‌سوزد. حالا شما آمده‌اید و می‌خواهید مشکل مردم جهان را حل کنید. مگر زورمندان و قدرت‌طلبان و پول‌داران و خودخواهان، و جهل و غرور و استکبار بشر می‌گذارد که مشکل حل شود. شما چه کار دارید به این کارها؟ شما هم بروید مثل بقیه مردم در یک نظام قدرتی قرار بگیرید و به زندگی که برایتان تعریف و تحدید کرده‌اند بپردازید.

در جواب می‌گوئیم اولاً شاید قرار نیست تا آخر دنیا مشکل اختلافات و نزاعهای بشری حل شود ثانیاً □ شاید گروهی یا گروه‌هایی از مردم دنیا همین امروز هم به راه راست باشند. پس ما هم به دنبال آن هستیم که آنان را بشناسیم و به آنها ببیندیم. ثالثاً اگر حتی کسی هم بر راه راست نباشد بالاخره یک اعتقاداتی امروز در جهان مطرح است که آدمی را به فکر فرو می‌برد که اگر این چنین بود و آن چنان شد که این دین و مذهب و مکتب می‌گوید آنوقت من چه کنم؟ به عبارتی بعضی اعتقادات یک طرفه فایده دارند و طرف دیگرشان ضرر است ولی بعضی اعتقادات دو طرفه فایده دارند. یعنی کسی که اعتقاد به پروردگار و آخرت ندارد با کسی که اعتقاد به پروردگار و آخرت دارد وضع و زندگیشان در دنیا خیلی فرقی ندارد چه بالاخره هر دو زندگی می‌کنند و از مواهب آن بهره‌می‌برند، حالا کمی بیشتر و خوش‌تر یا کمی کمتر و محدودتر. ولی اگر آخرتی در کار باشد میان این دو باورمند، در آخرت فرق بسیار خواهد بود. چون در آن صورت آن که معتقد به پروردگار و آخرت نبوده و به دستورات پروردگار بعنوان عمل صالح عمل نکرده، و به انبیاء و کتب آسمانی پشت کرده، در آنجا اهل عذاب خواهد بود و آن که معتقد و عامل بوده در آنجا اهل بهشت خواهد بود. و انسان عاقل از روی احتیاط هم که شده بالاخره باید این نگرانی را برای خود داشته باشد. و با خود بگوید نکند آخرتی در کار باشد و اگر آخرتی در کار باشد چه کنم؟ همین احتیاط هر انسانی را بر آن می‌دارد که به دنبال حق و راه راست برآید.

شاید کسی بگوید خوب هر کس ممکن است بیاید و چنین ادعاهای عجیب و غریبی که موجب آوردن احتیاط برای ما می‌شود، بکند. در آن صورت کار مردم دنیا می‌شود احتیاط کردن. ضمن اینکه امروز ثابت شده است که همه این ادعاها باطل است و همه آن گذشتگان دروغ گفته‌اند و یا خیال‌پردازی کرده‌اند. در جواب می‌گوئیم اولاً چنین ادعاهای احتیاط‌آوری را هرکسی نکرده است و هرکسی هم نمی‌کند و این ادعاها معمولاً از سوی کسانی در تاریخ مطرح شده است که به نیکی و راستی شهرت داشته‌اند و بر گفته‌های خود هم نشانه‌ها و گواهانی داشته‌اند. ثانیاً این گفته شما که آن گفته‌ها و نظریات باطل هستند خود ادعایی است که باید صحت و سقم آن تحقیق و بررسی شود و امروز هم همه مردم و علمای جهان بر این باور که شما می‌گویید نیستند. بطور کلی شاید بتوان گفت به لحاظ نظری و عقلی همان قدر که ابهام و سؤال در اعتقاد به خدا و آخرت است همان قدر و شاید بیشتر، ابهام و سؤال در بی‌اعتقادی به خدا و آخرت است. پس مهم شناخت اصل و حقیقت امر است، وجود ابهام و سؤال بعد از آن موجب نفی آن امر حقیقی و یقینی نمی‌شود.

بنابراین هم اصل احتیاط و نگرانی درباره آخر و عاقبت خودمان، و هم اینکه بالاخره ما نمی‌خواهیم در زیر ظلم و زور کسانی قرار بگیریم که به نحوی بر امر و نهی و باید و نباید ساختار و رفتار جامعه حاکم گردیده‌اند، بما حاکم می‌کند که ما در اندیشه و عمل به این جستجوگری حق باشیم.

از آن گذشته ما حداقل برای خودمان که می‌توانیم چنین پرسش و تلاشی را مطرح کنیم. بالاخره حداقل می‌خواهیم هم خودمان را نجات دهیم و هم خیلی هم کاری با دیگران نداریم. و ما باید بتوانیم لاقلاً برای حصول سعادت خودمان هم که شده، امنیت خود را در برابر زورمداران، قلدوران و فریبکاران عالم، برقرار و حفظ کنیم و در مقابل آنها از خود دفاع کنیم. ما به آنها کاری نداشته باشیم آنها به ما کار خواهند داشت.

ما فکر می‌کنیم این پرسش‌ها و تلاشها به تنهایی و برای نجات خویش، مجرد از دیگران معنی و مفهوم ندارد و باید به صورت گروهی و به منظور نجات همه باشد، تا خاصیت و فایده عمومی و پایداری از آن حاصل گردد. من تنها بر راه راست باشم و بقیه در ضلالت و گمراهی به چه در می‌خورد. جز عذاب و ناراحتی برای من چه دارد. مگر می‌شود من تنها هدایت شده، در میان این همه گمراه وجود و بقا داشته باشم. هدایت جمعی کارساز و مفید است و همه با هم بر صراط مستقیم باشیم می‌شود کاری کرد و سعادت دنیا و آخرت را رقم زد. لاقلاً باید جمعی هدایت شده با هم باشیم تا بتوانیم در برابر بقیه خود را حفظ کنیم و دوام آوریم و سعادت دنیا و آخرت خود را بجوئیم. اگرچه همواره باطل از درون و بیرون این جمع را تهدید می‌کند. پس باید با دیگران و برای دیگران آنها برای همه مردم جهان نه حتی مردم یک سرزمین کار بکنیم. حق حتی اگر به باطل کاری هم نداشته باشد این باطل است که بطور طبیعی به سراغ حق می‌رود و با او درگیر می‌شود. پس حق همواره باید با همه باطل مبارزه کند والا تضمینی برای سلامتی، حفظ و بقایش نیست.

شاید رمز کار در همین مبارزه همه جانبه و پیوسته است. مبارزه‌ای که تا روز قیامت هم چنان ادامه دارد و نتیجه آن یا شهادت است یا ادامه مبارزه. شاید پیروزی در این مبارزه بمعنی پاکسازی زمین و جامعه بشری و نفس انسانی از پلیدی و ضلالت و گمراهی، معنی نداشته باشد. شاید همین نفس مبارزه و شهادت، تکلیف ما در دنیا باشد و در آخرت سعادت جاودانه ما با همین تکلیف، معلوم می‌گردد .

۲۳- ممکن است کسی از میان آن جمع بگوید این مشکل حل شدنی نیست و بالاخره هر کسی به یک نحوی راه خود را برای زندگی کردن در دنیا می‌یابد. همان راه، صراط مستقیم اوست و لذا به تعداد همه آدمهای روی زمین راه راست وجود دارد که بعضی به هم نزدیک‌تر و بعضی از هم دورترند. شما هم مانند بقیه با عقل و تجربه و شرایط خودت راهی را برای خود برگزین و بر آن نمط عمل کن و زندگی کن و خیلی هم سخت نگیر.

در پاسخ می‌گوئیم اولاً این همان نظریه <صراطهای مستقیم > است که قبلاً طرح شده است. و باز توصیه‌ای می‌شود که در نهایت نیاز به قضاوت در درستی و نادرستی دارد. ثانی □ امروز همه مردم دنیا بر این نظریه نیستند که بگوئیم خوب درست است پس این چنین عمل کنیم. در میان مردم انواع نزاع‌ها و اختلافات هم چنان وجود دارد. ثالث □ اگر همه مردم دنیا هم بر نظریه‌ای و رویه‌ای کلی بروند باز این دلیل بر صحت و حق بودن باور و رویه و عملشان نیست. رابع □ این توصیه هم، باز نگرانی کلی ما را که بالاخره می‌خواهیم بر حق و راه راست باشیم برطرف نمی‌کند و این مشکل احتیاط ما را برای اعتقاد به آخرت و عمل براساس آن حل نمی‌کند. از آن گذشته مشکل بودن کار هر چند هم زیاد و سخت باشد دلیل بر ترک و بی‌اعتنایی به آن نیست. زیرا ممکن است نتوانیم خود را از آن تبرئه کنیم.

اصولاً توصیه‌هایی چون بی‌خیالی و بی‌اعتنایی و عدم حساسیت به حق و راه راست، به مردم، زمینه و شرایط را برای کسانی فراهم می‌آورد که به دنبال قدرت و پول و حاکمیت بر مردم هستند. آنوقت این توصیه‌ها ممکن است دامن خود ما را هم یا به مظلومیت و یا به ظلم بگیرد. در آن صورت چه کنیم؟ و چگونه بی‌خیال و بی‌اعتنا به حق و راه راست باشیم و چگونه ظالمین و دروغ‌گویان و قدرت‌طلبان را از خطاها و ظلم‌هایشان بازداریم؟ چه بسا که این توصیه‌ها را اساس □ همان ظالمین و قدرت‌طلبان در پس پرده برای مردم رونق می‌دهند تا آنها بتوانند با دروغ و فریب بیشتر بر مردم و جهان حاکمیت کنند و حرث و نسل آنان را برابند.

۲۴- باز می‌گوییم که شما فرموده بودید که عقل، ملاک و معیار تشخیص حق و باطل است. سؤال این است که عقل چه کسی و در چه شرایطی. ملاک و معیار است. این همه عقلای عالم، هر کدام به نتایج متفاوتی رسیده‌اند.

اگر عقل و اندیشه ملاک باشد در آن صورت این چه ملاک و معیاری است که برای تشخیص درستی و نادرستی آن باید باز به خود آن مراجعه کنیم. آیا این دور باطل نیست که قضاوت هر چیز نهایت □ به عقل باز گردد و قضاوت در کار خود عقل هم باز به عقل باز گردد؟ چه باید کرد؟ به چه چیزی باید اطمینان کرد آن مبنای اولیه چیست و کدام است؟ این مبنا باید خود انسان باشد یا امری خارج از اوست؟ از آن گذشته این همه فیلسوفان و محققان برجسته در عالم بوده و هستند که با روشها و منطقهای بسیار دقیق به کنکاش در امور پرداخته‌اند و هر حکم و نظری را با صدها پرسش مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و نهایتاً خود به نتایج دیگری غیر از نتایج دیگران رسیده‌اند و هر روز انواع آراء و نظرات قبلی، یا اصلاح و بهبود می‌یابند، یا اصلاح‌زیر و رو شده و آراء و نتایج جدیدی را طرح می‌نمایند. اگر عقل به تنهایی کارساز بود که این همه عقلا تاکنون مشکلات بشریت را حل کرده بودند. علی‌رغم این همه حل مسئله و مشکل توسط دانشمندان و عقلای عالم باز می‌بینیم که در ابتدایی‌ترین مسائل جامعه بشری که تعبیری درست از باورها و ارزشهای حق باشد، هم چنان حتی بین خود آنها لاینحل مانده است.

عقل مردم عادی هم، در این تحقیق و جستجو از کارآیی و اثر بخشی و پیچیدگی عقل فیلسوفان و دانشمندان و حکیمان برخوردار نیست. لذا مردم در برخورد با اعتقادات و باورها، آراء و نظرات هر فیلسوفی و هر حکیمی و هر عالمی، با هر استدلالی، ابتدا مفتون و مجذوب آن می‌شوند سپس با شنیدن آراء و نظرات و استدلالها و براهین فیلسوف و حکیم دیگر نظرات قبلی را نفی کرده و این یکی را می‌پذیرند. و همینطور که ادامه می‌دهند آراء و نظرات هر فیلسوف و حکیم جدیدتر را با توجه به نقد و بررسیهای او نسبت به گذشتگان و دیگران بهتر و بیشتر می‌پسندند. اما در نهایت با ادامه مطالعات به سردرگمی و سرگردانی در باورها و اعتقادات می‌رسند. زیرا مردم ملاحظه می‌کنند که هر آراء و نظری با آراء و نظر دیگری و هر استدلالی با استدلال دیگری مورد نقد و رد قرار گرفته است. او با خود می‌گوید چه تضمینی هست که این را هم کس دیگری به گونه دیگری رد و نفی نکند. لذا این تحقیق و تفحصها در عمل اولاً به نتیجه نمی‌رسد ثانیاً بر فرض نتیجه‌گیری معلوم نیست که نتیجه‌گیری نهایی کامل باشد ثالثاً بر فرض نتیجه‌گیری نهایی و کامل معلوم نیست که تا چه حد بر حق و راه راست واقعی منطبق باشد.

۲۵- این بار کسی از آن مجلس می‌گوید نگاه کن بین اکثریت با کیست و کدام باور و اعتقاد، باور عمومی اکثر بزرگان و مردم جهان است، همان را باور کن و عمل کن. می‌گوئیم کثرت و قلت معتقدان و پیروان یک دین و مذهب، حزب و مکتب فی نفسه و منطقاً دلالت بر صحت و سقم آن نمی‌کند. چه بسا که سخن باطل را همه مردم در اثر تبلیغات غلط و یا دلایل دیگر بگویند و سخن حقی را اقلیتی بر زبان برانند اتفاقاً آنجا که حق، با ظاهر حیاه‌دنیایی و منافع شخصی، سازگاری کمتری دارد همواره از قلت معتقدان و مؤمنان برخوردار بوده است.

۲۶- ممکن است کسی بگوید نگاه کن بین در عمل و در فایده عینی، کدام باور و اعتقاد بهتر پاسخ داده است همان را بگیر و عمل کن. در جواب می‌گوییم نتیجه و فایده عملی یک باور و اعتقاد در اجرا و پیاده سازی و در قالب اشخاص معتقد و پیروان آن و در آثار و عوارض حیاه فردی و اجتماعی آنها، اگرچه یک دلیل و راهنمای خوبی برای توجه و دقت تحقیقی بیشتر به آن دین و مسلک می‌باشد، لیکن باز فی نفسه همه دلیل لازم و کافی برای تسلیم به آن نیست. چه بسا که معتقدان و پیروان باور و اعتقادی از روی تعصب و غرور سعی در عمل صالح و تبلیغ عملی باور و اعتقاد خود بکنند، تا مردم به آنها میل پیدا کنند و آنها را باور کنند. در حالی که به لحاظ دلایل عقلی و نقلی ضعف بسیار زیادی هم داشته باشند. برعکس چه بسا که معتقدان و پیروان ضعیف و منافق باور و اعتقادی درست، با عملکرد جاهلانه و یا عامدانه خود مردم را نسبت به آن دین و مذهب یا حزب و مکتب بدبین نمایند.

البته اسوه‌ها و محصولات فردی و اجتماعی و عینی باورها و اعتقادات، ارزشها و رفتارها می‌تواند دلیلی بر حقانیت آنها باشد لیکن همه دلیل نخواهد بود.

۲۷- این بار کسی از میان آن جمع می‌گوید اگر هر کسی در حد شرایط و توان خود، صادقانه و خالصانه و عاقلانه تلاش کرد، بهر نظریه و باور و ارزشی که رسید برایش درست است. یعنی در واقع اگر به حقیقت به ماهر رسیده باشد دو ثواب برده است و اگر به حقیقت به ماهر فی الواقع نرسیده باشد در آن صورت فقط یک ثواب برده است و عندالعقلا او نزد پروردگار مأجور است. می‌گوییم اولاً این مشکل جامعه بشری را حل نمی‌کند زیرا انسانها بر اساس همین باورهایی که این چنین بدست می‌آورند و علما و رهبران با چنین اجتهاد هایی که می‌کنند، با یکدیگر نزاع می‌کنند و حتی یکدیگر را می‌کشند. ثانیاً □ این تحقیق از کجا معلوم که صادقانه و عاقلانه بوده است. زیرا تحقیقات فرد وابسته به سوابق و پیش داشته‌ها و شرایط و محیط اوست و این هم فقط روز قیامت معلوم می‌شود که چه کسی صادقانه و درست تحقیق کرده است و چه کسی نادرست منافقانه تفحص نموده است. ضمن اینکه بالاخره دیگری او را متهم به نادرستی و بی‌صدافتی در تحقیق نموده و نتایج او را رد می‌کنند در نتیجه ناظر خارجی مشکلش حل نمی‌شود.

۲۸- شاید کسی از میان آن جمع بگوید که شما باید اول صادقانه تسلیم حقی که من می‌گویم و من معرفی می‌کنم بشوید و به آن صادقانه عمل کنید، آنگاه در اثر این تسلیم و عمل، بحرورزمان حقی که من می‌گویم و معرفی می‌کنم ترا مؤمن می‌گرداند و تو براه راست، خود بخود هدایت می‌شوی. می‌گوییم من چگونه این تسلیم را در خود به وجود آورم در حالی که اولاً اماره‌ای بر این تسلیم از طرف شما ارائه نمی‌شود ثانیاً اگر دیگران هم چنین تسلیمی را از من خواستند من به آنها چه جوابی بدهم. البته این را می‌پذیرم که انسان برای قبول یک بیانی به عنوان حقیقت و راه راست ابتدا در وجود او و قلب او بنا به شرایط و دلایل و عواملی، میلی و گرایش به آن بیان پیدا می‌شود سپس با شنیدن دلایل هم به سادگی به آن باور و اعتقاد کشانده می‌شود. مثلاً نفرت از کسی یا چیزی و بر عکس حب به کسی یا چیزی تحت هر شرایطی که ایجاد شده باشد بسیار در انکار باورهای آن شخص منفور و یا قبول باورهای آن شخص محبوب اثر می‌گذارد. لیکن این تسلیمها ممکن است از راه و روشهای غلط حاصل آید، که در آن صورت اعتباری برای گرایش به حق ندارند و ممکن است از راه و روشهای درست بدست آیند، که در آن صورت می‌تواند مرجعی برای میل و حصول به حق و هدایت به راه راست به حساب آید. اما مشکل آن است که تسلیم از راه و روش درست کدام است و چگونه باید حاصل شود؟

تسلیم و قبول انسان به یک دین و مکتب و مسلک به عنوان حق و صراط مستقیم می‌تواند بنا به یکی از علل و عوامل زیر و یا ترکیبی از آنها حاصل شود.

۱- از روی نیاز (نیاز مادی، نیاز فکری، نیاز روانی)

۲- از روی عشق و علاقه و محبت

۳- از روی ترس و وحشت و نفرت

۴- از روی قدرت و حکومت و عظمت

۵- از روی اعجاز و معجزه

۶- از روی عقل و دلیل و برهان

۷- از روی مکر و فریب

۸- از روی جو سازی و تبلیغات و جو عمومی اجتماعی که ممکن است دروغین یا راستین باشد.

۹- از روی نفاق که تسلیمی ظاهری و فریبکارانه خواهد بود.

۱۰- از روی سوابق و شرایط و زمینه‌های قبلی و ارث و میراث بردن از گذشتگان

و علل و عوامل دیگر که در مجموع همه آنها به عنوان علل و عواملی درست و منطقی برای تسلیم و پذیرش به یک بیان و اعتقاد، به نام حق کفایت نمی‌کند.

بنابراین هر تسلیمی، تسلیمی عاقلانه و منطقی نیست. تسلیمی مورد قبول است که از راه و روش درستی برای ذهن و قلب انسان حاصل شده باشد.

تسلیم انسانها به انواع باورها و اعتقادات و ارزشها معمولا بنابه یکی از علل و عوامل و روشهای نادرست بدست آمده است. اگرچه ممکن است اتفاق □ تسلیمی به حق و راه راست هم از راه و روشی نادرست بدست آمده باشد و بعدها شخص را به درستی در راه راست قرار داده باشد. لیکن قبل از آن روش‌هایی توصیه می‌شود که تسلیم از آن روشها هم، خود تسلیمی درست و عاقلانه به حساب آید. مانند تسلیم از روی عقل و دلیل و برهان که بسیار کم حاصل می‌شود و یا تسلیم از روی اعجاز و معجزه که اکثر پیروان انبیاء در زمان همان انبیاء به چنین روشی تسلیم آنها می‌شدند و این هم تسلیمی به روشی درست بوده است.

استفاده از روشهای دیگر در تسلیم مردم به یک بیان به عنوان حق و راه راست غیر از اعجاز و برهان، تنها توسط خود پروردگار به صورت مستقیم و نیز انبیاء او مجاز است. یعنی برای کسانی که بر باور و اعتقاد خود، یقین‌عینی داشتند، اعمال این روشها مجاز می‌باشد. این روشها امروز برای کسی جایز نیست زیرا فعل آنها مستند به حکم مستقیم پروردگار مبنی بر وحی به خود آنها نیست و کسی نمی‌تواند این رفتار را با استناد به آیه و حدیثی از کتاب و سنت بپذیرد و تعمیم جهانی بدهد. ایمان و اعتقاد خود آنها هم به کتاب و سنت لااقل امروز مبتنی بر یکی از روشهای دیگر غیر از اعجاز بوده است و تا زمانی که حجت او برای دیگران به وضوح ثابت و روشن نشود، حجیتی برای آنها ندارد.

۲۹- ممکن است کسی از آن میان بگوید فعلا مسئله و مشکل ما در کشور و یا در جهان این نیست که بدانیم باورها و اعتقادات درست و حق کدام است و چیست؟ مشکل مردم در حال حاضر عدم امنیت و رفاه، و بیکاری و تورم است لذا باید هر چه سریع‌تر به اینها پرداخت. بعدها در صورت لزوم به شناخت حق و باطل هم خواهیم پرداخت.

در جواب می‌گوئیم اولاً مسائل و مشکلات فوری و فوتی و جدی جامعه و مردم در حداقل ضروریات حیا‌دنیایی ناقض جستجوگری و معرفت به باورها و اعتقادات، ارزشها و رفتارهای حق و درست نیست. زیرا اگر بارسیدگی به مسائل و مشکلات اضطراری کشور و جهان از سعادت ابدی محروم شدیم، در آن صورت رفع این مسائل و مشکلات بر فرض امکان، چه سود خواهد داشت. ثانی □ هیچ مزاحمتی در این کار دوگانه نیست که هم می‌توان به اصلاح و بهبود اضطراری و فوری وضعیت کشور و جهان و مردم از حیث امنیت و رفاه نسبی رسیدگی نمود و هم همزمان به مسائل اعتقادی و ارزشی صحیح توجه نمود. منتهی این نیاز به راه کار و برنامه ریزی وسازماندهی اصولی دارد، به گونه‌ای که به هر کدام به تناسب و ضرورت توجه و رسیدگی شود تا حق مطلب را در هر دور محور رعایت کرده باشیم. ثالث □ رسیدگی به مسائل و مشکلات اضطراری کشور و جهان و مردم هم باز مبتنی بر یک سری اعتقادات و ارزش‌هایی است که هم اکنون بر آنها باور داریم و چه بسا که با غلط بودن و باطل بودن آنها، به این مسائل و مشکلات هم به گونه نادرست و غلط رسیدگی شود و در آن صورت نه تنها مسئله و مشکلی راحل نکرده‌ایم، بلکه بر حجم مسائل و مشکلات کشور و جهان و مردم افزوده‌ایم. پس ضمن قبول ضرورت رسیدگی فوری به مسائل و مشکلات اضطراری و جاری کشور و جامعه بشری، همزمان لازم است به این مسئله اساسی انسان هم توجه کافی بشود. از آن گذشته همه کشورها و همه مردم جهان دارای مسائل و مشکلات اضطراری و فوری امنیتی و رفاهی نیستند. لذا تحقیق و جستجوگری حق و راه راست برای آنها بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند و بهتر می‌توانند به این امر بپردازند. لذا بهتر است این امر را بیشتر در میان آنها پیگیری نمود. پس بالاخره چه باید کرد؟ و راه کار درست و جامع و منطقی در شناخت و معرفت حق و راه راست در چیست؟ و چگونه می‌توان جلوی زورگویی‌ها، ظلمها و تجاوزها، فریبها و نیرنگها و جوسازی‌ها و تبلیغات دروغین را گرفت تا بتوان به درستی، حق و صراط مستقیم را شناخت و پیروی نمود. به نظر می‌رسد راه تحقیق عمومی عقلی و منطقی عملاً غیرممکن است و آنقدر فضا و شرایط درونی و محیطی انسان‌ها و جامعه سخت و پیچیده و تنگ است که عبور از میان این همه پیچ و خم عقل و منطق و علم و اطلاعات، جو و محیط، فضا و شرایط، اولاً واقع □ کاری سخت و دشوار است. و معلوم نیست همه محققان به یک‌گونه از این میان عبور کنند و پس از عبور به یک نتیجه واحد هرچند خیلی کلی هم برسند.

۳۰- پس چه باید کرد؟ و چگونه باید حق و راه راست را شناخت و بدان عمل کرد؟ آیا نباید در این شرایط دشوار بگوئیم حالا که نمی‌شود حق را شناخت، پس آن را رها کنیم و کاری به این کارها نداشته باشیم و بر همین حال و هوایی که هستیم بمانیم و برویم. می‌گوییم اولاً خود این نتیجه هم بیان یک

حداقل از راه راست و حق است که بخود توصیه می‌کنیم و لذا لازم است درستی و نادرستی آن نقد و بررسی شود. می‌گوئیم پس چاره‌ای نیست و باید کاری کرد. اما چه کاری و از کجا؟

آیا تکلیف ما این نیست که بر همین حال و هوا برویم تا حق خود با ما ارتباط برقرار کند و مانند اقوام گذشته، پیامبری یا پیامبرانی را برای هدایت ما به راه راست بفرستد. وقتی کار تحقیق و شناخت حق این همه مشکل و سخت می‌شود پس اصلاً به ما چه؟ بر ما دیگر تکلیفی نیست؟ پروردگار به عنوان حق مطلق خود با ما ارتباط برقرار کند و یا لااقل پیامبری را برای ما با معجزاتی بفرستد تا بلکه مشکل تا حدود زیادی آنهم در شرایط امروزی حل شود. بر ما هم که وحی نشده به هدایت مردم پردازیم و فعلاً هم کسی ادعای پیامبری نکرده، پس آرام بنشینیم و بر حجم مشکلات و تنشهای جامعه نیفزاییم .

آیا این برداشت واقع □ ما را از این جستجوگری و تحقیق می‌تواند باز دارد؟ آیا واقع □ بهترین راه شناخت حق این نیست که خود حق با انسان رابطه برقرار کند و خود را معرفی نماید که ما را از این همه سرگردانی و حق تراشی و راه راست سازی خودمان نجات دهد. در این صورت این حق آیا فقط پروردگار یا آن امر غیبی نخواهد بود که لازم داشته باشد چنین ارتباطی را برقرار کند .

بی‌خدایی که نیاز به ارتباط با عالم غیب ندارد. اگر عالم و انسان، خالق و مالک و ربی دارد لازم است با ما ارتباط برقرار کند و اگر ندارد که دیگر فرقی نمی‌کند ما چه کار می‌کنیم و یا چه کار نمی‌کنیم. و اگر دارد و ما را به حال خود رها کرده است و تکلیفی بر ما بار نکرده است باز هم فرقی نمی‌کند که ما چه می‌کنیم و چه نمی‌کنیم.

انسان که خود بخشی از این خلقت است نمی‌تواند به شناخت حقیقت خود و عالم و خالق و مالک و رب پردازد و سر از واقعیت و حقیقت امور عالم و انسان در آورد. باید آن حقیقت مطلق خود با انسان رابطه برقرار کند و در حد ظرفیت عقلی و تجربی او، خویش را و حقایق عالم و آدم و آخرت را به او معرفی نماید و او را به راه راست هدایت کند و انسان، عقل فردی و گروهی خودش را در راهی که او می‌فرماید بکار بندد. این کاری است که پروردگار بنا بر نقل تاریخ و قرآن در گذشته بارها انجام داده است و هر بار مجدد □ جهل و غرور و استکبار و هوی و هوس بر آن طغیان نموده و کار را به شرایطی مثل شرایط امروز تبدیل کرده است. با این تفاوت که امروز بشر بسیار پیچیده‌تر و از دانش و ابزار و منابع و روشهای بسیار غنی‌تر برخوردار گردیده است.

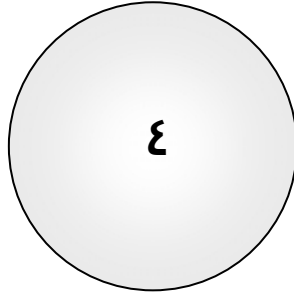
از این پرسشها و پاسخها و از این راه کارها و راه حل‌ها بسیار است. اما اینکه بالاخره چه باید کرد و چگونه باید حرکت کرد که مطمئن بود و به نتیجه رسید، معلوم نیست. اگرچه این سخن را هر مؤمن به هر دین و مذهب و مکتب و نظریه و راه و روشی ممکن است نفی کند، و بگوید نه این چنین نیست ما راه حل را یافته‌ایم و بر آن رفته‌ایم و مطمئن هم هستیم به نتیجه درست در نظر و عمل رسیده‌ایم.

می‌گوییم مگر می‌شود این ادعا را هزاران دین و مذهب و اعتقاد و نظریه و مکتب در جهان بکنند و لی سخنانشان این همه با هم تفاوت داشته باشد.

پس یا همه اشتباه می‌کنند مطلقاً، یا همه درست می‌گویند مطلقاً، یا بعضی راست می‌گویند و بعضی باطل یا همه، مقداری راست می‌گویند و مقداری باطل می‌پرورانند .

به هر حال هر کدام باشد می‌خواهیم بدانیم کدام است؟ و در آن کدام، چه کسی یا چه کسانی حق و صراط‌مستقیم را درست‌تر و جامع‌تر می‌گویند؟ و اگر کسی امروز در عالم راه راست و حق را، درست و جامع نمی‌گوید بالاخره خود می‌خواهیم بدانیم که چگونه می‌توان به حق رسید و صراط مستقیم واقعاً چیست؟ و این شاید اولین حقی باشد که باید به آن قایل باشیم. حق و صراط مستقیم هر چه می‌خواهد، باشد.

حتی اگر این حق را هم برای خود و دیگران قایل نباشیم، بالاخره وقتی حق، خود با ما ارتباط برقرار کرد و خود را، بطریقی به ما نشان داد، در آن صورت ما چاره‌ای جز تسلیم نداریم. و اگر در برابر آن حق آشکار، طغیان و سرکشی نمودیم در آن صورت راهی جز مجازات برای ما باقی نخواهد ماند. چه کسی لایق‌تر از خود آن حق مطلق و حقیقی برای هدایت ما براه راست و چه کسی محق‌تر از خود آن مالک الملک برای جزای ما بطغیان و سرکشی، خواهد بود، اگر به حجت قاطع و آشکار ما را هدایت نمود و ما از روی غرور و استکبار، بر کلام و رسول او پشت کرده و به او کفر و شرک بورزیم. می‌ماند اثبات این مطلب که این ارتباط و هدایت قاطع و آشکار از طرف آن‌یگانه پروردگار حق، انجام پذیرفته است یا نه؟ و اگر انجام پذیرفته است، چگونه و کجا و با چه کسی و در چه زمانی و به چه وسیله‌ای؟ و آیا در این زمان و مکان حجت بر ما و همه مردم روی زمین تمام شده است یا نه؟



در بیان راه کار اساسی

و مسائل و مشکلات آن

۱- راه کار اعجاز انبیاء

حال بیاییم برای درک بهتر موضوع و یافتن راه حلی جامع و منطقی، این سناریو فرضی را کمی تغییر بدهیم. فرض کنیم موسی علیه السلام پیامبر الهی در این زمان می‌بود و او هم به عنوان یکی از واضعان و صاحبان دین خاصی نه لزوماً دین یهود فعلی، در کنار سایر صاحبان و رهبران ادیان و مذاهب و مکاتب موجود دنیا در این نمایش و سناریو قرار می‌گرفت و آن ناظر بیطرف از موسی (علیه السلام) هم چون سایر صاحبان و رهبران ادیان و مذاهب و مکاتب موجود بشری می‌پرسید که ای موسی شما چه می‌فرمائید؟ موسی (علیه السلام) در جواب، باورها و اعتقادات خود را درباره خالق و مخلوق، عالم و انسان و نقش و تکلیف انسان در این عالم می‌فرمود و در نهایت می‌گفت من هم فرستاده آن پروردگار و خالق هستی برای هدایت شما به راه راست هستم.

سپس می‌پرسیدیم یا موسی دلیل شما بر صحت این مدعاها چیست؟ موسی (علیه السلام) بجای استدلال برای جستجوگر معمولی چون ما، بویژه در آن محیط و مجلسی که همه سران و رهبران ادیان و مذاهب و احزاب و مکاتب حضور دارند، بلافاصله عصای خود را به نشانه اعجاز بر زمین می‌افکند و آن عصا مار و اژدهایی می‌شد و همه ناظران و از جمله ما را دچار بهت و تعجب می‌نمود و می‌فرمود من به این دلیل که معجزه من است راست می‌گویم و شما اگر باور ندارید کاری چون کار من نکنید. و دلیلی چون دلیل من بیاورید. آنگاه خواهیم دید که همه آن بزرگان و رهبران در برابر این حجت موسی علیه السلام مغلوب می‌شوند و نمی‌توانند آنرا انکار کنند.

اگرچه در طول تاریخ همواره توسط فرعونیان زمان، معجزات انبیاء انکار شده است ولی در این جمع فرضی ناظران از علما و مردم، تماشاگر آنها هستند و انکار آنها بر معجزه موسی علیه السلام اثری بر پذیرش بیانات او نزد مردم نخواهد داشت و علما و مردم صادقانه به موسی (علیه السلام) و رب او ایمان می‌آورند.

در واقع موسی علیه السلام متوسل به دلیلی می‌شود که اولاً معجزه است یعنی امر خارق العاده‌ای است که دیگران از عهده انجام و تکرار و آوردن مشابه آن عاجزند. ثانیاً دلیلی است که با دلیل دیگران متفاوت بوده و نیاز به بحث و جدل و تفحص ندارد. ثالثاً به وسیله آن نسبت به همه مردم احتجاج می‌شود و برای همه قابل فهم و درک است به عبارت دیگر دلایل دیگران را می‌شود رد کرد و یا دلیل مشابه آورد و با دلیل مشابه آنرا رد نمود، اما دلیل معجزه، هم در زمان خودش قابل مشابه آوردن نیست و هم قابل رد و انکار نیست. ناظر فرضی و بی طرف با دیدن چنین وضعی به راحتی می‌تواند تسلیم باورها و ارزشها و احکام دین موسی (علیه السلام) شود. او می‌تواند در این زمینه تأمل نماید. لیکن موسی (علیه السلام) فرستاده پروردگاری است که مستقیماً از طریق او با مردم ارتباط برقرار کرده است و این

ارتباط نیازی به تحقیق و تفحص ندارد. و بهترین حالت و راه رسیدن و شناخت حق آن است که خود حق و حقیقت مستقیماً با انسان تماس گیرد و این کار موسی (علیه السلام)، کاری از این نوع می باشد. پس از تسلیم ناظر فرضی و بیطرف و سایر مردم و تصدیق و ایمان آنان به حقانیت رسالت موسی (علیه السلام) از طرف پروردگار و پذیرفتن حقانیت وجود و قدرت پروردگار، حال موسی علیه السلام به هدایت مردم تسلیم شده به راه راست پرداخته و هر چه می گوید، مردم به عنوان کلام حق از او می پذیرند. چنین تسلیمی و اعتمادی و تبعیتی، از روی دلیلی است که قاطعانه، صادقانه و سریع و آسان، سحره و علما و مردم را به تصدیق و ایمان می رساند، هر چند فرعونیان و مستکبران بر آن طغیان و سرکشی نمایند. و هر چند جاهلان و هوسبازان از تسلیم دوباره پشت کرده و گمراه شوند.

حال کسی یا کسانی می گویند خوب این فرض خوبی و درستی است. لیکن اکنون که ما در زمان موسی نیستیم و یا موسی در زمان ما نیست. امروز هم کسی در عالم ادعای پیامبری و اعجاز ندارد. همچنین ادعای به اینکه موسی در زمان خودش، معجزه کرده است در زمان ما قابل انکار است. زیرا برای ما فقط یک نقل تاریخی است که نهایتاً باید صحت و سقم آن را تحقیق و بررسی کنیم. پس چه باید کرد و این فرض عملی و معقولی نیست.

می گوئیم بله این چنین است که شما می فرمائید ولی بالاخره چنین ادعاهایی در تاریخ بشریت شده است و اولین کار ما این است که تکلیف خود را با این ادعاها روشن کنیم و این نیاز به تحقیقات دامنه دار تاریخی در زمینه اقوال و آثار آنان دارد که باید در جای خودش انجام شود.

اما از آن گذشته، امروز بر روی زمین سندی و کتابی وجود دارد بنام قرآن که هم از بیرون ادعاهایی بر اعجاز و حیانی بودن و عدم تحریف آن می رود و هم خود این کتاب در متن، چنین ادعاهایی را می نماید بنابراین به نظر می رسد لااقل و ابتدا باید تکلیف خود را با این کتاب و ادعاهایش روشن کنیم. ما با هر دین و مذهبی و با هر مکتب و اعتقادی می توانیم صرف نظر از ادعاهای معتقدان و پیروان این کتاب و صرف نظر از درستی و نادرستی اصل کتاب، به بررسی ادعاهای آن، با استفاده از خود آن پردازیم.

تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی موجود، هیچ کدام نه خودشان و نه معتقدان و پیروانشان چنین ادعاهایی ندارند ولی قرآن هم خودش و هم معتقدان و پیروانش ادعاهایی مبنی بر اعجاز و حیانی بودن و عدم تحریف آن دارند. لذا بسیار ساده تر و عملی تر خواهد بود که ابتدا به سراغ این کتاب رفته و تکلیف ادعاهای اساسی و مهم آنرا را روشن نمود.

خود قرآن مستقیماً، نه به واسطه مدعی، اولاً ادعای اعجاز می کند و به آوردن مثل آن با همه انسانهای روی زمین تحدی می جوید. ثانیاً ادعای کلام الهی بودن دارد و با آن اعجاز و تحدی می خواهد نشان دهد که این ادعا درست است و این کتاب کلام وحی الهی است که بر پیامبر اسلام محمد مصطفی

(صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است. ثالثاً ادعای سلامت از هر گونه تحریف در طول تاریخ نموده است. رابعاً پس از تسلیم مردمان به خود از طریق اعجاز، ادعای هدایت به صراط مستقیم دارد و برای این امر هم خود مستقیماً اصول و فروع راه راست را در نظر و عمل بیان می‌فرماید. و هم در آن مردم را به پیروی از خود و پیروی از سنت و رفتار رسول الله دعوت و امر می‌فرماید. این کلام به گونه‌ای است که هم موسی است و هم عصای موسی است. زیرا هم مانند موسی بیان راه راست و حق می‌نماید و هم خود مستقیماً ادعای اعجاز دارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که لااقل امروز ادعای ارتباط مستقیم حق با بشر و ادعای ارسال انبیاء برای هدایت انسان به راه راست از طریق قرآن مطرح است. پس لازم است که ابتدا به این ادعا بپردازیم و درستی یا نادرستی آن را برای خود و مردم دنیا به ویژه مسلمین روشن کنیم. اگر ما اعجاز قرآن را بتوانیم درک کنیم و بپذیریم در آن صورت خود بخود کلام وحی بودن آن با ثبات رسیده‌است و در نتیجه خود بخود صحت همه محتوای آن را تأیید کرده‌ایم. به عبارتی دیگر با اثبات و قبول اعجاز قرآن هم معجزه داریم و هم هدایت کننده به راه راست داریم و این برای کل جامعه بشری کفایت می‌کند.

این بار ممکن است کسانی بگویند اولاً این ادعای اعجاز قرآن برای اثبات کلام وحی بودن آن، امری به وضوح قابل درک همچون عصای موسی برای مردم و دانشمندان جهان نیست. ثانیاً عدم تحریف قرآن از طرف خود صاحبان و پیروان قرآن نفی شده است و آنها را معتقد به انواعی از تحریف در قرآن با شدت و ضعف‌هایی نموده است. اگرچه اکثریت علمای اسلام تحریف را در هر شکلی از آن نفی می‌کنند، لیکن همین اختلاف هر چند ناچیز موجب آن می‌شود که ما درباره تحریف و اصالت قرآن تحقیق کنیم. ضمن اینکه در اصل کلام وحی بودن آن و نزول آن بر پیامبر اسلام با عدم اثبات اعجاز آشکار آن می‌توان خدشه وارد کرده و آنرا انکار نمود یا حداقل آنرا تحقیق نمود. در نتیجه اصل رسالت پیامبر اسلام نیز خود قابل انکار و تحقیق خواهد بود.

هم چنین بیانات قرآن از باورها درباره عالم و آدم و احکام عملی آن، همه قابل خدشه و تحقیق می‌باشند. لذا همه این موارد باید همچون سایر ادیان و مذاهب و مکاتب مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و نسبت به درستی و نادرستی آنها قضاوت شود .

درک اعجاز قرآن به صورت شخصی و درونی هم، فقط برای خود فرد حجت است و برای دیگران حجت نخواهد داشت.

از آن گذشته خود کسانی هم که به اصالت قرآن و اعجاز و وحیانی بودن و عدم تحریف آن معتقد هستند با یکدیگر در اختلاف و نزاع شدید هستند و یکدیگر را به شدت نفی و انکار می‌کنند و اگر این کتاب برای هدایت به راه راست آنان کفایت می‌کرد پس چرا این همه اختلاف در میان خود مسلمانان و علمای آنان بروز کرده است .

هم چنین مسلمانان در عمل چه در امور فردی و چه در امور اجتماعی، در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی بجز مواردی محدود و معدود که آنهم در بین خود آنها محل اختلاف است، از نتایج مطلوبی برخوردار نبوده‌اند و به عبارتی آن طور که ادعا می‌کنند و انتظار می‌رود و یا لااقل در قرآن آمده است در پیاده سازی و عمل به اسلام چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی خیلی موفق نبوده‌اند. و به ویژه امروز در دنیا ملاحظه می‌کنیم که اختلاف و نزاع از یک طرف و جنبه‌های عملی و کاربردی اسلام در میان مسلمین از طرف دیگر، جای شک و شبهه را در اصل صحت اسلام به عنوان یک دین الهی باز می‌کند. امروز مسلمانان (و تا حدود زیادی در گذشته) در وضعیت و عملکرد مطلوبی حتی بنا بر نظریه‌های خودشان، بسر نمی‌برند. تعریف مطلوبیت هم نزد آنان متفاوت است و هر کدام نیز ادعاهایی دارند.

در جواب می‌گوئیم اولاً اعجاز قرآن و تحدی قرآن به آوردن مثل این کتاب به مردم جهان، اگر به وضوح اثبات نشده باشد لااقل به وضوح هم نفی و انکار نشده است.

ثانیاً به طور جدی هم کسی در جهت نفی این ادعا عمل نکرده است. یعنی کسی در جهان مدعی نشده و یا حتی تلاش بر این نکرده که کتابی مانند قرآن بیاورد و اساساً کسی در این موضوع خیلی کار نکرده که این ادعای قرآن در مثل آن آوردن یعنی چه؟ در حالی که ادعای بسیار مهمی است.

ثالثاً متأسفانه علمای اسلام با ظرفیت محدودی که از نظر علمی و فنی در طول تاریخ داشته‌اند بر روی این موضوع یعنی اعجاز قرآن به صورت مبسوط و در ابعاد و وجوه مختلف آن کار نکرده‌اند. در نتیجه این امر بسیار مهم قرآن، همچنان در پس پرده ابهام باقی مانده است. بجز مواردی محدود که آنهم بیشتر در بعد اعجاز بیانی قرآن بوده‌کار چندانی در این زمینه در گذشته صورت نگرفته است. اعجاز بیانی هم، اعجازی نیست که برای مسلمانان غیر عرب قابل درک باشد.

البته اخیراً کارهایی در اثبات آشکار و همه فهم اعجاز قرآن، به ویژه در بعد اعجاز ریاضی و آماری و عددی قرآن صورت گرفته است که قابل توجه و تحقیق است، لیکن کافی نیست و هنوز آن طوری که باید و شاید مسئله راحل نمی‌کند.

رابعاً اختلاف خود مسلمانان در عدم تحریف قرآن امری است که به قول شما نیاز به تحقیق دارد و به نظر می‌رسد با اثبات اعجاز قرآن خود بخود این امر هم ثابت می‌شود. چه نشانه‌هایی از اعجاز قرآن وجود دارد که ثابت می‌کند قرآن به هیچ وجه و در هیچ نوعی از انواع تحریف، تحریف نشده است.

خامساً وضعیت و عملکرد فعلی مسلمانان و سوابق آنان در طول تاریخ، باز به هیچ وجه نشان دهنده نادرستی و باطل بودن اسلام و قرآن و رسالت محمد (صلی الله علیه وآله و سلم) نیست. بله باید علت و ریشه آنرا یافت. اگر اسلام در عمل با این همه پیروان معتقد و متعصب و علمای مؤمن و مجاهد

نتوانسته باشد عباد صالح وامت واحده اسلامی را بیافریند پس به چه درد می خورد و این قابل تأمل و توجه است. لیکن فی نفسه دلالت بر نفی حقانیت اسلام و قرآن و محمد نمی کند.

سادساً اختلافات میان مسلمانان هم بر پایه باور و قبول به قرآن به عنوان کتاب وحی الهی تحریف نشده و معجزه باقیه و باور و قبول به پیامبر اسلام و سنت او، باز فی نفسه دلالت بر نادرستی اسلام و قرآن و پیامبر نمی کند. بلکه ممکن است این از جهالت و نادانی آنان و غرور و تکبر و مفسده جویی و لجبازی علمای اسلام نسبت به یکدیگر باشد.

ممکن است اساساً اختلافات پس از قرآن و بعد از قرآن، اختلافات مجازی باشد که همواره باید بر اساس کتاب و سنت مورد بحث و بررسی و قضاوت قرار گیرد. شاید نزاعهای موجود میان مسلمین با وحدت کلمه بر سراسول توحید و معاد و کتاب قرآن و رسالت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، نزاعهای بیهوده و باطلی باشد که محکوم و منفور اسلام و قرآن است. و شاید اختلافات علمی باشد که باید موجب رشد اسلام و مسلمین گردد نه تضعیف و تفرقه میان آنان.

از آن گذشته اختلافات مسلمین بویژه اختلافات علمای اسلام در مذاهب مختلف اگر خوب دقت شود ملاحظه می کنیم که اختلافات ناشی از عوامل و علل خارج از قرآن است. و اگر آنها قرآن را مبنای قضاوت و حکم درباره حق و راه راست قرار دهند و دایره اختلاف مجاز و مرز حق و باطل را بر اساس قرآن تعریف کنند چه بسیار از این نزاعها که از بین خواهد رفت و چه بسیار مشکلات مسلمین که حل خواهد شد.

۲- راه کار اساسی حل مسئله و مشکل بزرگ جامعه بشری

پس اگر بخواهیم راهی برای جستجوگری قاطعانه و آسان حق و صراط مستقیم بیابیم به نظر می رسد که بیابیم ابتدا تکلیف خود را با کتاب قرآن و ادعاهایش جدای از مدعیان موجود آن روشن کنیم. این نقطه آغاز حرکت جامع و خوبی خواهد بود که اگر نتیجه بدهد بسیاری از مشکلات ما را در شناخت و معرفت حق و راه راست حل می کند و ما را تا حدود زیادی به راه راست رهنمون می شود. از طریق اثبات اعجاز قرآن و قبول کلام الهی بودن آن و پذیرش عدم تحریف آن، خود این کلام به ما می فرماید که از پروردگار و رسول او اطاعت و پیروی کنیم. باورها و اعتقادات و ارزشهای درست و حق و احکام عملی تکلیفی ما در دنیا، همه از طریق کتاب قرآن و سنت رسول الله که آن نیز حجیت خود را از کتاب قرآن موجود برای ما در این زمان بدست می آورد، روشن شده و معلوم می گردد.

بنابراین با اثبات اعجاز قرآن و عدم تحریف آن به صورت قاطع، تکلیف لااقل جستجوگران خالص و صادق حق و حقیقت روشن می شود و آنان دیگر نیازی به جستجوگری و تحقیق در همه ادیان و مذاهب و مکاتب ندارند.

تحقیق و جستجوگری علمی و عقلی روی همه ادیان و مذاهب، مکاتب و اعتقادات آنهم بدون هیچ مبنای مشترک قبلی، برای انسان کاری مشکل است که بسیار زمان بر است و نتیجه واحدی نمی‌دهد. در طول تاریخ انواع تحقیقات این چنینی انواع نتایج را حاصل نموده است که بعضاً در رد و نقض یکدیگر طرح شده‌اند. این گونه تحقیقات وابستگی شدید به پیش فرضها، شرایط، سوابق، محیط گذشته و زندگی و پرورش محقق دارد و لذا خیلی مورد وثوق و اطمینان نیستند. این سوابق و پیش ذهنها حتی عقل و منطق را هم در چنین تحقیقاتی تحت تأثیر قرارداد و شکل می‌دهند.

ارتباط مستقیم پروردگار با مردم همچون ارتباطی که پروردگار با انبیا در گذشته برقرار نموده است، امروز هم در جهان به هر دلیل رخ نمی‌دهد و کسی هم ادعای آن را ندارد. لذا تنها می‌ماند راه شناخت انبیا و تسلیم به آنها از روی معجزاتشان، مانند آنچه که در طول تاریخ درباره موسی و عیسی علیهماالسلام رخ داده و نقل شده است.

و چون امروز پیامبری حی و حاضر و مورد مشاهده مردم نیست و کسی هم چنین ادعایی ندارد، چاره آن است که به سراغ معجزات آنان برویم و تنها معجزه باقیه از آخرین پیامبر الهی، قرآن است که امروز در دسترس همگان به وفور قرار دارد. این کتاب خود به تنهایی نقش انبیا را دارد یعنی هم به راه راست هدایت می‌کند و حق را بیان می‌دارد و هم معجزه جاودانی است و از طریق اعجازش، مردمان را تسلیم به پروردگار می‌نماید.

و اینها ادعاهای بزرگی است که با بی توجهی یا کم توجهی به آنان، نمی‌توان از کنار آنها گذشت. قبول و رد این ادعاها نیاز به حجج قاطعه و روشن و فراگیر دارد و تا امروز نه کسی به درستی و جامعیت و قاطعیت و وضوح این ادعاهای قرآن را نفی و رد کرده است و نه کسی آنها را به درستی و جامعیت و وضوح اثبات و قبول نموده است. ادعاها و دلایل رد و اثبات موجود، مسئله را با قاطعیت حل نمی‌نماید.

پس باید ابتدا همه حق طلبان و حق جوینان عالم به این ادعاها و به این کتاب توجه کرده و در اندیشه اثبات یا نفی آنها برآیند تا اگر اثبات شد آنگاه ادامه راه بسیار آسان‌تر و عملی‌تر خواهد بود و اگر نفی شد، آنگاه متوسل به روشهای دیگر و تحقیقات دیگر در جستجوگری حق و راه راست بشویم.

قرآن ادعای معجزه باقیه و جاودانی و بیان صراط مستقیم دارد و شاید یک معنای ختم نبوت آن باشد که قرآن به تنهایی تا روز قیامت هر دو نقش اصلی همه انبیا را ایفا می‌نماید یعنی هم معجزه است و معجزه می‌آفریند که همه را به آسان‌ترین وجه تسلیم حق گرداند و هم بیان است و به راه راست هدایت می‌کند تا همه را بی هیچ خوف و حزنی به فلاح و رستگاری برساند. دو کاری که همه انبیا در طول تاریخ برای اقوام خود انجام می‌دادند.

بنابراین در خطاب به همه علما و فیلسوفان، رهبران و حاکمان و مردم جهان و در پاسخ به اینکه چگونه حق و صراط مستقیم را به آسانی و جامعیت بشناسیم، می‌گوئیم، بهترین و آسان‌ترین راه کار و چاره آن است که خودحق با ما رابطه برقرار کند و این کتاب یعنی قرآن، ادعا می‌کند که پروردگار عالم به وسیله آن با کل بشریت در روی زمین ارتباط برقرار کرده است. و اگر هر کسی با آگاهی بر زبان عربی و یا اعتماد به کسی که زبان عربی می‌داند به این کتاب مراجعه کند ملاحظه می‌نماید که این ادعا در این کتاب قابل تصور و تحقق است و لازم است که همه دست به دست هم دهیم و به نقد و بررسی و تحقیق این ادعا پردازیم.

ما انسانها واقعاً به ادعاهای پروردگار در قرآن مجید توجه نکرده‌ایم و از خود نپرسیده‌ایم واقعاً وقتی الله‌رحمن در خطاب به ما می‌فرماید: «و ان كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسوره من مثله و ادعوا عبدهم نازل کرده‌ایم، پس بیاورید سوره‌ای بمانند سوره‌ای از آن و در این کار شاهدان و یاران خود را بغیر از پروردگار صدا کنید، اگر راست می‌گوئید» یعنی چه؟! بخصوص که بعد از آن ما را تهدید می‌کند و در ادامه می‌فرماید «فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار التي و قودها الناس و الحجاره اعدت للكافرين - بقره ۲۴ - پس اگر نتوانستید سوره‌ای بمانند یکی از سوره‌های این کتاب بیاورید، که هرگز هم نمی‌توانید بیاورید، پس بترسید و خود را مراقبت کنید از آتش عذابی که سوخت و هیزم آن همان مردم سرکش و سنگهای سخت هستند و این عذاب و وحشتناک برای کافرین و روگردانندگان از قرآن آماده گردیده است» چنین تهدیدی، بسیار جدی و وحشتناک است. با بی توجهی و یا کم توجهی و سرسری از کنار آن گذشتن، کار بسیار خطرناکی است که هر انسان عاقلی، باید در باره آن لاقلاً احتیاط و تأمل کند.

و یا آنجا که پروردگار در قرآن به همه انسان‌های روی زمین در همه دوران‌ها می‌فرماید:

«یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزله الساعه شی عظیم ایوم ترونها تذهل کل مرضعه عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید ۱ (سوره الحج)

آی مردم بترسید پروردگارتان را، همانا زلزله ساعت قیامت شی عظیمی است ۱ روزی که می‌بینید از ترس و هول آن زلزله، هر زن شیرده، فرزند شیر خواره‌اش را فراموش و رها می‌کند و هر زن آبستنی، بار خود را بر زمین می‌نهد و وضع حمل می‌کند، می‌بینی و گمان می‌کنی که مردم مستند، در حالیکه مست نیستند، عذاب پروردگار سخت و شدید است و آنها از شدت عذاب پروردگار این چنین از خود بیخود گردیده‌اند و بنظر مست می‌رسند ۲ «

واقعاً این چه تهدید بزرگی است؟ یا این کلام و این خطاب نعوذبالله دروغ است و خیال‌پردازی کس یا کسانی است که نشسته‌اند با انگیزه‌ها و اهداف دنیایی این دروغ‌ها و خیالات را بافته‌اند. و یا کلام

و خطاب حقی است که از جانب خالق و مالک آسمان‌ها و زمین به بشر می‌شود و ما باید از آن بترسیم و حساب ببریم، و تسلیم و عبد اوشویم و آنچه را که او می‌فرماید بپذیریم و اطاعت کنیم. نتیجه این کلام و خطاب امر بینابینی نیست که هم بپذیریم و هم نترسیم و عمل نکنیم. این کلام و خطاب بگونه‌ای نیست که کمی درست و حق باشد و کمی نادرست و باطل گردد. یا قطعاً این چنین نیست که خوب برویم دنبال کارمان و بحث و فحص دیگر. و یا قطعاً این چنین است که تمام کارها و بحث و فحص‌های دیگر را رها کنیم و تماماً در خدمت بندگی و عبادت و هدایت او باشیم. کمی بنده و عبد بودن، کمی به اشتغالات دیگر و به خدایان دیگر پرداختن معنی ندارد. قوت این تهدید بسیار فراتر از این توجه و اشتغال ما به خدایان دیگر از قبیل حب نفس، حب دنیا، شهوات و لذات دنیا، پست و مقام، سرگرمی‌ها و بازی‌ها، هواها و هوس‌ها می‌باشد. تمام برخورداری ما از دنیا و تمام تلاش‌های ما در دنیا باید در قالب چنین بندگی و عبادت و اشتغالی که همان خدمت و بندگی و عبادت و اطاعت پرودگانه یگانه کون و مکان است، معنی و مفهوم پیدا کند. این راهی باور و قبول به کل قرآن کریم بعنوان کلام پروردگار در خطاب به انسان و انسانیت و جامع بشری، ندارد. این باور و قبول هم حاصل نمی‌شود مگر آنکه این کلام خود مستقل از هر مدعی خارجی، اعجاز و وحی الهی بودن و دست نخوردگی خود را، بوضوح برای طالبین و جستجوگران و محققان حق و صراط مستقیم بفهمانند و با ثبات رسانند.

اینجاست که پروردگار در همین کتاب می‌فرماید :

«قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا لالاسراء ۸۸ - ای پیامبر بگو به این مردم که اگر همه انسان‌ها و جنیان اجتماع کنند و بخواهند که کتابی به مثل و مانند این قرآن بیاورند نخواهند توانست چنین کاری بکنند حتی اگر بعضی از آنها، بعضی دیگر را یاری و پشتیبانی کنند و هر کدام گوشه‌ای از کار را بگیرند.»

این چه خطابی است؟ و با کیست؟ و معنای آن چیست؟

بیائیم ما انسان‌ها گرد هم آئیم و با کمک و یاری یکدیگر تلاش کنیم که با کتابی مانند این کتاب بیاوریم و این ادعا را باطل کنیم و یا اگر نتوانستیم ببینیم واقعاً صنف و عجز ما در کجاست؟ و اعجاز این کتاب در چیست؟ این کتاب دارای چه مشخصات و ویژگی‌هایی است که انس و جن مجتمعاً از آوردن مثل و مانند آن عاجز و ناتوانند.

اگر واقعاً این چنین است پس دست از جهل و غرور و سرکشی برداریم و تسلیم این کتاب شویم و از آن تبعیت کنیم و آنرا بعنوان کلام الله و هدایت کننده انسان به صراط مستقیم و حق بپذیریم.

متأسفانه دانشمندان و علمای اسلام هم در این زمینه کمتر کار کرده‌اند و از این راه در تبلیغ دین و اسلام آوردن مردم کمتر بهره برده‌اند.

آنچه که در جهان اسلام در طول تاریخ در زمینه اعجاز قرآن و عدم التحریف آن، توسط علمای اسلام کار و تحقیق شده، کفایت امر را بوضوح لاقلاً برای غیر مسلمین نمی کند. این زحمات باضافه کارهای جدیدی که اخیراً در زمینه اعجاز عددی و ریاضی قرآن شده است، نشان از افق‌های روشن در این باره دارد. و این علمای اسلام را برآن می‌دارد که تلاش‌ها و تحقیقات خود را در باره اعجاز قرآن در همه ابعاد وجوه آن بصورت جامع و همه جانبه، سازمان داده و ادامه دهند. باشد که بحول و قوه الهی اعجاز و عدم التحریف قرآن، با قطعیت و وضوح برای همه مردم جهان و از جمله خود مسلمین، ثابت و باور شود.

و یا آنجا که پروردگار در کتاب خود در خطاب به بشریت از طریق خطاب به رسو الله می‌فرماید «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیراً - الاسراء ۸۸ - ای پیامبر بگو به این مردم که اگر همه انسان‌ها و جنیان اجتماع کنند و بخواهند که کتابی به مثل و مانند این قرآن بیاورند نخواهند توانست چنین کاری بکنند حتی اگر بعضی از آنها بعضی دیگر را یاری و پشتیبانی کنند و هر کدام گوشه‌ای از کار را بگیرند» واقعاً یعنی چه؟ مگر در این کتاب چیست و این قرآن دارای چه مشخصات و ویژگی‌هایی است که انس و جن مجتمعاً نخواهند توانست مانند آنرا بیاورند.

واقعاً اگر نمی‌توانیم این چنین کنیم پس تسلیم آن شویم و باورمان شود که این کلام، کلام الله و هدایت کننده انسان به صراط مستقیم و حق است .

عجز ما در آوردن کتاب و سوره‌ای مانند آن در چیست؟ متأسفانه دانشمندان و علمای اسلام هم در این زمینه کمتر کار کرده‌اند و مباحثی را که هم مطرح فرموده‌اند کفایت امر را به وضوح نمی‌نماید. این حداقل کاری است که همه جستجوگران و محققان حق و حقیقت در عالم به ویژه علمای اسلام می‌توانند و باید درباره اعجاز قرآن به انجام برسانند. همه باید تلاش کنیم که وجوه و ابعاد اعجاز قرآن را بشناسیم و بشکافیم و به دیگران معرفی نماییم. متأسفانه علمای اسلام در گذشته کمتر به این موضوع توجه کرده‌اند و مباحثی را هم که مطرح فرموده‌اند کفایت امر را نکرده است.

بنابراین اولین و ضروری‌ترین و درست‌ترین راه و کار در جستجوگری و معرفت حق برای همه علما و مردم جهان این است که ابتدا به سراغ تنها سند باقی مانده از پروردگار بر روی زمین برویم که خود مستقیماً ادعای اعجاز و عدم تحریف دارد و وضع و تکلیف آن را برای خود و بشریت روشن نماییم. اسناد مشابه دیگر همچون تورات و انجیل موجود نه خود چنین ادعاهای مستقیمی دارند و نه پیروان آنها امروز چنین ادعاهایی برای آن دارند. ولی در مورد قرآن، علاوه بر باور پیروانش، خود کتاب نیز مستقیماً چنین ادعاهایی دارد. و این ادعاها تا امروز با قطعیت و وضوح برای مردم جهان باثبات نرسیده است و با قطعیت و وضوح هم رد و انکار نشده است. تا این ادعاها به وضوح اثبات و یا رد نشوند، به

سراغ راه و روشهای دیگر رفتن وقت تلف کردن و نتیجه نگرفتن است. این راه و روشی است که اثبات آن موجب قبول و پذیرش ارتباط مستقیم پروردگار با همه بشریت است. و این کار را در جستجوگری و معرفت حق و صراط مستقیم برای کل بشریت بسیار آسان و عملی می‌نماید.

با تحقیق بر روی اعجاز قرآن و عدم تحریف آن به عنوان نقطه آغاز حرکت و اثبات واضح و آشکار آن، اولاتکلیف بسیاری از ادیان بزرگ الهی با همه مذاهب درویشان و نیز تمام نظریات و مکاتب غیر الهی و ادیان و مذاهب دروغین روشن می‌شود ثانیاً در صورت اثبات آن با قاطعیت تمام، مبنای بسیار قوی و خوبی برای هدایت به راه راست بشر بدست می‌آید. از این جا به بعد اگر کسی قرآن را به عنوان کلام الهی تحریف نشده نپذیرفت باید دید چگونه می‌تواند اعجاز قطعی قرآن را انکار و یا توجیه غیر الهی نماید و باید دید که آیا تعصبا و منافع و غرور و استکبار مانع پذیرش آنها می‌شود یا نه؟ به هر جهت حداقل تکلیف جستجوگران صادق حق و حقیقت، روشن خواهد شد و با این اعجاز حداقل کسانی که مخلصانه به دنبال حق هستند آنها دریافت و تسلیم می‌شوند و آنها باور می‌کنند.

از این جا به بعد تحقیق بر مبنای قرآن معنی و مفهوم پیدا خواهد کرد و قرآن به تنهایی به عنوان سنگ بنای هر سخن حقی و معیار و ملاک قضاوت برای پذیرش هر قول درستی قرار می‌گیرد. حتی می‌توان گفت رسالت محمد و رسالت همه انبیا (سلام الله علیهم اجمعین) از طریق قرآن برای ما و همه مردم جهان حجیت پیدا می‌کند. پیروی از سنت محمد (صلی الله علیه وآله و سلم) از طریق قرآن حجیت پیدا می‌کند، اعتبار عقل از طریق قرآن حجیت پیدا می‌کند و در نهایت هر هست و نیستی و هر باید و نبایندی حجیت خود را از طریق قرآن بدست می‌آورد.

اساساً می‌توان گفت کار عقل براساس قرآن و بعد از قرآن معنی و مفهوم پیدا می‌کند و ملاک و معیار خود را از قرآن بدست می‌آورد. اینها همه آراء و نظراتی است که در پی اثبات اعجاز قرآن و نمود آن به وضوح برای همه جهانیان، قابل بحث و بررسی خواهد بود.

پس باید بطور همزمان ابتدا سه حکم زیر را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

۱- قرآن معجزه باقیه الهیه است.

۲- قرآن کلام وحی الهی است.

۳- قرآن تحریف نشده است.

این کاری است که میسرتر و عملی‌تر است. و همه از هر دین و مذهب و مکتبی می‌توانند در کار تحقیق آن شرکت نمایند و برای همه قابل بیان و اثبات است. نیازی نیست که در این کار فقط به بعضی اعتماد کرد هر کس می‌تواند خود مستقیماً در این امر خطیر وارد شود اگر نتیجه مثبت داد، تکلیف باقی ادیان و مذاهب و مکاتب جهان روشن می‌شود. می‌ماند اسلام و مذاهب داخلی آن، که باید بر اساس قرآن به تحقیقات در آنها ادامه داد. و اگر نتیجه منفی بود در آن صورت حداقل تکلیف قرآن و اسلام و مذاهب

داخلی آن یکسره می‌شود. آنگاه می‌توانیم تحقیقات را در سایر ادیان و مذاهب و مکاتب ادامه دهیم. و اگر نتیجه‌ای حاصل نشد که بسیار بعید است و نتوانستیم اعجازو یا عدم اعجاز قرآن را بدرستی و وضوح رد و یا اثبات کنیم، در آن صورت اسلام هم می‌شود دینی مانند سایر ادیان که باید در باره آن هم مانند بقیه بحث و بررسی کنیم.

تحقیق در باره اعجاز قرآن باید هر چه ممکن است تحقیقی جامع و همه جانبه و به صورت سازمان یافته و بامدلورژی‌ها و تکنولوژی‌ها و ابزارهای پیشرفته امروزی در علوم مختلف به انجام رسد. قرآن به حقیقت از موضع و مقام پروردگاری سخن می‌گوید که خالق و مالک و رب آسمانها و زمین است. باکمترین آشنایی به زبان عربی این حالت و لحن خطاب کلام حق به وضوح فهمیده می‌شود. هیچ انسانی نمی‌تواند چنین سخنانی را از پیش خود به صورت فرضی و خیالی از این موضع و مقام بیان کند. فرض و خیال زمانی متصور و ممکن است که موضع و مقام ربوبیت و قدسیت و علم و قدرت و عزت و حکمت و لطف و رحمت و غضب پروردگار قابل درک و تصور و شناسایی و شبیه سازی باشد. لذا هر انسانی در هر مقامی که باشد حتی خود انبیا هم قادر به چنین بیانی با چنین لحن و خطابی نیستند. زیرا آنها اساساً نمی‌توانند در چنان موضع و مقامی که پروردگار قرار دارد قرار گیرند. درک موضع و مقام آفرینندگی آسمانها و زمین زمانی برای کسی مقدور و عملی است که لااقل ستاره‌ای چون خورشید آفریده باشد و بتوان آنرا دست کم تا حدی تجربه کرد و چنین تجربه‌ای اساساً برای انسان مقدور نیست. و این از رموز اساسی عجز بشر در آوردن کتابی مانند قرآن است.

پروردگاری که از موضع ربوبیت در پاسخ به درخواست «اهدنا الصراط المستقیم» ما می‌فرماید: « ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین (بقره ۲-) این کتاب بدون هیچ شک و شبهه‌ای در آن هدایت است برای پرهیزکاران و همه کسانی که نگران شناخت و معرفت و عمل به حق و صراط مستقیم هستند.»

و نیز از موضع ربوبیت و آفرینندگی می‌فرماید:

« یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون » (بقره ۲۱-) ای مردم عبد باشید و عبادت کنید پروردگارتان را، آن پروردگاری که شما را آفرید و کسانی که قبل از شما بودند از پدران و مادران و سایر مردم را نیز آفرید، باشد که باین ترتیب متقی و پرهیزکار شوید و نگران شناخت و معرفت و عمل به حق و راه راست بشوید. و این به حقیقت همه راه راست است که در سراسر این کتاب عظیم الهی آن را شرح می‌دهد و می‌شکافد. و باز در ادامه می‌فرماید:

« الذی جعل لکم الارض فراشا و السماء بناء و انزل من السماء ماء فاخرج من الثمرات رزقا لکم فلاتجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون (بقره - ۲۲) عبادت کنید و عبد باشید آن پروردگاری را که زمین را برای شما فرش و آسمان را برای شما سقف قرار داد و خانه و مأوایی به بزرگی زمین و آسمان برای شما

آفرید و از آسمان برای شما آب و باران نازل کرد و بواسطه آن آب و باران انواع محصولات را برای شما به عنوان رزق و روزی فراهم نمود. پس شما برای الله مثل و مانند و شریک قرار ندهید در حالی که می‌دانید که او مثل و مانند‌ی هم ندارد».

و سپس در ادامه در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره که شرح آن گذشت، اعجاز قرآن را مطرح فرموده و می‌فرماید اگر نتوانستید سوره‌ای بمانند یکی از سوره‌های این قرآن بیاورید و باز آنرا انکار کردید پس خود را آماده کنید برای آن آتش عذابی که برای شما مهیا گردیده است. چنین سخنی را کدام بشر می‌تواند با چنین قاطعیت و قدرت و حکمتی بیان نماید.

اگر نتوانستیم سوره‌ای به مثل سوره‌ای از این کتاب بیاوریم، یعنی چه؟ ضعف ما و عدم توانایی ما در این امر در چیست؟ و چگونه است؟ باید این را فهمید و شکافت. این همان تحدی قرآن و پروردگار به همه کسانی است که به این کلام الهی ایمان نمی‌آورند. و همان کلامی است که به صراحت در آن ادعای اعجاز ابدی قرآن شده است.

۳- ابعاد و وجوه اعجاز قرآن

اعجاز قرآن ابعاد و وجوه متفاوتی دارد که بعضی در گذشته طرح و کار شده است و بعضی جدیداً مطرح گردیده است.

اعجاز بیانی و فصاحت و بلاغت قرآن از مهم‌ترین وجوه اعجاز قرآن است که در گذشته بحثهای فراوانی روی آن شده است لیکن این وجه از اعجاز قرآن برای مردم غیر عرب زبان و حتی برای عوام عرب زبان امروز هم خیلی قابل درک و فهم نیست.

وجه دیگر اعجاز قرآن، اعجاز گذشته‌گویی قرآن است که خیلی کم روی آن کار شده و بطور مستند و عینی و به لحاظ آثار باستانی و تاریخی باقی مانده از اقوام گذشته، خوب کار نشده است. و این وجهی است که کار زیادی می‌طلبد و برای مردم جهان به ویژه علمای مذاهب و مکاتب مختلف قابل درک است. تحقیق در باره این وجه اعجاز قرآن، امروز بسیار هزینه بردار است ولی خود قرآن به این نوع جستجوگری و عبرت‌گیری بسیار سفارش نموده است.

وجه دیگر اعجاز قرآن که اخیراً خیلی مطرح می‌شود و کارهایی هم روی آن شده است اعجاز عددی و آماری و ریاضی قرآن است. کسانی ادعا کرده‌اند که میان آمار و تعداد سور، آیات، کلمات و حتی حروف قرآن در سوره‌ها و بخشهای مختلف قرآن و کل آن و به ویژه در زمینه حروف مقطعه در اوائل بعضی سوره‌ها ارتباطات و اعداد عجیب و غریبی بدست می‌آید که هر شنونده و ملاحظه‌کننده‌ای را تسلیم به قرآن می‌گرداند. و به انسان می‌فهماند که این کلام با این ترکیبات و ارتباطات و اعداد آماری

و ریاضی، نمی تواند کار بشر، حتی در این زمان با این همه سخت افزار و نرم افزار کامپیوتری باشد تا چه رسد به چهارده قرن پیش که این ابزار و تجهیزات و این علما و دانشمندان هم نبوده است.

روابط بین آمار کلمات و حروف با معانی و محتوای آنها و نیز با اموری در خارج از قرآن و در طبیعت روابطی بسیار پیچیده است که در ضمن برقراری و استواری، خدشهای در معنی کلام قرآن ایجاد نموده است. و نرمی و روانی معانی و مفاهیم هم بر سر جای خود باقی مانده است.

به نظر می رسد این وجه اعجاز قرآن جای کار بسیار دارد و با توجه به توسعه سخت افزاری و نرم افزاری امروز بشر در زمینه کامپیوتر، می توان انواع سناریوها و مدل های اعجازی ریاضی، آماری و عددی را طراحی و آزمایش نمود و به نتایج بسیار عجیب تری در این زمینه دست یافت. نتایج حاصل از این روش برای همه مردم که اکثر آنها امروز تحصیل کرده و با سواد هستند بسیار راحت، قابل درک و پذیرش است. لذا به نظر می رسد آن وجهی از اعجاز قرآن که در آینده قاطعانه و واضح برای همه مردم به خوبی و به سادگی قابل قبول و فهم است، همین وجه اعجاز آماری و ریاضی قرآن باشد. این وجه اعجاز قرآن خود میدان وسیعی از کار است که باید برای آن برنامه ریزی و سازماندهی نمود. به نظر می رسد از جوهی که می تواند علاوه بر اعجاز قرآن، عدم تحریف قرآن را هم ثابت کند همین وجه اعجاز آماری و ریاضی است که مدل هایی از آن تاکنون نیز مطرح شده است.

وجه دیگر اعجاز قرآن، اعجاز آینده گویی قرآن از آینده های بسیار دور مانند روز قیامت تا آینده های نزدیک می باشد، که بعضی از آنها در گذشته بعد از نزول قرآن رخ داده است. تحقیق در این موارد هم می تواند به خوبی اعجاز قرآن و کلام الهی بودن آن را برای مردم روشن نماید.

وجه دیگر اعجاز قرآن اعجاز علمی در زمینه بیان حقایق واقعیت های عالم و انسان، آغاز، ضرورت و سرانجام آنها و نیز بعضی پدیده ها و موضوعات طبیعی و انسانی است. تحقیق در این زمینه، می تواند میدان دیگری از جوه اعجاز قرآن را برای جهانیان بویژه دانشمندان بگشاید.

وجوه دیگری از اعجاز قرآن وجود دارد که خود باید در این تحقیق اساسی و همه جانبه مورد شناسایی و تعریف قرار گیرند و برای آنها انواع سناریوها و مدلها طراحی و آزمایش شود تا نتایج مطلوب بدست آید. قرآن دارای عجایب و غرایب بی شماری در زمینه های مختلف است که باید در یک تحقیق جامع درباره آن، به آنها توجه و رسیدگی شود.

پس برای جستجوگری و شناخت و معرفت حق و صراط مستقیم، اولین و اساسی ترین و ضروری ترین قدم آن است که به این کتاب عظیم الهی توجه کرده و با تلاش برای اثبات اعجاز و عدم تحریف آن، آنرا به جهانیان معرفی نمود. باشد که باین ترتیب اساس و پایه قاطع و محکمی برای هدایت به راه راست بشر بدست آید و او را از این همه ضلالت و گمراهی، اختلاف و نزاع نجات داد.

این تکلیفی است بر عهده همه جستجوگران و محققان حق و حقیقت در عالم و به ویژه تکلیفی است بر عهده همه علما و محققان اسلامی در سراسر جهان.

۴- موانع و مشکلات تحقیق در اعجاز قرآن

اما بر سر راه این کار تحقیق و بررسی اساسی و بزرگ، مسائل و مشکلاتی وجود دارد که مانع از اجرای عملی آن می‌گردد و قبل از اقدام به آن می‌بایستی فکری به حال این موانع و مشکلات نمود. به نظر می‌رسد رفع این موانع و مشکلات از وظایف هر جستجوگر حقیقی راه راست، و هر انسان دلسوخته‌ای است که برای شناخت و معرفت‌حق، به نحوی تلاش می‌کند. به ویژه وظیفه هر مسلمان مؤمنی است که خود بر باور اعجاز قرآن است ولی نمی‌تواند آنرا به وضوح و روشنی برای دیگران بیان و اثبات نماید. تلاش در رفع این موانع و مشکلات، می‌تواند زمینه‌ساز فراهم آمدن شرایط مناسب برای انجام این تحقیق جامع و بزرگ گردد.

موانع و مشکلات تحقیق در اعجاز قرآن، مواردی به شرح زیر می‌باشد:

۱- زمان مورد نیاز:

تحقیق و جستجوگری در زمینه اعجاز و عدم تحریف قرآن، خود کار بزرگ و سنگینی است که بطور طبیعی زمان زیادی می‌طلبد. این باعث می‌شود که در حال حاضر لاقلاً تا زمان حصول نتایج، مشکلات جامعه بشری در زمینه اختلافات و نزاعها همچنان باقی باشد و احیاناً همین مشکلات نگذارند که اصل کار به درستی آغاز و انجام شود. به عبارتی دیگر اگر فکری هرچند اضطراری به حال وضع کنونی جامعه بشری به لحاظ اختلافات و نزاعهای ناشی از باورها و ارزشها نشود، ممکن است اصل کار زیر سؤال برود و فرصت و شرایط لازم برای انجام آن فراهم نشود. ضمن اینکه بالاخره در این فاصله زمانی، توجه به حق و راه راست هم در سطح جهانی و هم در سطح مسلمین، بسیار اهمیت داشته و باید مورد توجه قرار گیرد.

در این زمینه باید تدابیر لازم اتخاذ شود تا بتوان همزمان با این کار اساسی و بزرگ، اقداماتی جدی در زمینه هدایت بشر به راه راست و یا حداقل کاهش اختلافات و نزاعها در جوامع بشری، به ویژه در میان مسلمین انجام داد. این امری است شدنی که بعداً به آن پرداخته خواهد شد.

۲- بودجه و منابع مورد نیاز :

به نظر می‌رسد با توجه به برآوردهای اولیه، انجام چنین تحقیقی در انواع وجوه اعجاز قرآن به ویژه وجه گذشته گویی قرآن و عبرت گرفتن از آثار باقی مانده از عذابهای نازله پروردگار بر اقوام طاغی گذشته، نیاز به بودجه فراوانی داشته باشد. این بودجه عظیم به سادگی برای انجام چنین کاری قابل تأمین نیست. لذا باید برای آن راه‌کارهایی اندیشیده شود.

۳- دسترسی به اسناد و منابع

دسترسی به اسناد و منابع تحقیقی و آثار باستانی در کشورهای مختلف و اجازه این کشورها برای اجرای این تحقیقات گسترده، از جمله مسائل و مشکلات مهم این تحقیق بزرگ است. بدون همکاری دولتهای مربوط، این تحقیق با مشکلات جدی روبرو خواهد شد.

۴- سازماندهی و مدیریت کار

سازماندهی و مدیریت کل این طرح عظیم در سطح جهانی با همکاری دانشمندان و کارشناسان مختلف و مورد نیاز از کشورها و سازمانها و مؤسسات گوناگون، خود مشکلاتی را در بر دارد که بدون همکاری دولتهای متبوع آنان، موانعی برای همکاری آنان در این طرح عظیم ایجاد خواهد شد. چنین کار بزرگی به صورت فردی قابل انجام نیست و باید دانشمندان و کارشناسان مختلفی از کشورهای مختلف در آن بکار گرفته شوند. این دانشمندان و کارشناسان می‌بایستی در یک کار گروهی و سازمان یافته و سیستمی با متدولوژی‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته‌ها با هدف و استراتژی مشترک و مشخصی فعالیت نمایند. قطعاً با کار گروهی و سیستمی، کارایی و اثر بخشی بسیار افزایش پیدا می‌کند و با متدولوژی‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته‌اطمینان به درستی نتایج و سرعت و دقت آنها بسیار بالا می‌رود. از سوی دیگر با کار گروهی گسترده توسط دانشمندان و کارشناسان کشورهای مختلف، میزان اعتبار نتایج در سطح جهانی و پذیرش آنها بسیار بیشتر می‌شود.

۵- اجازه انتشار و تبلیغ نتایج در کشورهای جهان

اجازه انتشار و تبلیغ نتایج تحقیقات بدست آمده در سراسر جهان، در کشورهای مختلف برای روشن شدن مردم و تبلیغ قرآن و اعجاز آن در میان آنان، امری است که نیاز به اجازه رسمی دولتها دارد. ممکن است علاوه بر دولتها از درون کشورها محافل و مجامعی با انتشار و تبلیغ نتایج مخالفت کنند.

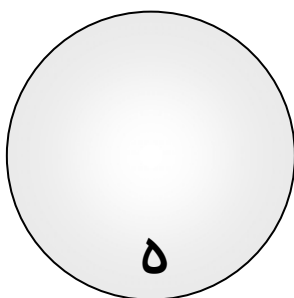
۶- نرم افزارها و سخت افزارهای مورد نیاز

نیاز به ابزار و تجهیزات پیشرفته فنی و سخت‌افزاری و توان بالای علمی و فنی و نرم‌افزاری، از جمله مشکلات این طرح عظیم است که باید به آنها توجه شود.

مسائل و مشکلات دیگری در اجرای این طرح عظیم وجود دارد که باید آنها را شناخت و برای همه آنها راه‌حل‌های مطلوب، طرح ریزی و اجرا نمود.

امروز تا حدودی، اینترنت، توانسته است برخی از این مشکلات را حل نماید. لیکن حل جدی این مسائل و مشکلات نیاز به همکاری و یاری دولتها و علمای کشورهای مختلف دارد.

به نظر می‌رسد می‌توان با اتخاذ تدابیر و ترفندهایی هم این طرح و اقدام بزرگ و اساسی را در سطح جهانی به انجام رساند، تا از طریق آن بخش اعظم مسائل و مشکلات اعتقادی و ارزشی بشر حل شود. و هم به اقدامات و فعالیتهای دیگر به موازات آن پرداخت تا کل کار هدایت به راه راست جامعه بشری از هم اکنون مورد توجه و تاکید جدی قرار گرفته باشد.



طرح جامع شناخت و معرفی و پیاده سازی

صراط مستقیم و نظام مطلوب جهانی

۱- در بیان ضرورت اقدامات جامع و همه جانبه در این رابطه

اقدام در جهت اثبات اعجاز قرآن وعدم تحریف آن امری است ضروری و مهم و اولین و ضروری‌ترین کاری است که باید در سطح جهانی برای حل مسائل و مشکلات بشری در زمینه باورها و ارزشها و اعتقادات نسبت به عالم و انسان، و خالق و مخلوق صورت پذیرد. لیکن همه کار، این اقدام به تنهایی نیست. زیرا کار بر روی اعجاز قرآن امری تمام شدنی نیست و هر زمان می‌توان در این زمینه تحقیقات به عمل آورد. اما با پیش بینی هایی که می‌شود حتی برای حصول نتایج اولیه و مهمی از آن هم، زمان زیادی لازم است

حال سئوالی که مطرح می‌باشد این است که اولاً در طول این فاصله زمانی برای حل مسائل و مشکلات جامعه بشری چه در سطح کل جامعه بشری و چه در سطح اسلام چه باید کرد؟ ثانیاً پس از حصول نتایج اولیه در اثبات قاطع اعجاز قرآن وعدم تحریف آن و یا رد وانکار قاطع آن و یا حاصل نشدن نتیجه‌ای روشن و مقطعی چه باید کرد؟ ضمن اینکه شرایط حاکم بر جهان بگونه‌ای است که ممکن است حتی فرصت لازم برای این امر هم داده نشود.

بنابراین باید در این زمینه کار و برنامه جامعی تعریف شود که همزمان با این اقدام ضروری اولیه و اساسی اقدامات دیگر نیز تعریف و انجام شود.

تا اینجا جستجوگری حق و حقیقت در خطاب به همه مردم جهان بود و برای آن تحقیق و بررسی اساسی اعجاز قرآن و عدم تحریف آن، به عنوان اقدامی اولیه، ضروری و مهم تعریف شد. لیکن هم در خطاب به مردم جهان و هم به ویژه خطاب به مسلمین می‌توان و باید اقدامات دیگری به صورت موازی و همزمان تعریف نمود که با کمک آنها تا حدودی بتوان به صورت اضطراری و عملی اختلافات و نزاعهای بین مردمان جهان و تا حدود زیادی بین مسلمین را برطرف نمود. تا براساس شناخت و معرفت عمومی و مشترک حاصل به تحقیق و تبلیغ و اجرای حق و راه راست پرداخت.

با اجرای این اقدامات بصورت جامع و فراگیر، زمینه و شرایط مناسب هم برای تحقیق در اعجاز قرآن وعدم تحریف آن فراهم می‌آید و هم مقدمات لازم در پذیرش و پیاده سازی صراط مستقیم در میان مردم جهان و بویژه مسلمین آماده می‌گردد.

۲- در بیان موضوعات و محورهای اقدامات جامع و همه جانبه در این زمینه

در مجموع اقدامات جامع و همه جانبه در زمینه شناخت و معرفی و پیاده سازی حق و صراط مستقیم می‌تواند و باید در موضوعات و محورهایی بشرح زیر بطور همزمان باشد.

۱- نقد و بررسی جامع اعجاز و عدم تحریف قرآن

این اقدام و طرح عظیم، به عنوان اولین و مهم ترین اقدام در حل مسئله و مشکل اساسی جامعه بشری یعنی شناخت صراط مستقیم خواهد بود، که در فصل قبل به صورت کلی توضیح داده شد. و همانجا عنوان گردید که لازم است و می توان اقدامات دیگری را همزمان با آن و به صورت موازی با آن، آغاز و به انجام رساند.

در ادامه، اقدامات ممکن و موازی با طرح عظیم و اساسی تحقیق در اعجاز و عدم تحریف قرآن، شرح و توضیح داده می شود.

۲- بحث و گفتگو با همه ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب جهان

بر اساس باورها و اعتقادات موجود می توان به شناخت و بررسی اصول و مرام عمومی و مشترک حق و عدالت مورد قبول همه یا اکثریت مردم جهان پرداخت. پس از آن اقدام به تبلیغ و توسعه و پیاده سازی آنها در میان مردم جهان نمود. مبارزه همه جانبه با مظاهری از ظلم و فساد که مورد قبول همه یا اکثریت مردم جهان است، می تواند مبنای کار واقع شود. محور اساسی و اصولی این اقدام می تواند نوامیس و قوامیس مورد قبول سازمانهای بین المللی از قبیل منشور ملل متحد باشد.

ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب، فرهنگها و تمدنهای موجود در جهان، در جهت کاهش هر چه بیشتر اختلافات و افزایش هر چه بیشتر مشترکات و نزدیکی هر چه بیشتر به یکدیگر در ابعاد مختلف امنیتی و سیاسی، فنی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، به مذاکره و گفتگو می پردازند و سعی می کنند با ترفندها و روشهای مختلف و مسالمت آمیز مسائل و مشکلات جامعه بشری را در زمینه اختلافات و نزاعهای ناشی از باورها و اعتقادات و ارزشها را تا حدودی حل نمایند.

مبارزه با اختلال در نظم و امنیت عمومی جهان، مبارزه با سرقت و مواد مخدر و فحشاء همه از مظاهر مبارزه تعریف شده در این میدان و محور کار است.

از امور مشترک جامعه بشری برای رسیدگی و توجه به آن، مسئله محیط زیست است که همه به آن توجه دارند و برای کل جامعه بشری، دولتها و ملتها بسیار اهمیت دارد. امروز حفاظت و سلامت و بهبود محیط زیست، از دغدغه های مشترک جامعه بین المللی است و می توان بر مبنای آن زمینه های مناسبی برای گفتگوی میان ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب، دولتها و ملتها، تمدنها و فرهنگها، پدید آورد.

این همکاریها و گفتگوها، به ویژه باید با ادیان و مذاهب توحیدی جهان بیشتر صورت پذیرد چرا که با آنها شاید بتوان به اصول و باورهای مشترک بیشتری دست یافت.

پس از شناخت و توافق بر باورها و ارزشهای پایه ای و مشترک و عمومی با ادیان و مذاهب توحیدی می بایستی اقدام به تبلیغ و توسعه و پیاده سازی آنها در میان پیروان ادیان توحیدی و مبارزه با

مظاهر کفر و شرک و ظلم و فساد مورد قبول همه آنها نمود. محور اساسی و اصولی این اقدام می‌تواند مشترکات کتب آسمانی تورات و انجیل و قرآن باشد. گفتگوی بین ادیان توحیدی در جهت تفاهم هر چه بیشتر در ابعاد مختلف در همین محور انجام می‌شود.

۳- بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه اسلام، جامعه و نظام اسلامی

در صورت اثبات قاطع و واضح اعجاز قرآن و عدم تحریف آن، مهمترین و ضروری‌ترین اقدام، بعد از آن، بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه اسلام، جامعه و نظام اسلامی است. و چون مسلمانان، امروز عموماً قایل و معتقد به اعجاز قرآن و عدم تحریف آن هستند (هر چند نتوانند آنرا به وضوح برای دیگران اثبات نمایند)، پس می‌توان این اقدام جدی و مهم را از هم اکنون همزمان با کار تحقیق در اعجاز قرآن و عدم تحریف آن برای سایر مردم جهان و نیز خود مسلمانان، آغاز نمود. اقدام بعدی و اصولی براساس این که قرآن تنها کلام تحریف نشده باقی‌مانده پروردگار بر روی زمین است که می‌تواند بشریت را به راه راست هدایت کند، بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه اسلام و جامعه و نظام اسلامی است. این کار برای رفع اختلاف بین مذاهب اسلامی است که امروز هرکدام مدعی اسلام حقیقی نزد خود می‌باشند. با فرض قبول قرآن به عنوان کتاب مشترک و مورد قبول مسلمانان همه مذاهب اسلامی می‌توان به بررسی و تحقیق درباره اسلام حقیقی و واحد پرداخت.

این پژوهش براساس مستندات و منابع موجود تاریخی و حدیثی و تفسیری و با مبنا بودن خود قرآن و بامتلوژی و روشهای پیشرفته تحقیق در جهان امروز، انجام می‌شود. باشد که در این پژوهش اساسی و همه جانبه، اسلام ناب محمدی شناخته شده و به همه مسلمین و مردم جهان معرفی اصولی و همه جانبه گردد.

اسلامی که ممکن است در طول تاریخ به خاطر حب و بغضها و کج فهمیها و نادانیها، غرورها و استکبارها، و لجاجت و لجبازیها، دچار انحرافات شده باشد. بنابراین اقدام و کار اساسی بعدی که می‌تواند از هم اکنون و همزمان با اقدامات یاد شده در زمینه اعجاز قرآن و گفتگوی ادیان و مذاهب توحیدی انجام شود، بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه اسلام و جامعه و نظام اسلامی است.

پس از حصول نتایج اولیه از اقدامات مربوط به تحقیق و بررسی اعجاز و عدم تحریف قرآن این اقدام می‌تواند مجدداً مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد که در زمان خودش قابل انجام خواهد بود. این اقدام می‌بایستی با همکاری مشترک کارشناسان و علمای مذاهب مختلف اسلامی در فضا و سازمانی مطلوب انجام پذیرد.

بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه و یکپارچه اسلام، جامعه و نظام اسلامی بنا به علل و دلایل زیر ضرورت دارد که هرچه سریع‌تر به صورت سازمان یافته و سیستمی با استفاده از متدلوژیها و تکنولوژیهای پیشرفته انجام شود.

- ۱- وجود اختلافات مذهبی و درون مذهبی و ضرورت رفع و دفع این اختلافات، به ویژه در شرایط و وضعیت کنونی مسلمانان در جهان .
 - ۲- وجود ابهامات در اعتقادات و باورها و اعمال و رفتار و ارزشهای دینی و مذهبی و ضرورت رفع و دفع آنها.
 - ۳- وجود عدم اطمینان و شبهات در اعتقادات و باورهای موجود اسلامی و مذهبی و ضرورت رفع و دفع آنها.
 - ۴- درک و آگاهی و شناخت غیر همه جانبه و غیر یکپارچه از اسلام، جامعه و نظام اسلامی و پرداختن زیادی به جزئیات و فروع و توجه کمتر به اصول و دکترینها و بینشهای اسلامی در عمل.
 - ۵- وجود مسائل و موضوعات جدید که در قرون جدید و به ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران پدید آمده است و لزوم حل و پاسخ به آنها.
 - ۶- وجود کاستیها و کمبودها، نواقص و کجیها، ضعفها و سستیها در شناخت و معرفت و ایمان و عمل به اسلام، جامعه و نظام اسلامی در جهان اسلام.
 - ۷- وجود عواملی از قبیل حب و بغضها، دشمنیهای قبیله‌ای و قومی و نژادی، اختلافات سیاسی، و حاکمیت دولتمردان و نظامهای قدرت پدید آمده در شکل‌گیری و جهت‌دادن به آراء و نظرات دینی و مذهبی.
 - ۸- وجود اسناد و مدارک جعلی و ضعیف و تأثیر آنها بر آراء و افکار دینی و مذهبی.
 - ۹- وجود هواهای نفسانی، احساسات، قدرت‌طلبیها، تعصبهای منفی و بیجا و عدم شرایط مناسب برای تعقل و تحقیق و شکل‌گیری و رشد اسلام حقیقی و واحد.
 - ۱۰- عدم وجود و بکارگیری روشهای جامع و بینشها و نگرشهای همه جانبه و لازم در پژوهشها و شناخت حق و باطل نسبت به اسلام و قرآن و سنت.
 - ۱۱- وجود ابزارهای پژوهشی ضعیف و محدود و عدم وجود و بکارگیری ابزارهای پیشرفته، حتی در جهان امروز .
 - ۱۲- عدم نتایج عملی مطلوب و مورد قبول همه مسلمین در پیاده‌سازی جامعه و نظام اسلامی مطلوب.
- با توجه به این دلایل و علل لازم است که نسبت به بازشناسی و معرفی اساسی و جامع اسلام و قرآن و جامعه و نظام بر حق اسلامی کاری جدی و سازمان‌یافته انجام شود.
- این بازشناسی و تحقیق و معرفی می‌بایستی در حال حاضر در ابعاد و موضوعات زیر و براساس باور به اعجاز قرآن، و عدم تحریف آن و بر مبنای آن، به صورت گسترده و سیستمی انجام پذیرد.

۱- ساختار و پیکر بندی و یکپارچگی قرآن و ترتیب و توالی و سیستم و روشهای آن در ایجاد و نگهداری و توسعه عبد صالح، جامعه و نظام اسلامی.

۲- روشها و منابع اسلامی برای تعریف و بیان حق و صراط مستقیم.

۳- بیان و تعریف حق و صراط مستقیم در زمینه اعتقادات و باورهای مربوط به خالق و مخلوق، عالم وانسان، آغاز، سیوررت و سرانجام عالم و انسان، نقش و مسئولیت و تکلیف و توان انسان.

۴- بیان و تعریف حق و صراط مستقیم در زمینه ارزشها، حالات و صفات اخلاقی و عرفانی، عبد صالح وسیر و سلوک الهی عبد صالح.

۵- بیان و تعریف احکام و سنن فردی و اجتماعی الهی و اسلامی.

۶- بیان و توصیف جامعه، امت و نظام حق الهی و اسلامی.

۷- بیان و تعریف فرهنگ و تمدن جامع و یکپارچه اسلامی.

و نیز تحقیقاتی زمینه‌ای و مقدماتی و حاشیه‌ای در موضوعات تاریخ اسلام، فرق و مذاهب اسلامی، سیره و حدیث و رجال و درایه، اصول فقه و فقه، لغت و ادبیات عرب، منطق، کلام و فلسفه، شناخت شناسی و متدلوژی‌های شناخت و تحقیق، و مواردی دیگر.

این تحقیقات و بازشناسی می‌بایستی به صورت سازمان یافته و گروهی و در یک پیکر بندی سیستمی و بافرایندها و روشهای استاندارد، از دانشمندان و کارشناسان مذاهب مختلف اسلامی انجام پذیرد تا میزان اطمینان به صحت نتایج و پذیرش آنها نزد همه مذاهب اسلامی، بیشتر شود.

همچنین می‌بایستی از آخرین دستاوردهای علمی در زمینه متدلوژی‌ها و تکنولوژی‌های پژوهشی، در این کار عظیم و مهم بهره‌داری گردد تا خطاپذیری نتایج کمتر و سرعت و دقت حصول آنها به مراتب بیشتر گردد.

حصول نتایج درست و جامع در این بازشناسی و تحقیق یک مسئله است و معرفی و تبلیغ درست آن به علمای اسلام و مسلمین مذاهب مختلف و نیز سایر مردم جهان مسئله‌ای دیگر است که به نظر می‌رسد خود کاری بسیار مشکل می‌باشد.

لذا باید کوشید با استفاده از تدابیر و برنامه ریزی‌های جامع و درست، این معرفیها و تبلیغات با بیشترین اثربخشی و بهره‌وری انجام پذیرد. باین ترتیب تنشهای احتمالی ناشی از نتایج تحقیق و تبلیغ در جهان اسلام تا ممکن است کمتر و کمتر می‌گردد.

هیچ لزومی ندارد نتایج احتمالی قبل از حصول قطعیت، بدون مقدمات و برنامه ریزی قبلی در سطح عمومی منتشر شود. لذا بسیار ضرورت دارد که این تحقیقات و بازنگریها در فضایی کاملاً بسته و سری انجام پذیرد تا از بروز و شدت هر گونه تفرقه و دشمنی و تنش در بین مذاهب اسلامی و نیز هر گونه دشمنی و مخالفت با اصل و کل این کار، جلوگیری به عمل آید.

ذکر این نکته مهم است که تا نتیجه‌ای در این بازشناسی و تحقیق، قطعی و محرز نشده است هیچ گونه جواز و حجیتی برای قبول و پیروی از آن داده نشود. هر مسلمانی موظف است تا آن موقع براساس باورها و ارزشهای موجود مذهب خود، ایمان و عمل داشته باشد و در صورت تغییر قطعی در بخشی از اعتقادات و ارزشهای مذهبی، فقط آن تغییر و اصلاح صورت پذیرد و الباقی باورها و ارزشها سر جای خود باقی بمانند.

این کار بسیار حساس و مهمی است که می‌بایستی در جهان اسلام با تدابیر و برنامه ریزی‌ها و نظارتهای لازم از سوی کلیه مذاهب اسلامی و با مشارکت صادقانه و عاقلانه و علمی همه آنها انجام پذیرد.

۴- اقدامات فرهنگی و آموزشی اسلامی و قرآنی براساس باورهای پایه‌ای و مشترک بین

مذاهب اسلامی

این در واقع اقدامی است که در راستای فعالیتها و طرحهای محورهای ۱ و ۲ و ۳ به منظور آموزش و پرورش فعلی مسلمین در جهان اسلام و نیز زمینه سازی آمادگی آنان برای حصول هرچه بیشتر وحدت اسلامی و پذیرفتن نتایج حاصله از بازشناسی و تحقیقات به عمل آمده در محور ۳ می‌باشد.

علمای اسلامی از مذاهب مختلف اسلامی در این محور گرد هم آمده و نسبت به ترفندهای وحدت آفرین، چاره اندیشی و تدبیر می‌کنند و باورها و ارزشهای پایه‌ای، مشترک و عمومی اسلام را در ابعاد و زمینه‌های مختلف براساس باورها و ارزشهای موجودشان استخراج و تعریف می‌نمایند. سپس در این محور نسبت به تبلیغ و توسعه و پیاده سازی آنها در ابعاد مختلف در جوامع اسلامی اقدام می‌نمایند. محور اساسی و اصولی مشترک و مورد قبول همه مذاهب اسلامی در این کار، می‌تواند قرآن باشد. مبارزه با مظاهر کفر و شرک و ظلم و فساد مورد قبول همه مذاهب اسلامی در همین محور تعریف و توصیه و تبلیغ می‌گردد.

در این محور براساس باورها و ارزشهای مشترک و مورد قبول همه مذاهب اسلامی، نسبت به بازسازی فرهنگی مسلمین، برنامه ریزی و اقدام می‌شود.

آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت اسلامی مسلمین در همین محور مورد توجه خاص و جدی قرار می‌گیرد. قرآن بین مسلمین تبلیغ و معرفی می‌گردد و آموزش داده می‌شود و به زبان عربی به عنوان زبان مشترک فرهنگ و تمدن اسلامی در بین مسلمین، توجه خاصی می‌گردد. باید کاری کرد که لااقل همه مسلمین به زبان عربی قرآنی و نیز در صورت امکان به زبان عربی روز آشنایی کافی بدست آورند تا آنها بتوانند با یکدیگر براساس یک زبان مشترک دینی و قرآنی، ارتباط برقرار کنند و هم بتوانند از قرآن و سایر متون اسلامی مستقیماً بهره برداری نمایند.

از نتایج اقدامات در محورهای ۱ و ۳ در این محور، بهره برداری خواهد شد. باورها و ارزشهای دینی اسلامی به ویژه در میان نسل جوان با روشها و برنامه‌های متنوع و جدید، تبلیغ و آموزش داده می‌شود و فضای ذهنی و فرهنگی آنان بر اساس اعتقادات ناب اسلامی، پرداخته و آراسته می‌گردد. عمل به آداب و سنن و احکام و شریعت ناب اسلامی در میان مسلمین و بویژه در میان نسل جوان توصیه و تبلیغ می‌شود. فرهنگ و تمدن ناب اسلامی مورد مطالعات و بررسیهای لازم قرار گرفته و نسبت به پیاده سازی و توسعه آن در میان مسلمین برنامه‌ریزی، تبلیغ و زمینه سازی می‌گردد. این مطالعات و بررسیها و پیاده سازیها شامل موارد و زمینه‌هایی از قبیل سیستم و نحوه تغذیه، سیستم و نحوه بهداشت، سیستم و نحوه پوشاک، سیستم و نحوه نظم و امنیت اجتماعی و محلی و دفاع اسلامی و ملی، سیستم و نحوه امور مالی و بانکی، سیستم و نحوه فعالیتهای اقتصادی و امور تولیدی و خدماتی و تجاری، سیستم و نحوه روابط و ارتباطات اجتماعی، سیستم و نحوه معماری و مسکن و شهرسازی و ترابری، و بسیاری موارد و زمینه‌های دیگر می‌شود.

تهیه و انتشار کتب و نشریات مناسب، فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و ویدئویی و آموزشی ، CDهای آموزشی و قرآنی، علمی و فرهنگی در همین محور انجام می‌گردد.

تهیه برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و مطبوعاتی و نیز مجالس وعظ و خطابه و سخنرانی به مناسبتهای مختلف، و تربیت سخنرانان، نویسندگان، کارگردانان و هنرمندان مورد نیاز در همین محور مورد توجه قرار می‌گیرد توجه صحیح و همه جانبه به مسئله ورزش و هنر و تفریح و سرگرمی و امور مسافرتی گردشگری و سیاحتی و جهانگردی و هتل داری اسلامی در همین محور انجام می‌شود.

در کلیه این امور و موضوعات، در این محور براساس باورها و ارزشهای مشترک پایه‌ای بین مذاهب اسلامی مطالعات و بررسیهای لازم صورت گرفته و نسبت به تبلیغ و توسعه و پیاده سازی آنان در میان مسلمین و به ویژه نسل جوان، برنامه ریزی، سازماندهی، آماده سازی و زمینه سازی می‌شود.

فعالیتها و اقدامات فرهنگی در این محور بیشتر به خاطر آن است که در حال حاضر تا می‌توان و در آینده با اطمینان و طراحی دقیق‌تر تا می‌شود، جلوی نفوذ و گسترش فرهنگ و تمدن مادی و غربی را در میان مسلمین گرفت و آنان را ضمن تجهیز و تربیت به فرهنگ و تمدن اسلامی در برابر فرهنگ و تمدن مادی و غربی محافظت نمود.

۵- ایجاد و نگهداری و توسعه جوامع نمونه اسلامی

طراحی، برنامه ریزی، ایجاد و نگهداری جوامع نمونه اسلامی براساس باورهای مشترک و عمومی موجود میان مسلمین و تغییر و تحول و توسعه آنها براساس نتایج بدست آمده از محورهای ۳ و ۴، از جمله اقدامات اساسی و مهمی است که می‌تواند در این محور مورد توجه و اجرا قرار گیرد. جوامع نمونه اسلامی می‌تواند بصورتها و اشکال گوناگونی از قبیل شهرکها، محله‌ها، کوچه‌ها، برجها و بلوکهای

بزرگ ساختمانی و مسکونی و روستاها، در سراسر بلاد اسلامی ایجاد شوند. این جوامع نمونه می تواند شامل مجتمعهای تولیدی و خدماتی و تجاری و نیز به صورت ترکیبی از مسکونی و تولیدی و خدماتی باشد. ساز و کار درونی محلهها و جوامع نمونه اسلامی و ساختارها و سیستمهای آنان به لحاظ معماری، تأسیسات، روابط اجتماعی و حمل و نقل و غیره از قبل مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد و نسبت به طراحی آنان اقدام می شود.

فرهنگ و تمدن ناب اسلامی مشترک بین مذاهب اسلامی و نیز تعریف شده در محورهای ۳ و ۴ در این محلهها و جوامع نمونه پیاده سازی می شود.

هدف از این اقدام و ضرورت آن چند مطلب به شرح زیر است :

۱- هم اکنون مسلمین به ویژه نسل جوان در معرض آلودگی بسیار بالای باورها و ارزشهای فرهنگ و تمدن مادی و غربی قرار دارند.

امروز فرهنگ و تمدن مادی و غربی با دکتترین غالب دنیاگرایی و لذت جویی و بهره برداری حداکثر از دنیا، در تمام زمینهها و در تار و پود و گوشت و استخوان تقریباً همه مردم دنیا به ویژه خود غربیها و تا حدود زیادی در میان مسلمین جهان نفوذ کرده و غلبه و سلطه یافته است. مسلمین امروز در سردرگمی عجیب و فراوانی نسبت به فرهنگ و تمدن خود و باورها و ارزشهای آن قرار گرفته اند. هر کسی خود به نحوی میان باورها و ارزشهای دوفرهنگ و تمدن کاملاً متضاد و ناسازگار، به گونه ای سازگاری از روی تسامح به وجود آورده است. این موجب مخلوط شدن بی طرح و نشان دو فرهنگ و تمدن ناسازگار و تضعیف باورها و ارزشهای اسلامی در میان مسلمین گردیده است. خانواده های مسلمان و مسلمانان جهان از این وضع آشفته فرهنگی و بی هویتی نگران هستند. لذا ضروری است به خاطر حفاظت و ایمنی فرهنگی کسانی که بیشتر نگران این وضع هستند و نیز تربیت آنان به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایجاد فضای مناسب برای پیاده سازی مطلوب فرهنگ و تمدن و رفتار اسلامی، محیطهای بسته و کنترل شده ای به صورت مجتمعهای نمونه مسکونی، تولیدی و خدماتی اسلامی به وجود آورد.

۲- این محیطهای بسته و نمونه می تواند به صورت آزمایشی محلی برای مطالعه و بررسی و پیاده سازی فرهنگ و تمدن اسلامی و جامعه و نظام اسلامی قرار گرفته و از آنها به عنوان محلهها و مجتمعهای نمونه اسلامی برای بازدید و عبرت دیگر مسلمانان و نیز دولتهای اسلامی استفاده کرد.

هم چنین این محلهها و مجتمعهای نمونه می تواند به عنوان مراکز تبلیغاتی عملی اسلام و جامعه و نظام اسلامی مورد توجه و بازدید توریستی و تحقیقاتی غیر مسلمانان نیز قرار بگیرد.

۳- مجتمعهای بسته و نمونه اسلامی می توانند فضاهای مناسبی را به لحاظ انتظامی امنیتی برای ساکنان آنها فراهم آورند. که این با توجه به آشفتگی انتظامی امنیتی ناشی از همان فرهنگ و تمدن غرب

در جهان و نیز در بلاد اسلامی می‌تواند ترفند مناسبی برای برقراری و توسعه نظم و امنیت اسلامی در این مجتمعه‌ها و برای ساکنان و کارکنان و تأسیسات و تجهیزات آنان باشد.

۴- این مجتمعه‌ها می‌توانند آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های مناسبی و نیز محلها و مراکز خوبی برای فعالیتها و مطالعات و بررسیهای اسلامی در محورهای ۱ و ۳ و ۴ و نیز محورهای بعدی باشند. لذا طراحی و ایجاد و توسعه آنان بسیار توصیه می‌گردد.

انجام این اقدام مهم نیاز به مطالعه و بررسی جامع و همه جانبه‌ای دارد که می‌بایستی از قبل درباره آن کارشود به ویژه روابط محیطی این مجتمعه‌ها و سیستمها و کارکردهای درونی آنان بسیار حساس خواهد بود و خودبخود انتظار و توجه از درون و بیرون نسبت به آنها بسیار بالا خواهد شد. پس باید بتوان به درستی این انتظارات و توجهات را درک کرده و پاسخهای لازم را برای آنها تهیه نمود.

۶- مشاوره و همکاری و کمک به کشورها و دولتهای اسلامی در مدیریت، بهبود و توسعه آنها

هم اکنون کشورها و دولتهای اسلامی از داشتن مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی اسلامی با دانشمندان و کارشناسان اسلامی که در زمینه ساختار و سیستم و اداره و مدیریت کشور فعالیت داشته باشند محروم هستند. آنها در این زمینه‌ها یا مستقیماً از مشاوره‌ها و نظرات دانشمندان و کارشناسان غربی استفاده می‌نمایند و یا دانشمندان و کارشناسان خودی را که در دامن همان دانشمندان و کارشناسان و در فضای فرهنگی غربی تربیت یافته‌اند بکار می‌گیرند.

متأسفانه مطالعات و پژوهشهای اسلامی در زمینه کشورداری مبتنی بر فرهنگ و تمدن اسلامی کمتر صورت پذیرفته است و این موجب نگرانیها و اختلافاتی در جوامع و نظامهای اسلامی موجود گردیده است. بنابراین ضرورت دارد که اولاً در زمینه‌های طراحی ساختار و سیستم و اداره و مدیریت کشورها و دولتهای اسلامی کار و مطالعه شود ثانیاً همکاریها و مشاوره‌های لازم در این باره به دولتمردان و دانشمندان و کارشناسان بلاد اسلامی داده شود. تا آنها بتوانند به صورت جامع و با نگرشها و روشهای اسلامی، پیوسته در حفظ و نگهداری و اصلاح و بهبود و توسعه کشورهای اسلامی بکوشند.

این مشاوره‌ها و کمکها و همکاریهای، خود زمینه‌های هر چه بیشتر وحدت اسلامی و مطالعات و تحقیقات هر چه جامع‌تر جامعه و نظام اسلامی و پیاده سازی هر چه عمیق‌تر فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم می‌آورند.

این مطالعات، مشاوره‌ها و کمکها و همکاریها براساس مبانی مشترک اسلامی و نتایج بدست آمده از سایر محورها در کلیه امور امنیتی و سیاسی، فنی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ساختاری و سیستمی در کلیه بلاد اسلامی قابل انجام و توسعه خواهد بود.

مشاوره و کمک به دستگاه‌ها و نهادها، سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی درون کشورها نیز می‌تواند در راستای همین امر و در همین محور، با اهداف توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی و افزایش بهره‌وری و کارایی آنها، موضوعیت یافته و صورت پذیرد.

۷- مطالعات و پژوهش‌های بنیادی عمومی و جهانی

به منظور طراحی و پیاده‌سازی جامعه و نظام حق و مطلوب جهانی و نیز به منظور مشاوره و کمک به دولت‌ها و کشورهای اسلامی لازم است از هم اکنون به موازات سایر اقدامات، به مطالعات و پژوهش‌های بنیادی و گسترده‌ای در کلیه زمینه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه بشری و جهان اسلام و مسلمین، اقدام نمود.

این مطالعات و تحقیقات می‌بایستی در ابعاد مختلف امنیتی و دفاعی، سیاسی و حقوقی، فنی و اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، اجتماعی و قضایی، علمی و فلسفی، هنری و ورزشی، اخلاقی و عرفانی، و در مسائل و موضوعات مورد نیاز جامعه بشری و جهان اسلام و مسلمین به صورت جامع و گسترده‌ای انجام پذیرد تا بتوان از نتایج آن در حوزه‌ها و محورهای مختلف بهره‌برداری نمود.

این مطالعات و پژوهش‌ها، با توجه به خواستگاه، روشها و عمق و گستردگی آنها، مطالعات و پژوهش‌هایی بسیار طولانی و زمان‌بر خواهد بود. لیکن به منظور تسلط بر آنچه که امروز در جهان به نام علوم و معارف بشری جاافتاده و به ویژه در بخش‌های مربوط به علوم و معارف انسانی و اجتماعی که تأثیر بسیاری از دکترین‌های مادی و دنیاگرایی گرفته است، گریزی و چاره‌ای از انجام آنها نیست.

بدون چنین مطالعات و پژوهش‌هایی بنیادی و عدم تسلط فعال بر آنها، ما همواره در موضع انفعال نسبت به این علوم و معارف قرار داشته و تلاش‌هایی را هم که مسلمین در این فضا انجام می‌دهند، سرانجام به آبخور همان فرهنگ و تمدن غربی و آبادی و توسعه هر چه بیشتر آن خواهد رفت.

ما باید خود از نو علوم و معارف بشری را براساس اصول و دکترین‌های اسلامی نسبت به خالق و مخلوق، عالم و انسان و آخرت، بنا نهیم و خود واضع علوم و معارف بشری به ویژه در حوزه علوم و معارف انسانی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مدیریتی و سیستمی، فرهنگی و هنری گردیم.

نتایج این مطالعات و پژوهش‌ها به ویژه در زمانی مفید خواهد بود که نتایج مطالعات و بررسی‌های محورهای ۱ و ۳ تا حدود زیادی روشن شده باشد و لازم باشد که نسبت به طراحی و پیاده‌سازی جامعه و نظام اسلامی حق و مطلوب و نیز فرهنگ و تمدن اسلامی اقدام عملی نمود. لذا از هم اکنون باید این قبیل مطالعات و پژوهش‌ها را آغاز کرد که تا آن موقع و همزمان با خروجیها و نتایج محورهای ۱ و ۳، دانش، منابع و توانایی‌های لازم حاصل شده باشد.

۸- اقدامات و فعالیتهای عمومی و اجتماعی و خیریه

متأسفانه به علت‌های مختلف در بعضی بلاد اسلامی وضعیت معیشتی و اجتماعی مسلمین بسیار بد و ضعیف می‌باشد و لازم است بنابر توصیه‌های مکرر قرآنی و اسلامی به منظور رسیدگی به وضعیت این قبیل مسلمین در بلاد اسلامی و امور معیشتی و اقتصادی و اجتماعی و خدماتی آنان، اقدامات و فعالیت‌هایی برنامه‌ریزی شده صورت پذیرد. این اقدامات و فعالیتهای می‌تواند در موضوعات و ابعاد زیر صورت پذیرد.

۱- انفاق و صدقات مستقیم و کمک به وضعیت معیشتی و رفاهی و خدماتی مستمندان و نیازمندان بلاد اسلامی.

۲- فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های بهبود معیشت و رفاه و خدمات مستمندان و نیازمندان در بلاد اسلامی.

۳- کمک به مستمندان و نیازمندان در رفع نیازهای معیشتی و خدماتی خودشان از طریق فراهم کردن شرایط در زمینه‌های تولید و خدمات توسط خودشان.

۴- ایجاد دارالایتام‌ها و رسیدگی به امور یتیمان و خانواده‌های بی سرپرست.

۵- ایجاد بیمارستانها و درمانگاهها و مراکز بهداشتی خیریه و رایگان و یا با هزینه‌های کم و ارزان قیمت.

۶- ایجاد مراکز فرهنگی، آموزشی، هنری و ورزشی خیریه و رایگان و یا با هزینه‌های کم و ارزان قیمت.

۷- کمک به مردم در شرایط خاص و بحرانی ناشی از زلزله و سیل و طوفان و بیماری و غیره.

۸- کمک به افراد خاص در شرایط خاص و بحرانی پیش آمده در زندگی آنها مانند ورشکستگان مالی و اقتصادی، مال باختگان، مصیبت دیدگان، بیماران خاص و اقدامات و فعالیتهای دیگر.

این اقدامات می‌تواند برای غیر مسلمانان بلاد اسلامی و نیز مردم سایر نقاط جهان با اتخاذ تدابیری نیز انجام شود.

با انجام چنین فعالیتهای برای مستضعفین از مسلمین و غیر مسلمین، شرایط و زمینه‌های مناسب برای جذب و علاقه مردم به اسلام و سنن اسلامی فراهم می‌گردد. و موجب هدایت مردم به راه راست و توجه آنان در عمل به حق می‌شود. با این اقدامات و فعالیتهای عملا برای اسلام و سنن استوار اسلامی در میان مردم توانگر و مستمند، مسلمان و غیر مسلمان، تبلیغ انجام پذیرفته و موجبات رضایت پروردگار و عمل به سنن اسلامی فراهم آمده است.

۹- مطالعات و پژوهشهای عمومی ادیان و مذاهب، فرهنگها و تمدنها و کشورها و ملت‌های جهان

مطالعات و پژوهشهای عمومی ادیان، مذاهب، احزاب و مکاتب، فرهنگها و تمدنها، اقوام و ملل، دولت‌ها و نظامهای جهان، هم از جهت تحقیق و جستجوگری عمومی حق و باطل، و هم از جهت کسب دانش، اطلاعات و آگاهی نسبت به آنان و هم از جهت آمادگی و توان برخورد و ارتباط با آنها و توانایی انجام مباحثه و گفتگو با آنها، امری ضروری و مهم می‌باشد.

غرب‌شناسی و آثار و عوارض آن، ضعفها و قوت‌های غربیها و فرهنگ و تمدن آنها، از جمله مواردی است که به تفصیل در این محور می‌بایستی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۱۰- اقدامات و فعالیتهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خدمات اطلاع‌رسانی

به منظور توسعه مطالعات و پژوهشها و اقدامات تعریف شده در سایر محورها لازم است در زمینه‌متدلوزی‌ها و تکنولوژی‌های مطالعاتی، پژوهشی، آموزشی، تبلیغاتی و مشاوره‌ای کار و بررسی شود، تا در این زمینه‌ها از پیشرفته‌ترین و بهترین متدلوزی‌ها و تکنولوژی‌ها بهره‌برداری شود. این لازمه‌اش کار در زمینه خود این متدلوزی‌ها و تکنولوژی‌ها و توسعه آنها در همین محور نیز می‌باشد.

کلیه محورها برای اجرای طرحها و برنامه‌های خود نیاز به سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای پیشرفته و اطلاعات جامع و بروز در کلیه زمینه‌ها دارند. لذا می‌بایستی اقدامات و فعالیت‌هایی در جهت بررسی و تأمین و نیز طراحی و تولید سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مورد نیاز انجام شود. هم‌چنین اطلاعات مورد نیاز کلیه محورها، براساس سیستم‌ها و روشهای پیشرفته از منابع موثق و اصلی، جمع‌آوری و پردازش گردیده و نسبت به تولید و ارائه اطلاعات و گزارشات مورد نیاز برای همه آنها اقدام نمود.

طراحی و ساخت ربت‌ها و سیستم‌های خبره در ابعاد و زمینه‌های مختلف کار محورها می‌تواند در این محور مورد توجه و اجرا قرار گیرد.

ایجاد بانک اطلاعاتی جامع و ورود در شبکه اینترنت جهانی از جمله اقدامات اساسی است که می‌بایستی در این محور مورد توجه اصولی و همه‌جانبه قرار گرفته و برای آن شرایط لازم فراهم آید.

اطلاعات در حجم گسترده و وسیعی از طریق اینترنت و بانک اطلاعاتی ایجاد شده در اختیار کاربران و بهره‌برداران سایر محورها و نیز دانشمندان و کارشناسان مختلف در جهان، قرار گرفته می‌شود و با ارتباطی که برقرار می‌گردد، اطلاعات مورد نیاز از کلیه منابع اطلاعاتی موجود در جهان تهیه و ارائه می‌شود.

۱۱- سایر اقدامات عام و خاص مورد نیاز جستجوگری و پیاده‌سازی حق در جهان

اقدامات و فعالیتهای دیگری که ممکن است بعداً مورد نیاز واقع و تعریف شود و نیز اقدامات و فعالیتهای عام و خاصی که به صورت مقدماتی و زمینه‌ای و حاشیه‌ای در راستای جستجوگری و پیاده

سازی حق و راه راست و جامعه و نظام حق و مطلوب در جهان مورد نیاز است در همین محور تعریف و برنامه ریزی و اجرا می‌گردند.

مثلا توجه به محیط زیست در ابعاد و جهات مختلف و حفاظت و امنیت و سلامت آن از جمله مسائلی است که در این محور مورد مطالعه و بررسی و توجه قرار می‌گیرد. مسائلی از قبیل جمعیت جهان و جمعیت مسلمان، بهداشت عمومی و جهانی، مبارزه با بی سوادی، مبارزه با بی نظمی و بی امنیتی و فساد و فسق و فجور جهانی، به صورت همه جانبه و جامع و سیستمی در این محور مورد مطالعه و بررسی و توجه قرار می‌گیرند.

۱۲- اقدامات و فعالیتهای اقتصادی و مالی در پشتیبانی اقدامات محورهای یاد شده

به منظور تأمین بودجه مورد نیاز اقدامات و فعالیتهای محورهای یاد شده و نیز تأمین مخارج و مایحتاج حیا و رفاه کسانی که در این محورها فعالیت می‌نمایند، لازم است اقدامات و فعالیتهای اقتصادی تولیدی و خدماتی در جنب و بموازات سایر محورها انجام شود. این فعالیتها می‌بایستی براساس استراتژیها و سیاستهای درستی تعریف و برنامه ریزی شوند و نسبت به اجرای آنها با سازماندهی و کنترل مناسب اقدام گردد.

به منظور استقلال و عدم وابستگی هر چه بیشتر این فعالیتهای اقتصادی به اوضاع و شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محیطی، لازم است، آنها را در زمینه‌های پایه‌ای و در چرخه‌های متقابل و مکمل یکدیگر به انجام رساند. استقلال و عدم وابستگی اقتصادی و مالی کارها و برنامه‌های محورهای یاد شده و نیز عدم وابستگی اقتصادی و نیز تا حدود زیادی عدم وابستگی تولیدی و خدماتی در محصولات و خدمات پایه‌ای و اساسی، بوسیله این نوع اقدامات و فعالیتها قابل تأمین خواهد بود. مشکلات و نگرانی‌هایی که در این زمینه وجود دارد با این قبیل اقدامات و فعالیتها تا حدود زیادی قابل رفع و کاهش خواهد بود.

جذب کمکهای مالی و امکاناتی و تسهیلاتی از سایر منابع، برای تأمین و پشتیبانی محورهای یاد شده در کنار اقدامات و فعالیتهای اقتصادی، نیز قابل انجام خواهد بود که نسبت به آن نیز می‌بایستی سیاست گذاری و برنامه‌ریزی و اقدام شود.

این کمکها ممکن است از سوی مردم علی‌العموم و بعضی مؤسسات و نهادهای ملی و بین‌المللی بدست‌آید. لذا می‌بایستی از قبل نسبت به شناسایی این قبیل منابع، اقداماتی صورت پذیرد. بر اساس بررسیهای به عمل آمده از چنین منابعی با رعایت اصول و شرایط از پیش تعریف شده نسبت به جذب کمک از آنها، اقدام خواهد شد.

عدم وابستگی و عدم بهره برداری سیاسی، از اصول و شرایط اولیه‌ای است که در این قبیل کمکها، باید لحاظ و رعایت شود.

کلیه این اقدامات و فعالیتها در محورها و موضوعات یاد شده باید از استقلال و آزادی لازم و کافی برخوردار باشند والا مورد بهره برداری سیاسی و سوء استفاده دولت مردان و نظامهای قدرت واقع خواهند شد. این درست گره کور این کار عظیم است که اگر به آن کم توجهی و بی دقتی شود، ممکن است همه آنرا بر باد دهد. مشکلی که از یک سو محدود کننده و تهدید کننده است و از سوی دیگر فرصت دهنده و امکان ساز است. لذا باید بسیار دقت شود که با حفظ استقلال و آزادی، بیشترین بهره برداری از منابع و فرصتهای موجود در جهان به عمل آید.

۳- طرح جامع صراط مستقیم

با این بیان می توان طرح جامعی برای کل جامعه بشری علی العموم و برای کل جامعه اسلامی علی الخصوص تعریف نمود.

این طرح، طرح عظیمی خواهد بود که اجرای آن چه در سطح بین المللی و جهانی و چه در سطح اسلام و مسلمین، نیاز به حمایت و مشارکت و همکاری همه سازمانهای بین المللی، دولتها و مردم جهان به ویژه سازمان ملل متحد، سازمان یونسکو، سازمان کنفرانس اسلامی، دولتهای اسلامی و مردم مسلمان جهان دارد. طرحی که همه حق طلبان و جستجوگران و جهادگران حق و حقیقت و راه راست، می توانند در آن بکوشند تا صراط مستقیم به درستی و جامعیت شناخته شود و به مردم جهان معرفی گردد و نسبت به پیاده سازی و اجرای آن در سطح جهانی اقدام شود.

طرحی که در آن بطور همزمان روی کلیه محورهای یاد شده و براساس متدلوژیها و تکنولوژیهای پیشرفته کار می شود تا نتایج مطلوب در آن به حول و قوه الهی حاصل گردد. کلیات این طرح عظیم به شرح زیر می باشد:

۱- عنوان طرح

«طرح جامع شناخت و معرفی و پیاده سازی صراط مستقیم و نظام مطلوب جهانی جامعه بشری» که به اختصار «طرح جامع صراط مستقیم» نامیده می شود.

۲- هدف طرح

- ۱- پژوهش و شناخت جامع صراط مستقیم و جامعه و نظام حق
- ۲- طراحی جامعه و نظام مطلوب در سطح جهانی
- ۳- معرفی و تبلیغ جامع صراط مستقیم و جامعه و نظام حق و مطلوب در سطح جهانی
- ۴- اجرا و پیاده سازی صراط مستقیم و جامعه و نظام حق و مطلوب در سطح جهانی

۳- محوره‌های اصلی اقدامات و فعالیتهای طرح

موضوعات و محوره‌های اصلی اقدامات و فعالیتهای طرح، همان موضوعات و محوره‌هایی خواهد بود که قبلاً بعنوان اقدامات ضروری و جامع و همه جانبه در شناخت و حل مسائل و مشکلات جامعه بشری عنوان گردید. این اقدامات، در این طرح عظیم و جهانی محوره‌هایی به شرح زیر خواهد بود:

- ۱- تحقیق و بررسی اعجاز قرآن و عدم تحریف قرآن و کلام وحی الهی بودن قرآن .
- ۲- بحث و گفتگوی مشترک با همه ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب، فرهنگها و تمدنها، دولتها و ملت‌های جهان در اصلاح و بهبود جامعه و نظام مطلوب جهانی .
- ۳- بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه اسلام و قرآن، جامعه و نظام اسلامی مطلوب.
- ۴- اقدامات و فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی فرهنگ و تمدن اسلامی، آموزش و پرورش اسلامی .
- ۵- ایجاد و نگهداری و توسعه جوامع نمونه اسلامی.
- ۶- مشاوره، همکاری و کمک به دولتها و کشورهای اسلامی در مدیریت و توسعه کشورها و ملل

اسلامی

- ۷- مطالعات و پژوهشهای بنیادی عمومی و جهانی.
- ۸- اقدامات و فعالیتهای عمومی و اجتماعی و خیریه.
- ۹- مطالعات و پژوهشهای عمومی ادیان و مذاهب، فرهنگها و تمدنها دولتها و نظامهای جهان.
- ۱۰- اقدامات و فعالیتهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خدمات اطلاع‌رسانی.
- ۱۱- سایر اقدامات و فعالیتهای عام و خاص مورد نیاز اهداف طرح.
- ۱۲- اقدامات و فعالیتهای اقتصادی و مالی در تأمین و پشتیبانی کلیه محوره‌های یاد شده .

ساختار و سیستم اجرایی این طرح عظیم و اصول و سیاستهای کلی آن بر اساس اهداف و مأموریت‌های مذکور، در قالب جمعیتی به نام جمعیت صراط مستقیم در بخش بعدی تعریف و پیشنهاد خواهد شد.

۴- ساختار و سیستم مشاوره‌ای و اجرایی طرح جامع صراط مستقیم - جمعیت صراط مستقیم

به منظور فراهم آوردن زمینه‌های پیاده‌سازی و اجرای طرح جامع صراط مستقیم، لازم است به صورت سازمان یافته و با سیستمهای ساختار یافته و از پیش طراحی شده، عمل نمود. بدون یک کار گروهی سیستمی، اثربخشی و کارایی این کار عظیم، بسیار کاهش پیدا می‌کند. برنامه ریزی‌ها باید به صورت جامع در کلیه محورها و بانگ‌رشی همه جانبه و یکپارچه انجام شود تا بتوان با سازمان و سیستم مطلوب، شرایط و زمینه‌های اجرایی چنین طرح عظیمی را فراهم آورد .

زمان اجرای این طرح تقریباً در کلیه محورها طولانی و در بعضی محورها تا سالیان سال به طول می‌انجامد. بنابراین باید به گونه‌ای عمل نمود که کل کار و نیز اقدامات و فعالیتها در هر محور وابسته به افراد و اشخاص نگردد و تمام تلاش را بر این گذاشت که کار به صورت سازمانی و سیستمی و مستقل از اثر و نفوذ مقطعی اشخاص در آن پیش رود. مهم راه اندازی یک جریان درست قوی و منظم در پی این اهداف و آرزوهای بزرگ است. به این و آن‌وصال ندهد اهمیتی ندارد، در آینده‌های دور هم به جوابها و نتایج نسبی هم برسد کفایت می‌کند. بنابراین در این کار اساسی و مهم نباید عجله کرد و منافع و مصالح بلند مدت و طولانی را نباید فدای منافع و مصالح مقطعی وزودگذر و نیز شخصی نمود. خواسته‌ها و آرزوهای شخصی و فشارهای محیطی و شرایط نباید موجب تعجیل در کارها و تدابیر موقت گردد. تاکید، بیشتر بر حرکت اصولی، منظم، سازمان یافته و برنامه دار است و از انفعال‌های مقطعی و مصلحتی باید تا حد ممکن پرهیز نمود.

در واقع باید برای فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های اجرایی چنین طرح عظیمی و مشاوره در آن، جمعیت و گروهی را تعریف و سازماندهی نمود. این جمعیت که یک حزب به معنی سیاسی آن، یک انجمن به معنی فرهنگی آن نخواهد بود، بلکه جمعیت و گروهی خواهد بود که اعضای آن براساس آرمانها و اهداف مشترکی حول این طرح جامع گرد آمده و به منظور جستجوگری حق و هدایت به راه راست خود و دیگران به طرق مختلف با یکدیگر همکاری می‌نمایند.

این جمعیت تقریباً همانند قوم و قبیله و ملتی در میان امت اسلامی با خواسته‌ها و اهداف مشترک و با ویژگیهای فرهنگی و رفتاری یکسانی نمود پیدا می‌کند و بسته به شرایط سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و محیطی، از اقدامات و فعالیتهای مطالعاتی و پژوهشی و مشاوره‌ای و فرهنگی شروع کرده و تا فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های پیاده سازی جامعه و نظام حق و مطلوب در سراسر جهان و به ویژه در جهان اسلام پیوسته تلاش می‌نماید.

این تلاشها به صورت همگانی و فراگیر و از طریق توافقیهای مردمی و دولتی در کشورها اسلامی و در سراسر جهان و با عاملیت خود آنها انجام می‌پذیرد.

جمعیت می‌تواند در هر کشور اسلامی و یا غیر آن دارای دفتر و تشکیلات رسمی باشد و از طریق مجامع و کنگره‌های سراسری و مشترک، خط مشی‌ها و برنامه‌های خود را تدوین و به اجرا درآورد. جمعیت در هر کشوری بنا به مصالح و منافع دولتی یا ملی آن کشور و یا فرصتها و محدودیتهای قانونی موجود در آن کشور، طیف و میدان کار و فعالیت خود را محدود و یا گسترده، تعریف و به اجرا در می‌آورد.

جمعیت حتی ممکن است بنا به این مصالح و محدودیتهای در بعضی کشورها، خط مشی‌های خاصی را اعمال کند که در سایر کشورها مورد توجه قرار نگیرد. این ویژگیهای رفتاری جمعیت در هر کشوری

براساس همین مصالح و محدودیتها از طریق کنگره‌های سراسری و پیشنهادات داخلی جمعیت در آن کشور، تعریف و تدوین می‌گردد.

جمعیت سازمان و سیستم خود را براساس شرایط محیطی در سراسر جهان و بطور اختصاصی در هر کشوری طراحی و تعریف می‌نماید و در آن سعی می‌شود از الگوی یکنواختی بهره برداری شود. کسانی که با جمعیت همکاری می‌نمایند و یا در جمعیت فعالیت می‌نمایند لازم نیست حتماً عضو رسمی جمعیت باشند جمعیت با افراد و اشخاص مختلف و نیز با سازمانها و مؤسسات متفاوت به هر نحوی که خود آنها مایل باشند، بشرطی که موجب وابستگی و انحراف از اهداف و سیاستهای کلی جمعیت نشود کار می‌کند. لیکن انواع این روابط و همکاریها و فعالیتها در جمعیت و با جمعیت می‌بایستی از قبل تعریف و تدوین گردد تا جمعیت براساس آن نسبت به برنامه ریزی و سازماندهی و هدایت اقدامات و فعالیتهای محورهای مختلف، عمل نماید. جمعیت الگوهای رفتاری خاصی را برای اعضای رسمی تهیه و به اجرا در می‌آورد که این الگوها قابل پیاده سازی و عمل توسط سایر مردم با هر نوع رابطه‌ای با جمعیت خواهد بود. جمعیت بیشتر در اندیشه فرهنگ سازی و تغییر الگوهای ذهنی و رفتاری مسلمین در درجه اول و سپس کل مردم جهان به سمت و سوی باورها و ارزشها و اعمال و رفتار حق و درست می‌باشد تا باین ترتیب جامعه و نظام حق و مطلوب در سطح کشورهای اسلامی و نیز در سطح جهانی، تعریف و طراحی و پیاده شود.

جمعیت آمادگی علمی و مشاوره‌ای در خود ایجاد می‌نماید و برای افراد خود خط مشی‌ها و برنامه‌های رفتاری و فرهنگی خاصی را نیز طراحی و اجرا می‌کند. اما در مجموع و در نهایت این خود دولتها و ملتها و مردم هستند که باید تصمیم بگیرند تا چه حد می‌خواهند از خدمات و مشورتها و توان جمعیت در بهبود و توسعه وضعیت و عملکرد خود بهره برند.

جمعیت باید سعی نماید امکانات یک حیاه دنیایی مطلوب را با غلبه فرهنگ و تمدن اسلامی در قالب جوامع نمونه اسلامی برای افراد خود در کشورهای مختلف پدید آورد تا با این ترتیب در معرض مشاهده و بررسی و قضاوت دول و ملل اسلامی و مسلمین جهان و نیز ملل و دول سایر کشورهای جهان قرار گیرند و حرف حق خود را در عمل نشان دهند.

جمعیت می‌تواند افرادی از سایر ادیان و مذاهب و مکاتب را در خود جای داده و برای آنها در محورهای مختلف و به نحوی که خود آنها می‌خواهند کار تعریف کند، تا آنها خود در جستجوی حق و صراط مستقیم برآیند و از امکانات جمعیت برای این امر استفاده کنند. جمعیت حاضر به کار مشترک و گروهی در زمینه جستجوگری و معرفی حق و باطل با هر سازمان و مؤسسه و گروه و فردی است که مایل به آن باشد.

جمعیت سعی می‌کند زمینه‌ها و شرایط جستجوگری حق و هدایت به راه راست را، هم برای خود هم برای دیگران فراهم آورد. بنابراین هر کسی و هر گروه و جمعیت و سازمانی در جهان که بخواهد خود مستقلاً در زمینه‌حق و صراط مستقیم تحقیقات کند، جمعیت آمادگی دارد، خدمات مورد نیاز او را ارائه دهد.

اعضای جمعیت می‌توانند از دولتمردان و رجال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها و نیز مردم عادی هر کشوری باشد و جمعیت می‌تواند با دولتها و سازمانها همکاری و مشاوره نماید و اعضای آن می‌توانند در درون دولتها و از مقامات رسمی آنها نیز باشند.

جمعیت هیچ محدودیتی برای پذیرش هیچ عضوی ندارد. کافی است هر عضوی فقط اصول و مرام عمومی جمعیت را بپذیرد و با آن همکاری نماید برای سایر افراد که مایلند به نحوی و نوعی با جمعیت و در جمعیت همکاری و فعالیت نمایند، حتی پذیرش این اصول و مرام هم الزامی نیست.

جمعیت اهداف و کار خود را در سطح جهانی معرفی و مطرح می‌کند. به دلیل آنکه بدون یک کار فراگیر جهانی هر گونه تلاش برای شناخت و پیاده سازی حق و صراط مستقیم و جامعه و نظام مطلوب، در بلند مدت عقیم مانده و منحرف و نابود خواهد شد. باورها و ارزشهای حق و راه راست عموماً در سطح کل عالم و جامعه بشری مطرح می‌شوند. آنها اساساً ذاتی فراگیر در جامعه بشری دارند.

دولتها و ملتها معمولاً سعی می‌کنند منافع و مصالح خود را بدون در نظر گرفتن منافع و مصالح کلی جامعه بشری و کشورهای دیگر، دنبال کنند. این موجب نزاع و تنش و درگیری منافع و مصالح کشورها در سطح فراملی و فرمانطقه‌ای در جهان خواهد شد و نخواهد گذاشت که یک سیستم جهانی بر مصالح و منافع همه ملتها حاکم شود.

جمعیت صراط مستقیم می‌کوشد که این دیدگاه و نگرش جامع و سیستمی را در رابطه با کل جامعه بشری و برای همه انسانهای روی زمین و برای همه نسلها فراهم آورد. به همین جهت از همان ابتدا قاموس کار خود را براساس یک کار جهانی و بین المللی قرار داده است تا باین ترتیب شرایط و زمینه‌های وحدت جامعه بشری تحت یک نظام حق و مطلوب جهانی فراهم آید.

جمعیت می‌تواند دارای مؤسسات و شرکتهای تابعه مختلف مطالعاتی، پژوهشی، آموزشی، مشاوره‌ای، تولیدی و خدماتی باشد که به وسیله آنها طرحها و برنامه‌های خود را به اجرا در آورد. این مؤسسات و شرکتهای می‌توانند به صورت مستقل هم ایجاد شوند لیکن از نظر اهداف و سیاستهای کلی تابع اهداف و سیاستهای جمعیت می‌باشند. جمعیت در جستجوگری و پژوهش حق و حقیقت آمادگی هر گونه همکاری با هر نهاد دینی و مذهبی، و تشکیلات هر حزب و مرامی دارد و باین منظور در فعالیتهای فرهنگی عمومی جهانی براساس اصول مشترک مورد قبول تلاش می‌نماید.

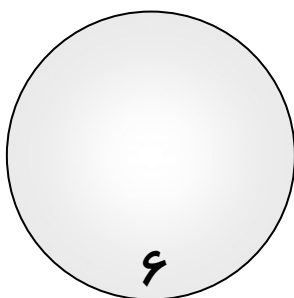
جمعیت سعی می‌کند از طریق مسالمت‌آمیز و صلح‌آمیز اهداف خود را به پیش ببرد و لذا به طرق نظامی و سیاسی وارد نمی‌شود. این به معنی عدم شرکت در فعالیتهای عمومی سیاسی و امنیتی یک کشور برای جمعیت نیست، بلکه اعضای جمعیت در صورت ضرورت بصورت فردی و آزاد همانند سایر مردم در فعالیتهای عمومی و مجاز سیاسی و امنیتی و دفاعی ملی و نیز اسلامی و جهانی وارد شده و همکاری و کمک می‌نمایند.

کلیه اقدامات و فعالیتهای جمعیت، در هر کشوری کاملاً رسمی و براساس مجوزهای قانونی خواهد بود که از دولتهای حاکم بر بلاد اسلامی و یا غیر آن خواهد گرفت. هیچ اقدام سری و مشکوکی از نظر نظامی و سیاسی جدای از دولتها و ملتها در جمعیت انجام نخواهد شد.

حفاظت اسناد و مدارک و نتایج بدست آمده تا زمان مورد لزوم برای انتشار، و متدلوژی‌ها و تکنولوژی‌های بکار رفته از مصالح صنفی و حقوقی جمعیت در هر کشوری می‌باشد که با نظارت قانونی دولتها انجام خواهد شد.

کلیه کارها و فعالیتهای جمعیت از قبل به صورت برنامه ریزی شده و سازمان یافته تعریف شده و براساس آنها، و به صورت منظم و قابل کنترل انجام می‌شوند.

بیانیه و اصول و مرام کلی چنین جمعیتی و طرحی در فصل بعدی به صورت پیشنهادی ارائه خواهد شد.



بیانیه پیشنهادی

جمعیت صراط مستقیم

۱- در ضرورت صدور بیانیه جمعیت

جمعیت صراط مستقیم به عنوان سازمان و سیستمی که قصد دارد شرایط، زمینه‌ها و مشاوره‌های لازم را برای اجرای طرح جامع صراط مستقیم در جهان فراهم آورد، باید با اهداف، رسالتها، اصول و مبانی معینی، در جهان اعلام موجودیت نماید. با امید به اینکه چنین جمعیتی بتواند به حول و قوه الهی و با توکل بر پروردگار این مهم را به انجام برساند. لازم است اصول و مرام کلی و عمومی آن از قبل تدوین و توجیه شود.

به منظور آگاهی و آشنایی مردم، سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی، نهادها و دستگاههای دولتی، سازمانها و مؤسسات بین‌المللی، دولتها و کشورهای جهان، و نیز ادیان و مذاهب، مکاتب و مرامها، جمعیتها و گروهها، و کسانی که به نحوی می‌خواهند در آینده جمعیت را فعال نموده و در آن خدمت کنند. بیانیه اهداف، مأموریتها و رسالت جمعیت و اصول و سیاستهای کلی حاکم بر ساختار و افکار و رفتار آن به شرحی که خواهد آمد پیشنهاد می‌گردد.

هر دولتی می‌تواند براساس این بیانیه، به جمعیت در آن کشور اجازه فعالیت دهد. هر دستگاه و نهاد دولتی، هر سازمان و مؤسسه عمومی و خصوصی، کشوری و بین‌المللی، هر جمعیت و گروهی و نیز هر فردی می‌تواند براساس این بیانیه، رابطه و نحوه و نوع و میزان فعالیت و برخورد خود را در آینده با چنین جمعیتی تنظیم نماید.

این بیانیه پیشنهادی، اصول و مبانی حرکت جمعیت را براساس آنچه که در این گزارش راه حل جامع‌مهمترین مسئله و مشکل جامعه بشری نامیده شد، شرح و توضیح می‌دهد و جمعیت باید بنا داشته باشد که کلیه اقدامات و فعالیتهای خود را براساس این بیانیه تعریف و تنظیم نموده و در آینده به اجرا درآورد.

دردمندان و تشنگانی که بخواهند براساس این توضیحات و توجیهاات به هر شکل و توانی به حل اساسی و جامع مسائل و مشکلات بشری با این دیدگاه و زمینه پردازند لازم است به بیانیه و اصولی که در اینجا برای جمعیت پیشنهاد می‌شود پای بند و عامل باشند و گرنه حجم مسائل و مشکلات آنقدر فراوان است که آنها را از راه‌باز می‌دارد. آنها می‌توانند خود به راه اندازی و سازماندهی جمعیت براساس این بیانیه پردازند و در هر کنجای دنیا که هستند، در ارتباط سازنده و فزاینده با یکدیگر قرار بگیرند.

نویسنده این توجیه و طرح پیشنهادی خود یکی از این دردمندان و تشنگان صادق و مخلص خواهد بود، که از طریق همین نوشته، دست یاری و دوستی و برادری به هر کسی و هر گروهی و سازمانی و مؤسسه‌ای و نهادی و دولتی که بخواهد صادقانه در راه اندازی و اجرای این طرح عظیم شرکت و یا اقدام کند، دراز نموده و حاضر است هر گونه مشاوره و کمک و همکاری را بی دریغ در اختیار آنان قرار دهد.

۲- در انواع اعضای جمعیت و نحوه فعالیت آنان

جمعیت می‌تواند دارای انواع اعضا با انواع نحوه فعالیت و همکاری بشرح زیر باشد:

۱- عضو رسمی و کامل جمعیت که تمام وقت در اختیار جمعیت و یا یکی از مؤسسات و شرکتهای تابعه آن با اقداماتی که جمعیت برای او برنامه ریزی می‌کند، می‌باشد. این شامل هر گونه فعالیتی در هر محوری که شخص قادر و مایل به آن باشد و جمعیت برای او برنامه ریزی کرده باشد می‌شود. این افراد تابع محض اصول و مرام جمعیت بوده و ویژگیهای رفتاری، ارزشی و باوری و فرهنگی جمعیت را رعایت می‌کنند. چنین اعضای دراستخدام تمام وقت جمعیت و مؤسسات و شرکتهای تابعه آن می‌باشند.

۲- عضو رسمی جمعیت ولی دارای شغل مستقل از آن می‌باشد. رفتارها و برخوردهای چنین عضوی تابع اصول و مرام جمعیت می‌باشد و جمعیت فعالیتهای او را خارج از شغل رسمی و مستقل او، تعریف و برنامه ریزی می‌نماید. این افراد عضو رسمی جمعیت هستند لیکن در استخدام جمعیت و مؤسسات و شرکتهای تابعه آن نمی‌باشند.

این اشخاص می‌توانند در کلیه سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی به صورت رسمی مشغول به خدمت باشند ولی عضوی از جمعیت هستند که در آنجا با استانداردهای رفتاری و فرهنگی جمعیت کار می‌کنند این افراد با عضویت رسمی و کامل خود در جمعیت، تابع اصول و استانداردهای رفتاری و ارزشی و فرهنگی جمعیت می‌باشند.

۳- عضو رسمی جمعیت ولی به صورت نیمه وقت یا پاره وقت با رعایت استانداردها در اختیار جمعیت می‌باشند و الباقی وقت خود را در جای دیگر به صورت مستقل مشغول به کار هستند. این افراد به صورت نیمه وقت یا پاره وقت در استخدام جمعیت و مؤسسات و شرکتهای تابعه آن می‌باشند. و همانند اعضا نوع اول و دوم ملزم به رعایت استانداردهای رفتاری و فرهنگی جمعیت در محیط کار و زندگی شخصی خود هستند.

۴- بدون عضویت رسمی در جمعیت، به عنوان شاغل و مستخدم تمام وقت یا پاره وقت و نیمه وقت برای جمعیت و مؤسسات و شرکتهای تابعه آن کار می‌کند. این افراد الزامی به رعایت استانداردهای رفتاری و فرهنگی جمعیت در زندگی شغلی و شخصی خود ندارند. لیکن در صورتی که در محیط کاری و شغلی جمعیت قرار گرفتند، ملزم به رعایت حداقل هایی در استانداردهای رفتاری و فرهنگی جمعیت خواهند بود. تبعیت از سایر استانداردهای رفتاری و فرهنگی برای این افراد، در جمعیت و یا بیرون از آن، به عهده خود آنان و در اختیار خودشان می‌باشد.

جمعیت بجز مواردی که بطور رسمی و قانونی با این افراد همکاری و قرارداد دارد، در سایر موارد و رفتارها، هیچ گونه حمایت و مسئولیتی ندارد. این افراد بدون عضویت در جمعیت، در استخدام تمام وقت یا پاره وقت و نیمه وقت مؤسسات و شرکتهای تابعه آن می‌باشند.

۵ - بدون عضویت رسمی در جمعیت، و بدون همکاری با آن و یا با همکاری و استخدام در مؤسسات و شرکتهای تابعه جمعیت، به صورت تمام وقت و نیمه وقت و پاره وقت، ولی با میل و علاقه شخصی، از استانداردهای رفتاری و ارزشی و فرهنگی جمعیت، تبعیت می‌کند. جمعیت در قبال چنین افرادی مسئولیتی ندارد، لیکن به آنان به صورت علاقه‌مندان و طرفداران راه و مرام جمعیت نگریده و سعی در جذب و عضویت رسمی آنان بصورت‌های ممکن می‌نماید.

جمعیت سعی دارد لاقفل در هدایت کلی و عمومی این افراد بر اساس استانداردهای خود، بکوشد و عمل نماید.

۶ - بدون عضویت و استخدام رسمی در جمعیت، از طریق قرارداد با جمعیت و مؤسسات و شرکتهای تابعه آن کار می‌کند. جمعیت در قبال این افراد نیز بجز موارد قانونی مندرج در قراردادها، حمایت و مسئولیتی ندارد و تبعیت آنان از استانداردهای رفتاری و فرهنگی جمعیت به عهده خود آنان خواهد بود.

۷ - بدون عضویت رسمی در جمعیت با توافق بر سر بخشی از اصول و مبانی جمعیت، با آن و مؤسسات و شرکتهای تابعه به صورت استخدامی و یا قراردادی، همکاری می‌نماید. چنین افرادی ملزم به رعایت استانداردهای رفتاری و فرهنگی جمعیت در بخشهای مورد توافق می‌باشند.

۸ - سایر مردم، مؤسسات و شرکتهای که هیچ نوع عضویت و استخدامی در جمعیت ندارند و هیچ نوع کاری هم با جمعیت ندارند. لیکن جمعیت می‌کوشد با آنان بر مبنای تلاش عمومی هدایت به راه راست جامعه بشری ارتباط برقرار کرده و به نوعی از انحاء بیان شده، آنها را جذب تا با جمعیت همکاری نمایند و از استانداردها و الگوهای رفتاری و ارزشی و فرهنگی جمعیت، تبعیت کنند. استانداردها و الگوهایی که جمعیت مفید به حال کل جامعه بشری می‌داند.

۳ - ماهیت و نحوه ایجاد جمعیت

بر این اساس برای مشاوره و اجرای طرح جامع هدایت به راه راست، می‌بایستی جمعیتی با این تعریف و توصیف به وجود آورد تا بتوان به صورت سازمان یافته، سیستمی، روشمند و همه جانبه، کار را به حول و قوه الهی به پیش برد. با این شرح و توصیف به نظر می‌رسد چنین جمعیتی باید دارای بیانیه‌ای با اصول و مبانی عمومی معینی باشد.

این بیانیه می‌بایستی اصول و مبانی حرکت جمعیت را شرح و توضیح می‌دهد، تا جمعیت بتواند کلیه اقدامات و فعالیت‌های خود را براساس آن تعریف و تنظیم و به اجرا درآورد. جمعیت باید بنا داشته باشد که از این اصول و مبانی تبعیت کند.

کسانی که صادقانه و عاقلانه مایل به راه اندازی و اجرای طرح جامع صراط مستقیم هستند، می‌توانند براساس چنین بیانیه‌ای به راه اندازی جمعیت صراط مستقیم و یا شرکت در راه اندازی آن اقدام نموده و هر گونه همکاری و کمک و کار و مشاوره خود را در محورهای مختلف آن، به اجرا در آورند. کلیه دستگاهها و نهادها، سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی کشوری و بین المللی می‌توانند از طریق آگاهی بر این بیانیه و تمایل خود با جمعیت همکاری نموده و در راه اندازی و فعالیت‌های آن مشارکت پیدا کنند.

کسانی که به هر نوع و نحوه و میزانی می‌خواهند در جمعیت عضویت و فعالیت داشته باشند و یامی‌خواهند با جمعیت همکاری و مشارکت داشته باشد، می‌توانند با مطالعه این بیانیه و پذیرش مبانی آن، نسبت به این امر اقدام نمایند و کسانی که فقط قسمتی یا بخش هایی از این بیانیه را قبول دارند و مایل به نوعی و نحوی و میزانی از همکاری و کمک و مشاوره و کار در جمعیت و با جمعیت هستند می‌توانند براساس شرایط خود نسبت به این امر اقدام نمایند.

جمعیت یک تشکیلات با صبغه و کارکرد و وجه صنفی و پژوهشی، علمی و آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، و اقتصادی و فنی می‌باشد که سعی دارد اقدامات و فعالیت‌های خود را در مشاوره و اجرای طرح جامع صراط مستقیم با همین وجه و صبغه، به انجام رساند.

۴- بیانیه پیشنهادی «جمعیت صراط مستقیم»

اصول و مبانی پیشنهادی جمعیت صراط مستقیم بر اساس فلسفه و ضرورت ایجاد آن، به شرح زیر می‌باشد:

۱- اهداف جمعیت

۱- شناخت و عمل به حق و راه راست

۲- رستگاری و سعادت مردم جهان

۲- رسالت و مأموریت جمعیت

۱- مطالعه و بررسی، آگاهی و شناخت، معرفی و تبلیغ حق و صراط مستقیم و جامعه و نظام حق

۲- مطالعه و بررسی، شناخت و طراحی، معرفی و تبلیغ جامعه و نظام مطلوب در سطح جهانی

۳- فراهم کردن شرایط و زمینه‌های باور و عمل به حق و صراط مستقیم برای مردم جهان

۴- مشاوره و فراهم کردن شرایط و زمینه‌های ایجاد و پیاده سازی، هدایت و اداره، حفظ و نگهداری، رشد و توسعه جامعه و نظام حق و مطلوب در سطح جهانی.

۳- محوره‌های اصلی اقدامات و فعالیتهای جمعیت :

محوره‌های اصلی اقدامات و فعالیتهای جمعیت صراط مستقیم همان موضوعات و محوره‌های بیان شده در طرح جامع صراط مستقیم است که به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- تحقیق و بررسی اعجاز قرآن و عدم تحریف قرآن و کلام وحی بودن قرآن.
- ۲- بحث و گفتگو و همکاری مشترک با همه ادیان، مذاهب، احزاب و مکاتب، فرهنگها و تمدنها، دولتها و ملت‌های جهان در اصلاح و بهبود جامعه و نظام مطلوب جهانی.
- ۳- بازشناسی و معرفی اساسی و همه جانبه اسلام و قرآن، جامعه و نظام اسلامی مطلوب.
- ۴- خدمات فرهنگی و تبلیغی فرهنگ و تمدن اسلامی، آموزش و پرورش اسلامی.
- ۵- ایجاد، نگهداری و توسعه جوامع نمونه اسلامی، در قالب شهرکها، محله‌ها و روستاها.
- ۶- مشاوره و همکاری و کمک به دولتها و کشورهای اسلامی در اصلاح و بهبود وضعیت و عملکرد مسلمانان و کشورهای اسلامی، و مدیریت و اداره آنها.
- ۷- مطالعات و پژوهشهای بنیادی و گسترده در مسائل و موضوعات مختلف و عمومی مورد نیاز جامعه و نظام اسلامی و جهانی.
- ۸- خدمات عمومی و اجتماعی و خیریه.
- ۹- مطالعات و پژوهشهای عمومی ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب، فرهنگها و تمدنها، اقوام و ملل، دولتها و نظامهای جهان.
- ۱۰- خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و اطلاع رسانی.
- ۱۱- سایر خدمات و مطالعات و پژوهشهای عام و خاص زمینه‌ای، مقدماتی و حاشیه‌ای مورد نیاز اهداف جمعیت.
- ۱۲- خدمات و تولیدات اقتصادی در تأمین و پشتیبانی محوره‌های فوق و جمعیت صراط مستقیم.

۴- نوع و طیف کارکردهای جمعیت

نوع و طیف کارکردهای جمعیت و مؤسسات و شرکتهای تابعه آن به شرح زیر می‌باشد :

- ۱- مطالعات و بررسیهای آزاد و منظم
- ۲- پژوهشهای نظری و کاربردی
- ۳- آموزش در اشکال و مقاطع مختلف
- ۴- مشاوره در ابعاد و امور مختلف

- ۵- خدمات فرهنگی و تبلیغی
- ۶- خدمات اجتماعی و عمومی
- ۷- خدمات و تولیدات اقتصادی و فنی
- ۸- خدمات کامپیوتری و اطلاع رسانی

۵- طرق اجرای طرح‌ها و برنامه‌های جمعیت

- ۱- اجرای مستقیم توسط امکانات و منابع خود جمعیت و مؤسسات و شرکتهای تابعه آن .
- ۲- عقد قرارداد به عنوان کارفرما با اشخاص حقیقی، سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی، کشوری و بین المللی به منظور اجرای کل یا بخشی از یک طرح یا پروژه‌ای از جمعیت .
- ۳- عقد قرارداد به عنوان مجری یا مشاور با اشخاص حقیقی، سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی، کشوری و بین المللی به منظور اجرای کل یا بخشی از یک طرح یا پروژه‌ای مربوط به آنها و مورد نظر و توافق جمعیت.
- ۴- اجرای مشترک طرح یا پروژه‌ای با همکاری اشخاص حقیقی، سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی، کشوری و بین المللی که مورد توافق جمعیت و طرف همکاری می‌باشد .

۶- اصول کلی راهنما و حاکم بر اندیشه و عمل، ساختار و رفتار، سیستم و روش جمعیت

- ۱- اصل وحدت اسلامی مسلمین
 - ۲- اصل صلح و امنیت جهانی، اسلامی و ملی
 - ۳- اصل حق گرایی و باطل‌گریزی همه جانبه و دائمی
 - ۴- اصل احترام به قوانین بین المللی و حاکمیت دولتهای رسمی و قوانین اساسی کشورها
 - ۵- اصل سنگ زیرین آسیاب
 - ۶- اصل برتری و سبقت در شایستگی و نیکوکاری
 - ۷- اصل دایره‌های بزرگتر و کم رنگ‌تر خودی و اختلاف مجاز
 - ۸- اصل مدیریت جامع، روشمند و سیستمی
 - ۹- اصل مصالح و منافع عمومی اسلامی، جهانی و ملی
- شرح این اصول در بخشهای بعدی خواهد آمد.

۷- ارکان جمعیت

جمعیت صراط مستقیم می‌تواند دارای ارکانی به شرح زیر باشد:

- ۱- کنگره جهانی جمعیت، متشکل از مدیران دفاتر مرکزی جمعیت در سراسر کشورهای اسلامی و سایر نقاط جهان و نیز عناصر ستادی جمعیت در دفتر مرکزی جهانی و مدیران مؤسسات و شرکتهای تابعه دفتر مرکزی.
- کنگره جهانی جمعیت به عنوان مهم‌ترین رکن جمعیت در سیاست‌گذاری و تعیین برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت و تعیین مدیر دفتر مرکزی جهانی جمعیت، عمل می‌نماید.
- ۲- کنگره‌های کشوری جمعیت در هر کشور اسلامی و نیز سایر کشورهای جهان.
- ۳- دفتر مرکزی جهانی جمعیت که بنا بر شرایط و جواز مناسب‌تر در یکی از کشورهای اسلامی قرار داده می‌شود.
- ۴- دفاتر مرکزی کشوری جمعیت در هر کشور اسلامی و در سایر نقاط جهان.
- ۵- دفتر شعب شهرستانی جمعیت در هر کشور اسلامی و غیر آن در جهان.
- ۶- مؤسسات و شرکتهای وابسته و تابعه جمعیت در دفتر مرکزی جهانی، دفاتر مرکزی کشوری و دفاتر شعب شهرستانی و بین‌المللی
- ۷- مدیر دفتر مرکزی جهانی جمعیت یا دبیر جمعیت.
- ۸- مدیران دفاتر مرکزی کشوری .
- ۹- مدیران دفاتر شعب شهرستانی .
- ۱۰- مدیران مؤسسات و شرکتهای وابسته و تابعه جمعیت.

۸- مؤسسات و شرکتهای اصلی وابسته به جمعیت

بعضی مؤسسات اصلی تابعه و وابسته جمعیت صراط مستقیم، می‌تواند موسساتی به شرح زیر باشند که هر کدام از آنها می‌تواند شرکتهای متعددی، تحت پوشش خود داشته باشند.

- ۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای اسلامی و قرآنی
برای اجرای طرحهای مربوط به اعجاز قرآن، عدم تحریف قرآن، علوم قرآنی، تفسیر قرآن، بازشناسی و معرفی‌اساسی و همه‌جانبه اسلام و قرآن، جامعه و نظام اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی، مطالعات عمومی ادیان و مذاهب، احزاب و مکاتب .
- ۲- مؤسسه مالی و اقتصادی جمعیت

کلیه شرکتهای مالی و اقتصادی تولیدی و خدماتی جمعیت تحت پوشش این مؤسسه عمل خواهند نمود.

۳- مؤسسه مجتمع‌ها و جوامع نمونه اسلامی

مطالعات، طراحی، ایجاد و اداره مجتمع‌ها و جوامع نمونه اسلامی در قالب شهرکها، روستاها، محله‌ها، تعاونیها، بلوکها و برجهای ساختمانی.

۴- مؤسسه خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و اطلاع‌رسانی

این مؤسسه می‌تواند دارای شرکتهای وابسته و تابعه در بخشهای جزئی تر باشد.

۵- مؤسسه خدمات مشاوره‌ای جمعیت

کلیه خدمات مشاوره‌ای مدیریتی، مهندسی، دولتی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی برای کلیه‌سازمان‌ها، دستگاه‌ها، نهادها و دولت‌ها از طریق شرکت‌های تابعه این مؤسسه انجام خواهد پذیرفت.

۶- مؤسسه خدمات آموزشی جمعیت

شامل مدارس، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و خاص، مدارس خاص، آموزشکده‌های ویژه و...

۷- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای علمی و فنی

۸- مؤسسه خدمات فرهنگی و تبلیغی

۹- مؤسسه خدمات عمومی و اجتماعی و خیریه

درمانگاهها، بیمارستانها، مراکز امدادی و کمک‌رسانی، مراکز رسیدگی به خانواده‌های بی‌سرپرست، باشگاههای ورزشی، مراکز هنری، مراکز جهانگردی و هتل‌داری، مراکز تفریحی و سرگرمی جمعیت، تحت پوشش این مؤسسه خواهند بود.

۱۰- مؤسسه ارتباطات جهانی و اسلامی

شامل امور حقوقی، ارتباطات و روابط عمومی، ارتباطات و روابط خاص. معرفی و تبلیغ جمعیت و ارتباط با کلیه دولت‌ها، سازمان‌ها، نهادها، جمعیت‌ها، احزاب و مؤسسات کشوری و بین‌المللی جمعیت از طریق این مؤسسه انجام خواهد شد.

۵- شرح اصول کلی راهنما و حاکم بر جمعیت

۱- اصل وحدت اسلامی مسلمین

جمعیت صراط مستقیم در اندیشه و عمل به وحدت مسلمین در ابعاد و زمینه‌های مختلف است و براساس این اصل، جمعیت می‌کوشد که مسلمین به وحدت اسلامی بیندیشند و عمل کنند.

وحدت اسلامی مسلمین دارای وجوه و ابعاد مختلف بشرح زیر است :

۱- وحدت نظری اعتقادی و ارزشی:

به معنی آنکه علمای اسلام و مسلمین جهان به یک توافق کلی در اصول و فروع اعتقادات، باورها و ارزشهایی برسند که هر مسلمانی آنها را بپذیرد. و وحدت اسلامی نظری حول این اصول و فروع حاصل‌گردد. اختلافات بعد از این باورها و ارزشها را همه، اختلاف مجاز قلمداد کنند و بحث و گفتگوی برادرانه و صادقانه را همواره بتوانند در آنها ادامه دهند. وجود اختلافات مجاز بعد از اصول و فروع مورد توافق اعتقادی و ارزشی در جهان اسلام به هیچ وجه نباید مورد نزاع و درگیری و جدایی مسلمین از یکدیگر شود.

حصول این وحدت بسیار مشکل و راهی طولانی در پیش دارد و از اهداف اصلی جمعیت حصول چنین وحدتی در جهان اسلام و مسلمین است، که جمعیت به حول و قوه الهی برای آن برنامه ریزی و فعالیت خواهد نمود.

در حال حاضر جمعیت اعتقادش بر این است که تا حد ممکن مبانی اعتقادی مشترک فعلی بین مسلمین هرچند به صورت کلی، اساس وحدت اسلامی نظری مسلمین قرار گیرد و فراتر از آن را هر مذهبی نزد خود قبول داشته باشد ولی باب گفتگو و مباحثه و جستجوگری و تحقیق صادقانه و عالمانه را بین خود باز کنند تا هرچه بیشتر بتوان فاصله‌ها و اختلافات را کاست.

ارزشها و اعتقاداتی که هم اکنون میان مسلمین جهان محل نزاع و اختلاف است تا ممکن است کنار گذاشته شود و حداقل در محافل مشترک بر آنها تاکید نشود.

جمعیت خود را در این زمینه ملزم می‌داند که بیشتر روی همان مبانی اعتقادی و ارزشی مشترک کار و تبلیغ کند و در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی خود بیشتر همان اصول مشترک را مبنا قرار دهد. و الباقی باورها و ارزشهای خاص مذهبی مورد اختلاف را از یک سو در میدان بحث و تحقیق قرار دهد و از سوی دیگر در دایره اختلافات مجاز میان مسلمین قرار دهد و با این دید به آنها بنگرد. جمعیت به خاطر باورها و ارزشهای اختلافی میان مسلمین وارد درگیریهای و نزاعهای ناشی از آنها نمی‌شود ولی وارد مباحثات و بررسیهای علمی و تحقیقاتی در این زمینه‌ها می‌گردد.

۲- وحدت عملی و فقهی :

از آنجا که اختلافات عملی و فقهی اسلامی و شرعی میان مسلمین امری پذیرفته شده است و کسی بر سر آنها کسی نزاع چندانی ندارد، لذا از نظر جمعیت عمل به هر حوزه فقهی اسلامی برای مسلمین آن مذهب و حوزه فقهی خاص، مجاز است و جمعیت در این زمینه توصیه و موضع‌گیری خاصی ندارد. لیکن در راستای تحقیقات و مطالعات جمعیت، در بازشناسی و معرفی اساسی و همه‌جانبه اسلام و قرآن، فقه و اصول فقه و فتاوی فقهی، اختلافات این فتاواها در همه حوزه‌های فقهی مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت و نتایج مأخوذه در آنها اعلام خواهد شد.

اما تا آن موقع توصیه عمومی جمعیت و رعایت عمومی خود جمعیت بر آن خواهد بود که اعمالی که موجب ناراحتی سایر مسلمین از سایر مذاهب و یا برخلاف فتاوی فقهی حوزه فقهی مذاهب دیگر می‌شود و آن اعمال مستحب می‌باشند تا ممکن است از آنها پرهیز شود. و حداقل در محافل خصوصی تر آن مذهب عمل شود. و اعمالی که این چنین است و نزد پیروان آن مذهب و مقلدان آن فتوی، حکم و جوب یا تحریم دارد، توصیه می‌شود تا ممکن است لاقول در یک زمان و مکان واحد و در حضور پیروان سایر مذاهب و مقلدان سایر مراجع انجام نشود و به صورت جداگانه و منفرد انجام پذیرد. جمعیت تلاش می‌کند و توصیه می‌نماید که علمای اسلام نسبت به این گونه فتاوا با توجه به شرایط و مصالح عالی اسلام و مسلمین لاقول بازنگری و تجدید نظری در این بخش از فتاوی خود بفرمایند. کما اینکه بسیاری از این بازنگریها، امروز در بعضی فتاوا صورت پذیرفته است.

جمعیت می‌کوشد خود زمینه سازی عملی چنین وحدتی را حتی قبل از تحقیقات فقهی مذکور فراهم آورد و بان عمل کند.

۳- وحدت سیاسی :

جمعیت می‌کوشد که دولتهای اسلامی به لحاظ سیاسی مواضع خود را به یکدیگر نزدیک نمایند و مسلمین جهان از یک وحدت نظر سیاسی برخوردار گردند.

وحدت نظر سیاسی میان مسلمین به ترتیب اولویت سه سطح دارد .

۱- سطح اول که از همه مهم‌تر است وحدت سیاسی جهانی دولتها و ملل اسلامی حول مسائل و امور سیاسی جهانی و بین‌المللی است .

۲- سطح دوم که باز خیلی مهم است وحدت سیاسی اسلامی دولتها و ملل اسلامی حول مسائل و امور سیاسی جهان اسلام و کشورهای اسلامی است .

۳- سطح سوم که برای تک تک خود کشورهای اسلامی اهمیت دارد و برای جهان اسلام هم مهم است وحدت سیاسی ملی هر کشور اسلامی حول مسائل و امور سیاسی درونی خودشان می باشد.

اختلافات سیاسی ملی درون کشورهای اسلامی برای جهان اسلام هم نگران کننده است. لذا جمعیت می کوشد تا هر سطح وحدت سیاسی را در میان مسلمین توسعه دهد و خود نیز عامل بر آن باشد.

جمعیت بیشتر آن مبانی سیاسی را مورد توجه و تاکید قرار می دهد که مسلمین به ترتیب در این سه سطح به وحدت نسبی در باره آنها رسیده باشند. این دکترین تاکتیکی سیاسی فعلی جمعیت در شرایط حاضر و تا قبل از تحقیقات دامنه دار خود در حوزه های مختلف می باشد. کاهش محدودیتهای ناشی از مرزبندی های جغرافیایی و سیاسی میان کشورهای اسلامی و مسلمین از مسائل مورد توجه جمعیت خواهد بود.

۴- وحدت فرهنگی :

جمعیت به آن دسته از امور فرهنگی و مدنیت که ناشی از سوابق تاریخی و ملی اقوام و ملل اسلامی و نیز ناشی از مذهبی خاص در اسلام می باشد، توجه و تاکید خاص عملی چه در موافقت و چه در مخالفت ندارد. و بلکه احترام هم می گذارد. لیکن جمعیت بر آن دسته از امور و مسائل فرهنگی و مدنیت که بواسطه اسلام میان همه مسلمین و مذاهب اسلامی مشترک بوده و وحدت یافته است توجه نموده و برای آنها کار و فعالیت فرهنگی و تبلیغی می نماید.

۵- وحدت اجتماعی

جمعیت می کوشد تا اختلافات اجتماعی میان طبقات مسلمین را تا حد ممکن کاهش دهد و مسلمین در سراسر جهان از یک هویت ملی و امتی اسلامی برخوردار شوند. هویت های ملی خاص هر قوم و ملت مسلمان در هر مرز بندی جغرافیایی و سیاسی باید در قالب و در راستای این هویت اساسی مسلمین شکل بگیرد و ناقض آن نباشد. به عبارتی مسلمین جهان می بایستی علاوه بر داشتن و احساس یک هویت جهانی و بین المللی دارای یک هویت اسلامی در راستا و در دل آن باشند و هویت های مذهبی و ملی و قومی و نژادی و فرهنگی و زبانی و غیره همه در درون و در راستای این هویت اساسی قرار داشته باشند. این چیزی است که جمعیت بر آن تاکید و تکیه دارد.

هم چنین جمعیت می کوشد تا میان قشرهای مختلف ملل اسلامی و میان طبقات اجتماعی بوجود آمده در جوامع اسلامی ناشی از امور شغلی و حرفه ای و اقتصادی، وحدت و برادری ایجاد نماید.

۶- وحدت اقتصادی :

جمعیت می‌کوشد تا ملل و کشورهای اسلامی مختلف به یک سطح اقتصادی مشترک و مرتبط و هم‌ارز برسند بطوری که بتوان از یک واحد پولی یگانه در میان آنان برخوردار بود و مسلمین همه کشورها در یک وضعیت یکنواختی از نظر اقتصادی و رفاهی قرار گیرند. این امر لازمه‌اش تعامل و کمک اقتصادی کشورهای اسلامی به یکدیگر است.

۷- وحدت امنیتی و دفاعی:

مهم‌ترین وحدت میان کشورهای اسلامی، وحدت امنیتی و دفاعی است جمعیت می‌کوشد تا در راستای این وحدت دولتها و ملل اسلامی را به یکدیگر نزدیک گرداند به گونه‌ای که کل کشورهای اسلامی در یک پیمان‌امنیتی و دفاعی واحد نسبت به تهدیدات خارج از جهان اسلام قرار گیرند. جمعیت در زمینه تهدیدات امنیتی بین کشورهای اسلامی و تهدیدات امنیتی درونی کشورهای اسلامی توصیه به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌نماید و بر این امر نیز تلاش و تبلیغ می‌کند.

در مجموع اصل وحدت اسلامی در تمامی ابعاد و زمینه‌ها مورد توجه و تاکید خاص جمعیت صراط‌مستقیم در سراسر کشورهای اسلامی و میان همه مذاهب و اقوام و ملل اسلامی و مسلمین در سراسر جهان می‌باشد.

جمعیت این اصل مهم را از اصول اساسی و اولیه خود می‌داند که آن را بر کلیه افکار و نظرات، اعمال و رفتار خود حاکم و راهنما می‌داند.

جمعیت کلیه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات خود را با توجه و تاکید و رعایت این اصل اصیل و بنیادی انجام می‌دهد.

جمعیت سعی دارد از کلیه نظرات و رفتارها و اعمالی که به نوعی موجبات تضعیف این اصل را فراهم آورده و میان مسلمین اختلاف و نزاع برانگیزد دوری نماید.

۲- اصل صلح و امنیت جهانی، اسلامی و ملی

جمعیت راه راست این اصل را شعار خود قرار داده و پیوسته می‌کوشد از هر آن چیزی که موجبات برهم‌زدن صلح و امنیت جهانی، اسلامی و ملی می‌شود بپرهیزد. این به معنی فدا کردن حق به خاطر صلح و امنیت نیست، بلکه به معنی آن است که صلح و امنیت مصلحتی است که باید مصلحتی بزرگتر و مهم‌تر و قوی‌تر پیش‌آید تا بتوان آنرا به اندازه لازم نقض نمود.

در واقع در صلح و امنیت و بر مبنای آن هست که هر اقدام دیگری جز جنگ معنی و مفهوم پیدا می‌کند. تنهاکاری که در صلح و امنیت نمی‌شود انجام داد، اغتشاش و شورش و نزاع و جنگ است. بنابراین برقراری و حفظ صلح و امنیت، امر و مصلحت حق و ضروری است که همه باید برای آن

بکوشند. هر نوع اختلافی را باید بتوان از طریق گفتگو و مذاکره و مباحثه منطقی با ناظران عادل و مورد قبول طرفین دعوا و داوریه‌های عادلانه حل نمود.

لیکن در جایی که عواملی تن به مذاکره و گفتگوی منطقی نمی‌دهند و یا تن می‌دهند ولی عمل نمی‌کنند و به عبارتی صلح و امنیت را تهدید عملی می‌نمایند، می‌بایستی با آنها مقابله کرد و جنگید. این جنگ، جنگ به خاطر صلح و امنیت است و این جنگ و نزاع مانعی ندارد.

بنابراین جمعیت هر نوع آغازگری جنگ و نزاع را در عمل، محکوم می‌کند و هر نوع سرانجام‌گری دفاعی را برای برقراری و حفظ صلح و امنیت تایید می‌نماید. و اعضای آن همانند سایر مردم در دفاع از صلح و امنیت شرکت کرده و دولت‌ها و ملت‌ها را در این زمینه یاری می‌کنند.

از نظر جمعیت صلح و امنیت در سه سطح و به سه اولویت مطرح است.

سطح و اولویت اول، صلح و امنیت اسلامی و مسلمین جهان است.

سطح و اولویت دوم، صلح و امنیت جهانی و مردم جهان است.

سطح و اولویت سوم، صلح و امنیت ملی و مردم کشور و سرزمین خود است.

این ترتیب اولویت به این معنی است که مصالح و منافع اسلامی و مسلمین در صلح و امنیت بر مصالح و منافع صلح و امنیت جهانی و ملی برتری دارد. به عبارتی جمعیت اصل صلح و امنیت را ابتدا و بیشتر برای جهان اسلام در نظر دارد و سپس برای جهان و کشور در نظر می‌گیرد.

جمعیت معتقد است با این اولویت بندی باید بطور همزمان و به تناسب و ضرورت مورد نیاز در هر سه سطح صلح و امنیت توجه و تلاش و تبلیغ نمود.

۳- اصل حق‌گرایی و باطل‌گریزی همه جانبه و دائمی

جمعیت همواره تلاش می‌نماید که حق را شناخته و به آن بپیوندد و باطل را نیز شناخته و از آن بگریزد. رعایت این اصل در تمام ابعاد و امور جامعه بشری، جامعه اسلامی و جامعه ملی مورد توجه و تاکید جمعیت است. این اصل به عنوان یک دکترین راهنما، پیوسته جمعیت را سمت و سو می‌دهد.

این که حق چیست که باید به آن گرایش پیدا کرد و باطل کدام است که باید از آن گریخت، امری است که جمعیت تمام تلاش و کوشش خود را صرف یافتن آن از طرق منطقی و عملی می‌نماید. اما به محض اینکه حق و باطل مشخص شد، جمعیت گرایش به حق و گریز از باطل را عمل می‌کند. براساس این اصل، جمعیت، پیوسته از حق دفاع کرده و بر آن عمل می‌نماید و دائماً با باطل مبارزه کرده و از آن می‌گریزد.

این اصل به جمعیت پس از شناخت و معرفت حق و باطل، جنبه عملی می‌دهد. به عبارتی جمعیت خوداول کس و اول عامل به حق و مدافع حق و اول مبارز با باطل و گریزنده از آن خواهد شد. باین

ترتیب جمعیت‌سختی را در حق و باطل نمی‌گوید مگر آنکه ابتدا خود به حق، عامل و وابسته شده باشد و از باطل گریخته و بری‌گردیده باشد.

رعایت اصل حق‌گرایی و باطل‌گریزی جمعیت را در موضع عمل و نمود، اسوه و نمونه راستی و حق‌گرایی قرار می‌دهد و به عبارتی رفتار او، خود، تبلیغی برای راه راستی می‌شود که او بیان می‌نماید.

۴- اصل احترام به قوانین بین‌المللی و حاکمیت دولتهای رسمی و قوانین اساسی کشورها

جمعیت در هر کجای دنیا و در هر کشوری به کلیه قوانین بین‌المللی مورد قبول ملل جهان که امروز در قالب منشور ملل متحد و قوانین موضوعه در سازمانهای بین‌المللی از قبیل سازمان ملل متحد و سازمانهای تابعه آن نمود پیدا می‌کند، احترام گذاشته و آنها را رعایت می‌نماید.

هم‌چنین جمعیت حاکمیت دولتهای قانونی و رسمی همه کشورهای جهان را که مورد قبول سایر کشورهای جهان می‌باشد، پذیرفته و به قوانین اساسی موضوعه در هر کشوری احترام می‌گذارد.

جمعیت در هر کشوری و نیز در سطح جهانی می‌کوشد کلیه اقدامات و فعالیتهای خود را از مجاری قانونی و رسمی حاکم بر کشورها به انجام رساند. این احترام و تایید و رعایت جمعیت نسبت به قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها به معنی قبول منطقی و اعتقادی همه آنها نیست.

جمعیت نقد و بررسی خود را نسبت به این قوانین در اقدامات پژوهشی خود انجام می‌دهد و مبادی و مراجع مربوطه را از نظرات و نتایج تحقیقات خود مطلع می‌گرداند و سعی می‌نماید که از همان طرق قانونی و رسمی بتواند در صورت لزوم نسبت به تغییرات در این قوانین زمینه‌سازی نموده و به مراجع مربوطه مشاوره دهد.

اما تا زمانی که این قوانین حاکمیت رسمی دارند، جمعیت نسبت به رعایت آنها همچنان پای بند خواهد بود.

جمعیت در صورت لزوم بدون نقض حاکمیت دولتهای رسمی و با احترام به این اصل از طرق قانونی مورد عمل در هر کشوری نسبت به نقد و بررسی دولتها اقدام و نظرات مشورتی خود را رسماً به آنها ارائه خواهد نمود. جمعیت راه راست عملاً در هیچ اقدام ضد دولتی و براندازی و شورش‌گری، در هیچ کشوری از جهان و نیز تأکیداً کشورهای اسلامی وارد نمی‌شود و اساساً جمعیت براساس سیاست کلی که دارد به هیچ وجه دارای توان و اقدام‌نظامی و انتظامی نیست و نخواهد بود. ولی اگر کشوری اسلامی مورد تهدید امنیتی داخلی یا خارجی قرار گرفت در آن صورت جمعیت در آن کشور با توجه به سایر اصول مورد قبول، همانند سایر مردم کشور خود عمل خواهد نمود و اگر این امر موجب تعارض درون جمعیت در سطح دو یا چند کشور اسلامی شد در آن صورت جمعیت سعی خواهد نمود تا ممکن است از این تعارض دوری گزیده و پرهیز نماید.

۵- اصل سنگ زیرین آسیاب :

جمعیت به منظور پیشبرد اهداف و مرام خود دکترین سنگ زیرین آسیاب را دکترین راهنما در تمامی مراحل اندیشه و عمل خود قرار می‌دهد.

دکترین سنگ زیرین آسیاب، جمعیت را همواره نسبت به دیگران در موضع جذب و مدارا و هدایت قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر جمعیت همواره موظف به صبوری نسبت به دیگران است و حق ندارد به هیچ وجه کسی را از خود بیازارد و برنجانند. این به خاطر ایجاد فضا و شرایط و زمینه مطلوب در هدایت به راه راست دیگران است. جمعیت حق ندارد نسبت به دیگران عکس العمل‌های تند و مردم‌گریز داشته باشد بلکه باید پیوسته بکوشد دیگران را جذب کرده و آنها را اداره و هدایت نماید.

سنگ زیرین آسیاب همواره آرام و پرتحمل زمینه و شرایط هدایت به راه راست و عمل به نیکی را برای دیگران فراهم می‌آورد. دکترین سنگ زیرین آسیاب به جمعیت این امکان را می‌دهد که بتواند با صبر و مقاومت و تحمل سختیها و رنجها و مشقتها ناشی از هدایت به راه راست مردم، زمینه‌ها و شرایط مناسب را برای امتحان و ابتلا و هدایت به راه راست خود و هدایت به راه راست دیگران فراهم آورد.

از نظر هدایت و گمراهی، افراد و گروههای بشری به پنج دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند :

- ۱- ائمه، رهبران و اسوه‌های حق و راه راست و درستی و عدالت و نیکوکاری و شایستگی
- ۲- پیروان و عاملان به حق و راه راست و درستی و عدالت و نیکوکاری و شایستگی
- ۳- مردمان بی تفاوت و بینابین که گاهی در پیروان حق و راه راستند و گاهی از باطل و گمراهی پیروی می‌نمایند.

۴- پیروان و عاملان به باطل و گمراهی و نادرستی و ظلم و زشت کاری و بی لیاقتی

۵- ائمه، رهبران و اسوه‌های باطل و گمراهی و نادرستی و ظلم و زشت کاری و بی لیاقتی
جمعیت اصل سنگ زیرین آسیاب را بیشتر در مورد مردمان گروه سوم و چهارم بکار می‌برد و براساس آن سعی دارد پیوسته با این مردمان از در مدارا و صبوری و جذب و هدایت و عفو و بخشش عمل کند.

اما در مورد گروه اول جمعیت ضمن اطاعت و پیروی از آنها نسبت به آنها احترام و محبت و عشق می‌ورزد و نسبت به گروه دوم جمعیت تواضع و فروتنی و دوستی و محبت نشان می‌دهد و نسبت به گروه پنجم پس از اتمام حجت و قطعیت در عدم هدایت آنان از آنها فاصله گرفته و دوری می‌نماید.

موضع جمعیت در قبال ائمه و رهبران و اسوه‌های باطل و گمراهی و فسق و فجور در عالم براساس اصل سنگ زیرین آسیاب همواره موضع جذب و هدایت آنان هست و همواره سعی می‌نماید که

با آنها در موضع اتمام حجت قرار داشته باشد. لیکن آنها خود بواسطه شدت غرور و فسق و فجوری که دارند هم از حق و راه راست بیشتر فاصله می گیرند و هم اینکه دیگران را به باطل و گمراهی می کشانند و هم اینکه حق و راه راست را تهدید نموده و بر علیه آن وارد عمل می شوند. اینجاست که جمعیت اولاً از آنها فاصله می گیرد ثانیاً در مقام دفاع از حق و صراط مستقیم با آنها در ابعاد مختلف به مبارزه پرداخته و سعی می کند آنها را یا در موضع و حد خودشان محصور نگهدارد و یا در نهایت و در صورت نبودن چاره‌ای دیگر، در یک فضای مورد قبول مردم جهان و مسلمین، کمک کرده و زمینه و شرایط نابودی آنها را فراهم آورد.

جمعیت در این مرحله از اقدام، در دفاع از حق و ائمه راه راست و مردمان هدایت شده به صراط مستقیم، به همراه سایر مردم در مبارزه بر علیه ائمه و سران باطل و گمراهی، فسق و فجور در عالم، مشارکت و مشاورت نموده و با آنان وارد عمل می شود.

جمعیت خود سعی می نماید که در زمره گروه دوم از بهترین پیروان و عاملان به حق و راه راست و درستی و نیکوکاری و شایستگی باشد. جمعیت در برخورد با این پنج دسته از افراد و گروه‌های بشری نسبت به گروه‌های اول و دوم و سوم از سیاست جو و فضای باز و مثبت استفاده می کند و نسبت به گروه‌های چهارم و پنجم از سیاست جو و فضای بسته و منفی و محصور کننده بهره برداری می نماید. این سیاست مبتنی بر دکترین سنگ زیرین آسیاب قادر خواهد بود تا حداکثر شرایط و فضای مناسب را برای رشد و توسعه حق و صراط مستقیم و محدودیت و نابودی باطل و گمراهی فراهم آورد و این همان چیزی است که مطلوب جمعیت خواهد بود.

۶- اصل برتری و سبقت در شایستگی و نیکوکاری :

یکی دیگر از اصول و دکترین راهنمای جمعیت در تمامی مراحل اندیشه و عمل آن ، اصل و دکترین برتری و سبقت در شایستگی و نیکوکاری است. این دکترین پیوسته اعضای جمعیت را و می دارد که در همه زمینه‌های مطلوب اندیشه و عمل تا می توانند خود را نسبت به دیگران برتر قرار داده و در عمل به خیر، گوی سبقت را از دیگران برابند.

جمعیت براساس این اصل می کوشد تا در جامعه شایسته‌ترین و نیکوکارترین انسانهای روی زمین را تعریف و تربیت نماید.

آنها همواره سعی دارند در ابعاد و وجوه زیر برتری خود را نسبت به دیگران و مسلمین و سایر مردم جهان در شایستگی و لیاقت حفظ نموده و گوی سبقت در نیکوکاری را از آنها برابند.

۱- از نظر اخلاق، خوش اخلاق، متواضع، شجاع.

۲- از نظر فرهنگ و تمدن و مدنیت، متمدن و با فرهنگ و در سطح بالای شعور و رفتار اجتماعی.

۳- از نظر روانی و شخصیتی، متعادل و دارای فعل و انفعالات و عکس العمل‌های عاقلانه و غیراحساسی.

۴- از نظر بهداشتی، پاک و تمیز و مراعی دستورات بهداشتی فردی و اجتماعی.

۵- از نظر جسمی، سالم و خوش اندام و زیبا

۶- از نظر وضعیت ظاهری، خوش لباس و خوش تیپ

۷- از نظر آگاهی عمومی، دارای آگاهی عمومی مورد نیاز در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی و قوانین اجتماعی.

۸- از نظر حرفه و شغل، دارای آگاهی و توانایی و کارایی بالای حرفه‌ای و تخصصی.

۹- از نظر ذهنی و فکری، دارای عقل و منطق، نگرش و بینش سیستمی و هوشمندی و روشمندی، تدبیر و تدبیر.

۱۰- از نظر ایمان و یقین، عارف و مؤمن و متقی.

۱۱- از نظر نیکوکاری، عامل و سابق به اعمال و رفتار نیک و خیر از قبیل صلوه و انفاق، کمک و یاری به دیگران، دفاع از حق و مبارزه با باطل.

۱۲- از نظر فداکاری و ایثارگری، افرادی شجاع و ایثارگر و در خدمت مردم.

این ویژگی‌ها و مشخصات در افراد جمعیت باید به گونه‌ای باشد که همواره دیگران را وادار به احترام به جمعیت و افراد آن نموده و هر کسی در عمل معنی و مفهوم راه راست و حق و خیر و نیکی را دریابد و باور کند.

افراد جمعیت باید به گونه‌ای زندگی کنند و با مردم محشور باشند که مردم وقتی آنها را از دور و نزدیک می‌بینند و با آنها برخورد می‌کنند و ارتباطی برقرار می‌نمایند، اولاً نتوانند از آنها عیب و ایرادی بگیرند. ثانیاً معنی انسان نیک و شایسته را در عمل مشاهده کنند. ثالثاً آنها با همان رفتار شایسته خود، مردم را به اندیشه و عمل نیکی و شایستگی بکشانند و تحریک نمایند. رابعاً مردم با دیدن آنها به یاد پروردگار و آخرتشان بیفتند و عباد صالح را در عمل مشاهده کنند.

رعایت این اصل برای جمعیت مهم‌ترین ابزار و وسیله او برای اثبات و دوام و توسعه ایمان و عمل در خود جمعیت و تشویق و راهنمایی دیگران به حق و صراط مستقیم خواهد بود.

مراعات این اصل در جمعیت باعث می‌شود که حداقل کسی نتواند در عمل به جمعیت و افراد آن عیب و ایرادی بگیرد و این زمینه جذب و هدایت مردم را به حق و صراط مستقیم فراهم می‌کند.

۷- اصل دایره‌های بزرگتر و کم رنگ‌تر خودی و اختلافات مجاز :

انسانها به خاطر شرایط و زمینه‌هایی که دارند و اندیشه‌ها و اراده‌هایی که می‌نمایند، گریزی از اختلاف در بین خود ندارند. به عبارتی دیگر وجود اختلاف در میان انسانها امری طبیعی است. لیکن آنچه که اهمیت دارد نحوه برخورد انسانها با این اختلافات و حل آنها و نتایجی که از آنها برای تنظیم روابط و برخوردهای خود می‌گیرند، می‌باشد.

انسانها گاهی حاضرند اختلافات خود را عاقلانه و عادلانه حل نمایند و گاهی بنا به دلایل و شرایطی متوسل به روشهای دیگری از قبیل نزاع و ظلم و زور و یا نیرنگ و فریب می‌شوند.

به نظر می‌رسد بشر می‌تواند تمامی اختلافات خود را عاقلانه و عادلانه و به صورت صلح‌آمیز و منطقی یا حل کند و یا به ترتیبی آنها را بپذیرد. لیکن وجود جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی و نیز جهل و غرور در آدمی و علل و عوامل دیگری از قبیل نادرستی و عدم یکنواختی در روشهای اندیشیدن و اطلاعات و باورهای غلط و نظامهای قدرت به وجود آمده در جوامع بشری، باعث می‌شود که انسانها نتوانند اختلافات خود را در زمینه‌های مختلف حل نموده و یا به نحوی آنها را بپذیرند. اینجاست که مشکلات ناشی از اختلافات به اشکال گوناگون نزاع و درگیری میان افراد و گروههای بشری ظهور و بروز می‌کند.

جمعیت صراط مستقیم به منظور حل این اختلافات که اصل هدف جمعیت نیز می‌باشد دکتربینی وضع می‌نماید که در پرتو آن بتوان هر چه بیشتر و بهتر این اختلافات را بنحو شایسته‌ای حل نمود. در این دکتربین، ابتدا کلیه اختلافات بشری به دو دسته اختلافات مجاز و غیر مجاز تقسیم می‌شود. اختلافات مجاز و غیر مجاز می‌تواند در تمام زمینه‌های اندیشه و معرفت و رفتار و عمل بشری مفهوم پیدا کند. و از درجات جواز و عدم جواز متفاوتی نیز برخوردار باشند. اختلافات مجاز یعنی اختلافاتی که جمعیت وجود آنها را می‌پذیرد و پیوسته باب مباحثه و گفتگو را برای حل آنها و یا برای نحوه پذیرفتن و عمل به آنها، در جامعه باز می‌گذارد. اختلافات مجاز یعنی اختلافاتی که جمعیت بواسطه آنها نه تنها خود را با کسی درگیر نمی‌نماید بلکه نسبت به آنها از در موضع رفق و مدارا و نیز در درجات پایین‌تر از در دوستی برخورد نموده و ارتباط برقرار می‌گرداند.

اما اختلافات غیر مجاز یعنی اختلافاتی که جمعیت اساساً وجود آنها را نمی‌پذیرد و اندیشه و عمل به آنها رباطل می‌داند. لیکن در مقام برخورد با این اختلافات و عوامل و طرف‌های آن، جمعیت باز از موضع دکتربین سنگ‌زیرین آسیاب پیش می‌آید. در صورت کارسازی این دکتربین، جمعیت همچنان از این موضوع استفاده می‌کند تا نزدیکی و حل اختلاف و یا تحمل اختلاف به نحوی حاصل شود. لیکن در صورت عدم کارسازی این دکتربین، جمعیت سعی می‌نماید به‌مراه سایر عوامل محیطی و مردمی، آنها را

محصور نموده و خود جامعه را نسبت به تهدیدات آنها ایمن گرداند در صورت لزوم و عمل به تهدید از طرف آنها، بهمراه سایر عوامل مردمی و محیطی با آنها از در دفاع و مبارزه بر آید.

جمعیت در اینجا معتقد است که اختلافات مجاز و غیر مجاز و به عبارتی حد و مرز دایره‌های خودی و غیر خودی دارای درجات و مراتبی است که می‌توان آن را با توجه به اهداف و اصول جمعیت تعریف نمود و عمل کرد.

دکترین دایره‌های بزرگتر و کم رنگ‌تر به جمعیت نشان می‌دهد که دایره‌های خودی و اختلاف مجاز می‌تواند از دایره‌های تنگ و کوچکتر و پررنگ‌تر شروع شود تا دایره‌های گشادتر و بزرگ‌تر و کم رنگ‌تر در اختلافات مجاز و خودی بودن ادامه پیدا کند.

براساس سایر اصول و دکترین‌های جمعیت شاخص مهم این دکترین، آن است که همواره اکثر مردم جهان و در قالب آن اکثر مسلمین جهان و اکثر مردم کشور باید در دایره‌های اختلاف مجاز و خودی از پررنگ تا کم رنگ قرارگیرند. و اقل مردم جهان و مسلمین و مردم کشور، فقط می‌توانند همواره در دایره اختلاف غیر مجاز و غیر خودی‌انهم از دایره‌های پررنگ تا کم رنگ قرار داشته باشند.

به عبارتی دیگر در دایره پررنگ غیر خودی و اختلاف غیر مجاز باید نهایتاً فقط اندک معدودی از ائمه و سران باطل و گمراهی و ظلم جای داشته باشند و در دایره پر رنگ خودی و اختلاف مجاز باید تمامی ائمه و رهبران و اسوه‌های حق و نیکی و نیز تمامی پیروان و عاملان حق و راه راست و خیر و نیکی قرار داشته باشند. مردم بینابین در دایره‌های کم‌رنگ‌تر خودی و اختلاف مجاز قرار می‌گیرند.

پیروان و عاملان باطل و گمراهی و شر و بدی به ترتیب بسته به درجات ایمان و عمل آنها از دایره‌های کم‌رنگ‌تر خودی و اختلاف مجاز تا دایره‌های کم رنگ‌تر غیر خودی و اختلاف مجاز حضور خواهند داشت و ائمه و سران باطل و گمراهی و فسق و فجور و ظلم، در دایره‌های کم رنگ تا پر رنگ غیر خودی و اختلاف غیر مجاز قرار خواهند گرفت.

این دکترین با این شرح و توضیح به جمعیت می‌فهماند که اولاً همواره همه مردم عالم و مسلمین و مردم کشور یا حداقل اکثر آنها انسان‌هایی حداقل قابل احترام و قابل همزیستی مسالمت‌آمیز و حداکثر قابل دوستی و محبت می‌باشند و تنها نهایتاً عده خیلی کمی می‌توانند در دایره‌های پر رنگ و کم رنگ اختلاف غیر مجاز و غیر خودی قرار گیرند، که نمی‌توان با آنها از در همزیستی مسالمت‌آمیز و دوستی و محبت وارد شد.

جمعیت حتی در برخورد با این عده خیلی کم از جوامع بشری باز از در توهین و بی احترامی با آنها وارد نمی‌شود و ضمن رعایت شأن و شخصیت خود، سعی در برخورد سازنده و در نهایت براساس باور و قبول عمومی مردم برخوردی محدود کننده و محصور کننده داشته باشد.

دایره پر رنگ خودی هم ممکن است نسبت به عموم مردم جهان از اقلیت جمعیتی برخوردار باشد، لیکن مجموع دایره‌های خودی و اختلاف مجاز از دایره‌های پر رنگ تا دایره‌های کم رنگ حتماً و همواره یا شامل همه مردم جهان می‌شود و یا بیشتر آنان را در بر می‌گیرد.

۸- اصل مدیریت جامع، روشمند و سیستمی :

جمعیت خود را موظف می‌داند که همواره در برخورد با همه مسائل دارای مدیریتی جامع و حکیمانه، روشمند و سیستمی باشد. برنامه ریزی و سازماندهی، هدایت و کنترل جامع، روشمند و سیستمی شامل مواردی به شرح زیر می‌شود .

۱- نگرش سیستمی

با هر مسئله و هر موردی با نگرش و بینش سیستمی برخورد کردن، یعنی هر پدیده و موضوع و مسئله‌ای را مانند یک سیستم دیدن و به آن اندیشیدن. این به معنی دیدن خوب و درست ماهیت و کلیت یک پدیده و موضوع و مسئله و اجزاء آن و روابط بین اجزاء آن و عناصر محیطی و روابط محیطی با آن عناصر می‌باشد.

۲ - روشمندی

در اندیشیدن، تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، سازماندهی، سیستم دهی، طراحی، تجزیه و ترکیب مسائل و مشکلات و حل آنها، همواره به صورت روشمند عمل کردن. فرآیندهای منطقی هر کدام از این کارها و فعالیتها وابسته به متدلوژی‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای است که امروز در جهان بسیار توسعه یافته است. جمعیت براساس این اصل سعی دارد که در تمامی مراحل اندیشه و عمل خود به صورت روشمند از پیشرفته‌ترین متدلوژی‌ها و تکنولوژی‌ها بهره برداری کند تا میزان خطا و اشتباه در آنها کمتر شود و سرعت و دقت عمل بطور همزمان در حصول نتایج هر چه بیشتر و بهتر بالا رود.

۳- همه جانبه نگری ، یکپارچه نگری و جامع نگری در کلیه امور و مسائل و پدیده‌ها

لازم است همواره کلیه امور ، مسائل و پدیده‌ها در ارتباط با یکدیگر و بطور همزمان مورد ملاحظه و بررسی قرار گیرند. سعی می‌شود که یک مسئله و پدیده و موضوع از ابعاد و وجوه و جوانب مختلف، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. همه جانبه نگری به ما امکان می‌دهد تا حد ممکن اطراف و ابعاد و زوایای یک موضوع و مسئله و پدیده از دیدگاههای مختلف ملاحظه شود. این اطمینان ما را نسبت به درستی و کامل بودن نتایج، بیشتر می‌گرداند. یکپارچه نگری یعنی آنکه هر پدیده و مسئله و موضوع را بصورت یک کل واحد با کلیت و ماهیت معین بشناسیم و در نظر بگیریم. و بالاخره جامع نگری به ما این امکان را می‌دهد که مسائل و پدیده‌ها و موضوعات مختلف را اولاً در ارتباط با هم ببینیم ثانیاً آنها را در حالتها و شرایط مختلف و در دوره‌های زمانی گوناگون و در سطوح برخوردی متفاوت مورد شناخت و

بررسی قرار دهیم. باین ترتیب همواره ما می‌توانیم مسائل، موضوعات و پدیده‌های مختلف را با حداکثر اثر بخشی و کارایی و دقت و صحت، مورد شناخت و بررسی قرار دهیم.

این نگرش‌ها زمانی پر بارتر خواهند شد که فرایندهای تفکر، حل مسئله، تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی، مبتنی بر متدلوژی‌های استاندارد و تکنولوژی‌های پیشرفته باشد .

۴- کاربرد عقل و علم و حکمت در همه امور، مسائل و پدیده‌ها

استفاده از آخرین دست آوردهای بشری در علوم و فنون، در شناخت و بررسی مسائل، از اصول کاربردی جمعیت در تمامی مراحل اندیشه و عمل است .

اندیشه و عمل عاقلانه، عالمانه و حکیمانه در محضر و منظر عمومی عقلا و علما و حکمای عالم و نیز مردم جهان خواسته دائمی جمعیت می‌باشد و لذا جمعیت بر آن بسیار تاکید و توجه دارد .

۵- کار گروهی و سیستمی کردن

جمعیت معتقد است که توانایی و کارایی و بهره‌وری انسانها در اندیشه و عمل وقتی با یکدیگر در یک‌فرایند و ساختار سیستمی و سازمان یافته و با انگیزه‌ها و اهداف واحد قرار گیرند، بسیار افزایش پیدا کرده و اطمینان به میزان صحت نتایج بسیار بیشتر می‌شود.

لذا از اصول اساسی جمعیت در اصل مدیریت سیستمی، اعتقاد و عمل به کار گروهی ساختار یافته و سیستمی براساس متدلوژی‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته می‌باشد.

۶- اطلاعات درست و دقیق داشتن

جمعیت همواره سعی می‌نماید در اعمال مدیریت عاقلانه، عالمانه و حکیمانه خود در امور و مسائل مختلف، براساس اطلاعات درست و دقیق بررسی و تحلیل نماید. لذا جمعیت همواره می‌کوشد کلیه تلاش‌های خود را در اندیشه و عمل مبتنی بر اطلاعات درست و جامعی قرار دهد که برای بدست آوردن آنها به صورت سیستمی و علمی دائماً تلاش می‌کند. باین نتیجه از نتیجه‌گیری‌ها و قضاوت‌های ناقص و عجولانه دوری می‌شود.

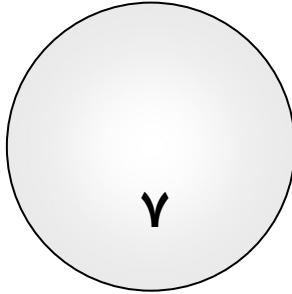
نقص و ضعف و کمبود اطلاعات جامع و کافی درباره مسائل و پدیده‌ها، همواره موجب حصول نتایج غلط و قضاوت‌های نادرست گردیده است و جمعیت سعی می‌کند تا حد ممکن و در حد مقدور، اطلاعات موجود در باره مسائل و پدیده‌ها را جمع‌آوری و مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا بتواند با تجزیه و ترکیب درست آنها به نتایج و قضاوت‌های درست برسد.

۹- اصل مصالح و منافع عمومی اسلامی، جهانی و ملی :

جمعیت صراط مستقیم در عملکردهای خود همواره مصالح و منافع عمومی مسلمین و مردم جهان و کشور را در نظر دارد این توجه جمعیت به ترتیب اولویت ابتدا شامل مصالح و منافع مسلمین و کشورهای اسلامی و سپس شامل مردم جهان و سپس شامل مردم و کشور خود می‌شود. این اولویت بندی نافی همزمانی توجه به سه نوع مصالح و منافع در عالم نیست. یعنی جمعیت با اولویت بندی فوق بطور همزمان و دائمی، مصالح و منافع مسلمین و مردم جهان و کشور را با هم در نظر دارد و مورد توجه قرار می‌دهد.

مصالح و منافع عمومی اسلامی، جهانی و ملی شامل مواردی از قبیل حفاظت و سلامت محیط زیست در ابعاد مختلف، کنترل جمعیت به نحو صحیح و جامع، تغذیه مناسب، بهداشت فراگیر، آموزش و پرورش اولیه و عمومی می‌باشد که باید به آنها در سطح اسلامی، جهانی و ملی توجه شود. جمعیت سعی دارد به این مصالح و منافع عمومی توجه جدی مبذول دارد.

جمعیت برابر این اصل خود بخود به مبانی مشترک در منافع و مصالح میان مردم جهان بیشتر توجه و تاکید دارد و این شامل پذیرش منشور ملل متحد و سایر قوانین بین‌المللی بر پایه مشترکات اسلامی و ملی نیز می‌گردد. و سپس بر مبانی مشترک میان منافع و مصالح اسلامی و ملی با اولویت کمتر و در نهایت به منافع و مصالح خاص اسلامی و نیز خاص ملی هر کشوری با اولویت کمتر توجه و تاکید می‌نماید. این بدان معنی است که جمعیت همواره بر پایه‌ها و مبانی مشترک اعتقادی و ارزشی و رفتاری و عملی میان مردم جهان و سپس مسلمانان و سپس ملت‌های اسلامی، عمل می‌نماید.



اقدامات اولیه و ضروری در راه اندازی و فعالیت

جمعیت صراط مستقیم

ایجاد و راه اندازی جمعیت صراط مستقیم و آغاز عملی کار در آن، نیاز به مقدمات و تمهیداتی دارد که می‌بایستی از قبل نسبت به آنها توجه و اقدام نمود. این اقدامات شرایط اولیه و مناسب و زمینه‌های لازم کار و فعالیت جمعیت را فراهم می‌آورد.

اولین اقدام تهیه همین طرح و بیانیه پیشنهادی است که در حال حاضر انجام شده است.

مسئله و مشکل اساسی جامعه بشری و فلسفه و ضرورت برخورد همه جانبه و یکپارچه با کل مسائل و مشکلات جامعه بشری در این یادداشت، مورد تعریف و نقد و بررسی قرار گرفته و بر مبنای آن طرح جامع هدایت به راه راست که به اختصار طرح جامع صراط مستقیم نامیده شد، تعریف گردید. سپس به منظور فراهم آوردن سازو کار لازم در اجرای این طرح عظیم، جمعیت صراط مستقیم با بیانیه اصول و مبانی ضروری آن، پیشنهاد گردید.

اینک با انتشار محدود و اولیه این طرح و بیانیه، به عنوان اولین اقدام ضروری، لازم است، اقدامات و فعالیتهای بعدی تعریف و برنامه‌ریزی شوند.

بر اساس یک برنامه‌ریزی مقدماتی می‌توان اقدامات و فعالیتهای اولیه و ضروری بعدی برای ایجاد و راه‌اندازی جمعیت صراط مستقیم و آغاز عملی کار در آن را، بشرح زیر بر شمرد. این اقدامات و فعالیتهای، در اینجابدون در نظر گرفتن ترتیب توالی و توازی منطقی و عملی آنها، تعریف و بیان می‌شوند.

۱ - آشنایی و همفکری کسانی که می‌خواهند جمعیت راه اندازی شود

بر اساس مطالب مندرج در این طرح و بیانیه پیشنهادی، کسانی که تمایل به راه اندازی و فعال نمودن جمعیت در سطح داخلی و جهانی دارند، می‌توانند با یکدیگر آشنا شده و از نزدیک نسبت به این موضوع مهم و طرح عظیم، تبادل نظر و مشورت نمایند. این گفتگوها و مشورتهای و بحثها می‌تواند در تمامی مطالب مندرج در این طرح و بیانیه پیشنهادی، رخ دهد و نسبت به نقد و بررسی و جرح و تعدیل آن پیشنهادات لازم ارائه گردد.

بدین ترتیب این افراد می‌توانند با یکدیگر آشنا شده و به یک هم‌زبانی و همفکری نسبتاً واحدی برسند سپس با یاری و همکاری و کمک به یکدیگر، نسبت به راه اندازی جمعیت، اقدام نمایند.

بنابراین اولین اقدام پس از انتشار محدود اولیه طرح و بیانیه جمعیت صراط مستقیم، آشنایی و همفکری و مشورت کسانی است که مایل به راه اندازی و فعال نمودن جمعیت با رسالتهای و اهداف بیان شده می‌باشند. این افراد هسته اولیه راه اندازی جمعیت خواهند بود که به صورت جدی در باره آن اقدام خواهند کرد.

۲ - برنامه‌ریزی جامع اولیه جمعیت

پس از همفکری و مشورت عاملان به ایجاد و راه اندازی جمعیت صراط مستقیم و توافق نسبی آنها در انجام چنین اقدامی بزرگ، لازم است ابتدا یک برنامه‌ریزی جامع اولیه در راه اندازی و فعال نمودن جمعیت، انجام شود.

این برنامه‌ریزی در واقع مروری بر همین برنامه پیشنهادی فعلی است که با دقت و توجه بیشتر و به صورت جمعی و گروهی تهیه خواهد شد .

۳ - تهیه اساسنامه جمعیت

با همفکری و همکاری هسته اولیه راه اندازی جمعیت و مشاوره کارشناسان حقوقی، می‌بایستی اساسنامه اولیه جمعیت و کلیات سازمان و سیستم آن، تهیه و تدوین گردد .

این اساسنامه ممکن است بعدها در اثر گستردگی و پیشرفت کار تا حدودی تغییر کند .

اما در این مرحله به منظور تأسیس رسمی جمعیت، لازم است آنرا تدوین نمود.

۴ - تأسیس رسمی جمعیت

پس از تهیه اساسنامه جمعیت و مشورت با رجال سیاسی و فرهنگی در دسترس، و طی مراحل و تشریفات قانونی، نسبت به راه اندازی اولین دفتر جمعیت در داخل کشور، اقدام می‌شود. تشکیلات و سیستم اولیه جمعیت طراحی و راه اندازی می‌گردد، تا جمعیت بتواند به صورت رسمی، فعالیتهای خود را آغاز نماید .

۵ - بازنگری و اصلاح طرح و بیانیه پیشنهادی

همزمان با تأسیس رسمی جمعیت، می‌توان به بازنگری و اصلاح طرح و بیانیه پیشنهادی فعلی با همفکری و همکاری افراد هسته اولیه راه اندازی جمعیت و کارشناسان مربوطه، پرداخت. طرح و بیانیه اصلاح شده، شامل اساسنامه و معرفی رسمی و عمومی جمعیت و تشکیلات آن خواهد بود. در اصلاح نهایی طرح و بیانیه جمعیت با رجال و کارشناسان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و حقوقی، مشورتهای لازم به عمل خواهد آمد.

۶- انتشار رسمی و عمومی طرح و بیانیه جمعیت صراط مستقیم

طرح جامع صراط مستقیم و بیانیه جمعیت صراط مستقیم، پس از تأسیس جمعیت و اصلاح نهایی آن، به صورت رسمی و عمومی چاپ و منتشر می‌شود. باین ترتیب جمعیت صراط مستقیم و اساسنامه آن به صورت رسمی و عمومی معرفی می‌گردد.

در این معرفی رسمی و عمومی، از عموم کسانی که با رسالت و اهداف و مبانی جمعیت موافقت، دعوت به همکاری و همفکری و کمک در ابعاد مختلف می‌شود.

باین ترتیب بحول و قوه الهی، امکانات و تسهیلات و شرایط لازم برای فعالیت رسمی جمعیت فراهم می‌آید.

این معرفی رسمی و عمومی می‌تواند به زبانهای مختلف و از طریق شبکه اینترنت و چاپ و انتشار داخلی و خارجی، انجام شود.

در این معرفی و تبلیغ عمومی و جهانی، رسماً از عموم آحاد مردم و دانشمندان و رجال علمی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، دینی و مذهبی، دعوت به همکاری و مشورت و کمک و عضویت در جمعیت، به عمل می‌آید. این آغاز راه و کار فعالیت جمعیت در جهان خواهد بود.

۷- سازماندهی و سیستم دهی مورد نیاز جمعیت

بر اساس طرح و بیانیه رسمی منتشره، و پیش بینی حجم و تنوع همکاری و کمکها، می‌بایستی نسبت به طراحی سازمان و سیستم جمعیت، اقدام نمود. بر اساس طرحهای بدست آمده، نسبت به راه اندازی سازمان و سیستم جمعیت اقدام می‌شود.

از جمله سیستمهای جمعیت، سیستم برنامه‌ریزی و کنترل و ارزیابی جامع کل اقدامات و فعالیتهای جمعیت است که در این مرحله، طراحی و راه اندازی می‌گردد.

۸- تأمین منابع مالی مورد نیاز جمعیت

در انتشار طرح و بیانیه جمعیت، علی‌العموم در خواست کمکهای مالی، امکاناتی و تسهیلاتی می‌شود.

انتظار می‌رود با توجه به اهداف و برنامه‌های طرح جامع صراط مستقیم، افرادی و مؤسساتی چنین کمک‌هایی را به جمعیت بکنند. لذا در این مرحله لازم است نسبت به جذب و جمع آوری کمکهای مالی و تجهیزاتی و تاسیساتی و تسهیلاتی و نیز تأمین منابع مالی از طرق مجاز و قانونی، اقدام شود. بخشی از

کمکها، منابع و سرمایه‌های اولیه، ممکن است ابتدا توسط خود اعضای هسته اولیه جمعیت و نیز نهادها و دستگاههای دولتی و نیکوکارانی از بخش خصوصی، بدست آید، که می‌بایستی از طریق گفتگو و مذاکره با آنان اقدام به تأمین آنها نمود.

بخشی از منابع مالی و امکانات تهیه شده، صرف سرمایه گذاری و ایجاد و توسعه جمعیت و بخشی از آن صرف امور جاری جمعیت و بخشی نیز صرف انجام مأموریتها و برنامه‌های مأموریتی جمعیت در محورهای دوازده گانه یاد شده، می‌گردد. در بدو امر هزینه‌های سرمایه گذاری و ایجاد و توسعه جمعیت، مهم‌ترین بخش بودجه‌های جمعیت است و هزینه‌های انجام برنامه‌های مأموریتی کمتر می‌باشد.

۹- ایجاد مؤسسات و شرکتهای اصلی و مورد نیاز جمعیت

با منابع مالی و امکانات بدست آمده، می‌بایستی بلافاصله نسبت به ایجاد مؤسسات و شرکتهای اصلی و مورد نیاز جمعیت، اقدام شود. به ویژه آن دسته از مؤسسات و شرکت هایی که می‌توانند برای جمعیت درآمد زباشند باید هر چه زودتر تأسیس گردند و سرمایه گذاری‌های لازم برای فعالیتهای آنان صورت پذیرد.

این مؤسسات و شرکتها بر اساس اولویتهای تعریف شده و به ترتیب اهمیت، در آمدزایی و ضرورت می‌بایستی ایجاد شوند.

با راه اندازی تعدادی از این مؤسسات و شرکتها، جمعیت عملاً می‌تواند اقدامات و پروژه‌های خود را لااقل در بعضی محورهای مأموریتی یاد شده آغاز کند.

۱۰- ایجاد و راه اندازی بانکهای اطلاعاتی و مراکز خدمات اطلاع رسانی

به منظور بهره برداری کارشناسان و کارگزاران محورهای فعالیتهای یاد شده در مأموریت، و نیز بهره برداری سایر کارشناسان و مشاوران خارج از جمعیت، لازم است بانکهای اطلاعاتی و مراکز خدمات اطلاع رسانی مورد نیاز ایجاد و راه اندازی شوند.

این بانکها و مراکز اطلاع رسانی، پایگاهی برای تبادل اطلاعات و خدمات اطلاع رسانی خواهند بود که کارشناسان و مشاوران و کارگزاران جمعیت، از آن بهره می‌برند.

هم چنین از اولین اقدامات ضروری، برای جمعیت و مؤسسات وابسته به آن، ایجاد آدرس‌ها و پایگاه‌های خدماتی و اطلاع رسانی در شبکه اینترنت می‌باشد. این پایگاه‌های اطلاعاتی و خدماتی به منظور بهره برداری از خدمات بانکهای اطلاعاتی و مراکز و مؤسسات پژوهشی، و آدرس‌های موجود در شبکه

و ارتباط با آنها، ایجاد می‌گردند. ارائه خدمات اطلاع رسانی و پژوهشی و فرهنگی و نیز سایر خدماتی که جمعیت و موسسات تابعه آن‌قادر به ارائه آنهاست، از طریق همین پایگاه‌ها، در شبکه اینترنت، صورت می‌پذیرد.

جمعیت و مؤسسات تابعه آن می‌توانند از طریق این پایگاه‌های اطلاعاتی و خدماتی در شبکه اینترنت با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، مراکز و مؤسسات موجود و مورد نیاز در جهان، ارتباط برقرار کرده و اطلاعات و خدمات لازم را ارائه و دریافت نمایند.

۱۱ - تهیه و انتشار، نشریه جمعیت

به منظور معرفی جمعیت و برقراری ارتباط آزاد و عمومی با مردم و دانشمندان و علما و رجال سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، دینی و مذهبی، لازم است، حداقل در ابتدا یک نشریه به صورت فصل نامه یا ماهنامه چاپ و منتشر شود. این وسیله ارتباطی خوبی برای تبادل آراء و نظرات در امور مختلف و مسائل و مشکلات جامعه بشری و امت اسلامی می‌باشد. جمعیت از طریق این نشریه می‌تواند آرمانها، اهداف، طرحها و برنامه‌های خود را معرفی نموده و نسبت به ارائه نتایج پروژه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی خود با رعایت مصالح ملی و اسلامی و جهانی دیگران را مطلع سازد.

جمعیت، بعدها به نشریات بیشتری در قالب روزنامه و هفته نامه و ماهنامه و فصلنامه و غیره در ابعاد و موضوعات مختلف نیاز خواهد داشت که به موقع و بر اساس ضرورت و نیاز نسبت به تهیه و انتشار آنان، اقدام خواهد نمود.

۱۲ - ایجاد و راه اندازی میزگردها و جلسات بحث و گفتگوی آزاد سازماندهی شده

به منظور تبادل و تعامل نظرات و اندیشه‌های گوناگون در موضوعات مختلف باورها، ارزش‌ها و رفتارهای بشری، لازم است شرایط، فضا و زمینه‌های مناسب برای بحث و گفتگوی متقابل و آزاد آنها، از نزدیک فراهم آید.

بحث و گفتگوی متقابل و آزاد، این فرصت را هم برای گفتگو کنندگان و هم برای شنوندگان و ناظران فراهم می‌آورد که اولاً آنها از نزدیک به آراء و نظرات یکدیگر آشنا شده و بیگانگی‌ها و برداشت‌های ناشی از بیگانگی‌ها از باورها و ارزش‌های یکدیگر، تا حدود زیادی از بین برود. ثانیاً میدان خوبی برای قضاوت و داوری در باره ضعف وقوت اندیشه‌ها و میزان حقانیت و درستی آنها و صاحبان آنها پدید خواهد آمد. ثالثاً شرایط مناسبی برای شناخت خویش و دیگران و باورها و ارزش‌های مطروحه

بدست خواهد آمد. رابعاً زمینه خوبی برای نزدیکی و همگرایی منطقی و مسالمت‌آمیز در معرفت به حق و صراط مستقیم، برای همه فراهم خواهد آمد.

جمعیت سعی خواهد نمود با راه اندازی چنین مباحثات و گفتگوهایی، میان آراء و اندیشه‌های گوناگون، فضا و شرایط مناسب جستجوگری حق را بطرق مختلف، فراهم آورد.

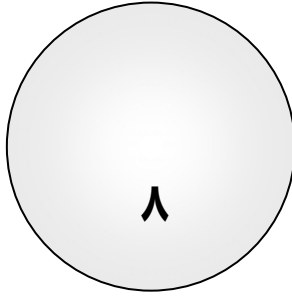
باین منظور جمعیت بصورت برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته، اقدام به برقراری میزگردها و جلسات مختلف بحث و گفتگو از صاحبان آراء و اندیشه‌های گوناگون، در سراسر جهان می‌نماید.

این اقدامات می‌توان بصورت میزگردها و جلسات بحث و گفتگوی مستقیم و حضوری غیر علنی و خصوصی، و یا علنی و در حضور ناظران و شنوندگانی، از طریق صدا و سیما و مطبوعات و یا هم چنین این جلسات می‌تواند بصورت غیر حضوری و غیر همزمان از طریق اینترنت و یا مطبوعات برقرار شود. که در این صورت طرف‌های بحث و گفتگو با فرصت بیشتر و بهتری می‌توانند در آن شرکت نمایند و از تعارضها و ضعف‌های گفتگوی مستقیم و حضوری هم پرهیز شده است.

جمعیت تلاش خواهد کرد که با طراحی و اجرای انواع مدل‌ها و روش‌های بحث و گفتگو میان صاحبان آراء و اندیشه‌های گوناگون، بحول و قوه الهی زمینه و شرایط مناسب را برای جستجوگری حق و راه راست، فراهم آورد.

مدل‌ها و روش‌هایی که تا ممکن است از فاصله و دشمنی و رقابت و نزاع میان آدمیان و صاحبان باورها و اعتقادات مختلف کم کند و همگان را با یاری یکدیگر، صادقانه، شجاعانه و عاقلانه به شناخت و معرفت جامع و همه جانبه حق و صراط مستقیم، سوق دهد.

لذا ضروری است که این جلسات و مباحثات بگونه‌ای سازماندهی و اداره شوند که اولاً بکسی یا کسانی ظلم نشود، ثانیاً کسی یا کسانی از روش‌های غلط جو سازی و تحریک احساسات و غیر منطقی استفاده نکنند، ثالثاً دشمنی‌ها و نزاع‌ها بیشتر و بدتر نشود.



دعوت مقدماتی و ابتدایی به

راه اندازی و فعالیت

جمعیت صراط مستقیم

پس از تبیین و توجیه مسائل و مشکلات اساسی و عمومی جامعه بشری و ارائه راه حل همه جانبه و یکپارچه «طرح جامع صراط مستقیم» لازم دیده شد که به منظور اجرای این طرح اساسی، کار به صورت سازمان یافته و روشمند و همه جانبه در ۱۲ محور فعالیت تعریف شده، انجام پذیرد.

اینک برای اینکه بتوان چنین جمعیتی را ایجاد و فعال نمود، می‌بایستی این طرح و بیانیه پیشنهادی، در معرض مطالعه و نقد و بررسی دیگران قرار گیرد. باین منظور، طرح جامع صراط مستقیم و بیانیه پیشنهادی جمعیت صراط مستقیم (یعنی یادداشت حاضر) در اختیار بعضی بزرگواران و دوستان قرار گرفته است.

آغاز این حرکت در راه اندازی جمعیت به آن است که کلیه کسانی که این بیان و توجیه را قبول دارند و طرح جامع صراط مستقیم را به عنوان ضروری‌ترین و بهترین کاری که باید انجام شود تا مسائل و مشکلات جامعه بشری تا حدود زیادی حل شود، می‌پذیرند، دست به دست یکدیگر داده و با مشورت و همفکری و همکاری با یکدیگر، جمعیت صراط مستقیم را با اصول و مبانی معرفی شده ایجاد و فعال نمایند.

لذا در انتها، نویسنده این یادداشت و پیشنهاد دهنده این طرح و جمعیت، از تمام کسانی که این گزارش را می‌خوانند و شرح و درد آنرا می‌فهمند، دست یاری و مشاوره و کمک دراز می‌کند واز آنها تقاضا دارد برای راه‌اندازی و فعال کردن طرح و جمعیت با توکل بر پروردگار عالم، بیاری یکدیگر شتافته و با همفکری و مشورت با یکدیگر مقدمات این کار خیر و عظیم را فراهم آورند.

اگر کسانی نقدی و نظری بر این کار و طرح دارند و یا آنرا ضروری نمی‌دانند و مسئله و مشکل را در چیزهایی دیگر می‌بینند و راه حلها و طرحهای بهتری برای تضمین و بقای هدایت به راه راست و تحصیل سعادت اخروی دارند، خواهشمند است لااقل نویسنده را از آنها مطلع گردانند. و تا می‌توانند سعی در قانع کردن نویسنده در عوض کردن نظرات و طرح مطرح شده به سوی نظرات و طرحهای خود بنمایند.

نویسنده عاجزانه از این بزرگواران تقاضا می‌کند که آنها یا این طرح و موضوع را تایید می‌نمایند و آنرا عملی می‌دانند، پس به یاری و کمک آن شتافته و در راه‌اندازی و فعال کردن آن همکاری و مشارکت بفرمایند. و یا آنرا کلاتایید نمی‌کنند که در این صورت دلایل قانع کننده خود را به نویسنده ارائه فرمایند و او را نسبت به طرح و نظر خود متقاعد گردانند، تا او آنها را در طرح و نظر خودشان یاری نماید. و یا بخش هایی از آن را پذیرفته و بخش هایی رانمی‌پذیرند. در این صورت نیز نویسنده را از نظرات اصلاحی خود مطلع فرموده و با او سعی در حصول یک راه کار و طرح جامع برای حل مسائل و مشکلات جامعه بشری، مسلمین و مردم و نظام و کشور بنمایند.

نویسنده فکر می‌کند که مسئله هدایت انسان به راه راست مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئله انسان است و بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن خسران و ضررهای بسیار زیادی برای خود شخص و مردم، در دنیا و آخرت فراهم خواهد نمود.

با باورها و ارزشهای موجود خویش به عنوان حق و راه راست واقعی، بدون آنکه بتوانیم حداقل صادقان و مخلصان عالم را به آن تسلیم و هدایت کنیم، ما را به فکر فرو می‌برد که این چه حجتی است که ما داریم و ما را قانع می‌کند ولی مردمان دیگر جهان را قانع نمی‌گرداند. آیا نباید در حجج خود و در روشهای احتجاج خود لااقل یک‌بازنگری و مروری با نگرش قانع کردن دیگران داشته باشیم؟ در این بازنگری می‌بایستی از همان ابتدا خود را آماده پذیرش هر نتیجه‌ای که منطقی و انصافاً حاصل می‌شود، نمود. چه این نتایج تأیید همه آنچه، داریم باشد و چه نفی همه با بخشی از آنچه داریم بکند، آنها را بپذیریم.

بدون این پیش فرض، کار بازنگری و پژوهش، عقیم می‌ماند. معنی این بازنگری و پژوهش با این پیش فرض، از دست دادن و یا شک و شبهه کردن در باورها و ارزشها و رفتارهای فعلی نیست. چرا که تا چیزی رد نشده است یا تغییر نکرده است، جوازی و حجیتی برای نفی و تغییر آن، نیست.

این لازمه‌اش تقوی و شجاعت و صداقت است. تقوی و شجاعت و صداقتی که با این انگیزه در ما پدید آید، که قیمت هدایت به راه راست و اطمینان بر آن و تحصیل سعادت جاودانه از هر چیزی بالاتر است. حتی اگر به قیمت بدست آوردن آن، تمام آنچه را که از ایمان و عمل و جان و مال و قدرت و مقام، در حال حاضر داریم از دست بدهیم.

نمی‌توان با نحوه تعلیم و تربیتی که علی‌العموم هر فردی و از جمله ما در این دنیا داریم به آنچه که معتقدیم، به صورت کلی و اجمالی و سرسری اطمینان کنیم و به حصول سعادت جاودانه بی‌توجه باشیم.

حتی اگر به باورها و ارزشها و رفتارهای موجودمان یقین و اطمینان کامل داریم. این بازنگری و تحقیق اساسی و همه‌جانبه، ضرورت دارد، زیرا قطعاً هم به ثبات هر چه بیشتر این یقین و اطمینان فعلی، به ما کمک می‌کند و هم اینکه راه و چاه را بیشتر و بهتر به دیگران از مردم دنیا نشان می‌دهد و به آنها کمک می‌کند که حق و راه راست ما را بشناسند و بپذیرند. این لازمه‌اش آن است که حداقل خود ما دغدغه حق و باطل بودن باورها و ارزشها و رفتارهای خودمان را داشته باشیم.

در این طرح و بیانیه پیشنهادی، نویسنده آنچه را که به اندازه معرفت و توانش فکر می‌کرد برای حل این مسئله اساسی بشریت لازم است، عنوان نمود. باشد که بزرگوارانی عمق این درد و فاجعه بشری را با معرفت و توان بیشتر، بهتر درک کرده و در ارائه توجیهات و طرحها و روشهای کامل‌تری اقدام نمایند و

نویسنده را در این امر خطیر مشاوره و یاری رسانند. و نویسنده هم از هر گونه کمک و یاری، به این بزرگواران دریغ نورد.

اینک این گوی و این میدان، این درد و این درمان، این دست و این پیمان، بیاید تا صادقانه، عالمانه و شجاعانه آنچه را که حق است و باید بیابیم، جستجو کنیم.

یاریها و کمکها، اقداماتی که اینک می‌توان به آنها عمل نمود به شرح زیر است :

۱- مطالعه کامل و دقیق و نقد و بررسی این یادداشت و طرح و بیانیه پیشنهادی جمعیت صراط مستقیم و ارائه نظرات در قبول، رد و یا جرح و تعدیل آن .

۲- مباحثه و گفتگو با نویسنده و سایر بزرگواران در این نقد و نظر، در جهت همگرایی برداشتها، ضرورتها، راه‌حلهای، طرحها و نظرات .

۳- در صورت پذیرش کل این گزارش و طرح و بیانیه و یا بخش‌هایی از آن و یا نتیجه‌گیری از مباحثات و گفتگوها در این باره، اقدام به همفکری و گفتگو در چگونگی مقدمات کار و فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های اولیه کل کار و یا بخش‌هایی از آن .

۴- اعلام آمادگی برای همکاری کارشناسی مطالعاتی، پژوهشی و مشاوره‌ای در اجرای طرحها و پروژه‌ها و فعالیتهای مطالعاتی و پژوهشی در محورهای مختلف .

۵- اعلام آمادگی برای همکاری و کمک فنی و اقتصادی و فعالیتهای تولیدی و خدماتی و ایجاد توان تولیدی و خدماتی اقتصادی و فنی برای پشتیبانی مالی و تدارکاتی کل کار و طرحها و پروژه‌ها و فعالیتهای آن .

۶- اعلام آمادگی برای همکاری و کمک فرهنگی و آموزشی و تبلیغاتی در برنامه‌های محورهای مختلف

۷- اعلام آمادگی برای همکاری و کمک عمومی، اجتماعی و خیریه .

۸- اعلام آمادگی برای همکاری و کمک امکاناتی و تأسیساتی و تجهیزاتی و ساختمانی .

۹- اعلام آمادگی برای ایجاد و ارائه تسهیلات مورد نیاز .

۱۰- اعلام آمادگی برای کمک مالی و نقدی برای اجرای طرحها و پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری در راه اندازی و فعالیت جمعیت و ایجاد مؤسسات و شرکتهای تابعه و راه اندازی آنها.

۱۱- اعلام آمادگی برای همکاری و کمک اداری، پشتیبانی و خدماتی، در پشتیبانی و اداره اقدامات و فعالیتهای کلیه محورها .

۱۲- و هر نوع همکاری و کمک دیگری که فکر می‌کنید در این مقطع می‌توانید به آن مبادرت نمائید.

بزرگوارانی که می‌خواهند در یکی یا چند نوع از این همکاریها مشارکت و فعالیت داشته باشند، می‌توانند آمادگی و میزان و نوع و نحوه همکاری و کمک و مشارکت خود را اعلام، تا براساس آن، اقدامات اولیه این کار و طرح عظیم و جامع آغاز شود.

نویسنده به عنوان مشاور حقیق در خدمت این بزرگواران خواهد بود و آماده است تا آنان را در راه اندازی و پیاده سازی این طرح عظیم و جامع یاری و کمک فکر و عملی نماید او در این کار و تکلیف به گفته شعیب نبی (علیه السلام) با قوم خود، تاسی نموده و می‌گوید:

«... ان ارید الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب. (هود - ۸۸) ... من نمی‌خواهم مگر اصلاح وضع را هر چه قدر بتوانم و توفیقی در این باره نیست مگر به پروردگار، بر او توکل می‌کنم و به او پناه می‌برم.»

سید مهدی صالحی